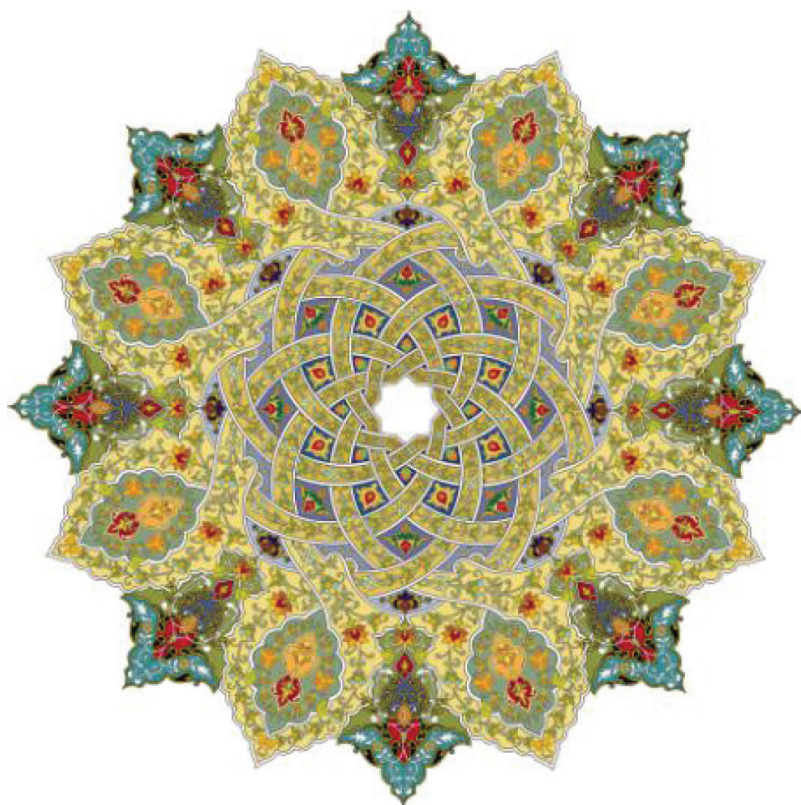

برنامه و خط مشی دولت دوازدهم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

۱	مقدمه
۵	۱. اصول و جهت‌گیری‌های بنیادین دولت دوازدهم
۵	۱-۱. دیانت عقلانی و رحمانی
۵	۲-۱. رفتار، سیاست‌گذاری و عمل به مشی اعتدالی
۵	۳-۱. تصمیم‌گیری بر مبنای خرد جمعی
۶	۴-۱. محوریت منافع ملی
۶	۵-۱. تلاش برای تحقق اصول تدبیر شایسته
۶	۶-۱. واقع‌بینی
۶	۷-۱. تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل
۷	۸-۱. رعایت حقوق شهروندی بر مبنای اجرای منشور حقوق شهروندی
۷	۹-۱. تعهد به رشد و توسعه همه‌جانبه
۸	۱۰-۱. ارتقای کیفیت زندگی ایرانیان
۸	۱۱-۱. مبارزه با فساد
۸	۱۲-۱. بهسازی و بازآفرینی ظرفیت نهاد دولت
۹	۱۳-۱. تعامل بر پایه احترام متقابل قوا در عین تفکیک وظائف
۹	۱۴-۱. پایدارسازی محیط‌زیست
۱۰	۱۵-۱. تکیه بر مردم
۱۰	۱۶-۱. حمایت از نسل جوان
۱۰	۲. برنامه دولت دوازدهم
۱۳	۱. حوزه اقتصادی
۱۳	۱-۱. برنامه رشد اقتصادی فراگیر، مستمر، اشتغال‌زا و ضدفقر
۱۴	۱-۱-۱. برنامه اصلاحات اقتصاد کلان و ثبات‌ساز اقتصادی
۱۵	۱-۱-۱-۱. بسته اول: توانمندسازی دولت برای ارائه خدمت بهتر
۱۶	۱-۱-۱-۲. بسته دوم: سیاست‌های اصلاح نظام مالیاتی
۱۷	۱-۱-۱-۳. بسته سوم: سیاست‌های پولی و ارزی
۱۸	۱-۱-۱-۴. بسته چهارم: اصلاح نظام مالی



- ۱۹-۱-۱-۵. بسته پنجم: اصلاح بازار انرژی -----
- ۲۰-۱-۱-۶. بسته ششم: اصلاح در صندوق‌های بازنشستگی -----
- ۲۰-۱-۲. برنامه‌های فرابخشی به منظور دستیابی به رشد اقتصادی بالا -----
- ۲۰-۱-۲-۱. بسته اول: برون‌گرایی و سیاست تجاری -----
- ۲۱-۱-۲-۲. بسته دوم: توسعه بخش خصوصی -----
- ۲۶-۱-۳. برنامه‌های حمایتی -----
- ۲۶-۱-۳-۱. سیاست‌های فعال بازار کار -----
- ۲۷-۱-۳-۲. سیاست‌های حمایتی و کاهش فقر -----
- ۲۹-۳-۳. طرح اصلاح ساختار سهام عدالت -----
- ۲. حوزه اجتماعی** ----- **۳۱**
- ۳۳-۱-۲. برنامه‌های اجتماعی دولت دوازدهم -----
- ۳۳-۱-۱-۲. مدیریت آسیب‌های اجتماعی -----
- ۳۴-۱-۱-۲. برنامه مدیریت آسیب‌های اجتماعی -----
- ۳۷-۱-۲. برنامه سلامت، بهداشت و درمان -----
- ۳۹-۱-۲. برنامه توانمندسازی زنان و دختران در جامعه دوستدار خانواده -----
- ۴۳-۱-۲. پایدارسازی صندوق‌های بازنشستگی -----
- ۳. حوزه فرهنگی** ----- **۴۵**
- ۴۵-۱-۳. اصول سیاست و برنامه‌های فرهنگی دولت دوازدهم -----
- ۴۶-۱-۳. برنامه‌های فرهنگی -----
- ۴۶-۱-۳-۱. مردمی کردن فرهنگ و هنر -----
- ۴۶-۱-۳-۲. تمرکززدایی فرهنگی و سهیم کردن مقامات محلی در اداره امور فرهنگی -----
- ۴۶-۱-۳-۳. حمایت از خلاقیت‌ها و آفرینش‌های هنری در رشته‌های مختلف -----
- ۴۶-۱-۳-۴. تقویت آموزش‌های هنری و کتابخوانی -----
- ۴۶-۱-۳-۵. حمایت از هنرمندان و نام‌آوران عرصه فرهنگ -----
- ۴۶-۱-۳-۶. ارائه لایحه قانون خط مشی، نحوه اداره و نظارت بر سازمان صدا و سیما -----
- ۴. حوزه سیاست داخلی** ----- **۴۹**
- ۴۹-۱-۴. برنامه سیاست داخلی دولت دوازدهم -----
- ۴۹-۱-۴-۱. اجرای منشور حقوق شهروندی -----
- ۴۹-۱-۴-۲. اجرای قانون انتشار و دسترسی آزادانه به اطلاعات -----
- ۵۰-۱-۴-۳. تدوین و اجرای قوانین شفافیت همه‌جانبه -----



۴-۱-۴. تداوم تلاش برای تحقق حقوق ملت در قانون اساسی ----- ۵۰

۴-۱-۵. توسعه مشارکت سیاسی ----- ۵۱

۴-۱-۶. تقویت اعتماد عمومی ----- ۵۱

۴-۱-۷. افزایش مشارکت اقوام و اقلیت ها ----- ۵۲

۴-۱-۸. ارتقای شفافیت و مبارزه با فساد ----- ۵۲

۵. حوزه سیاست خارجی ----- ۵۵

۱-۵. اهداف و چشم‌انداز ----- ۵۵

۲-۵. راهبردها و الزامات ----- ۵۷

۳-۵. برنامه‌های سیاست خارجی ----- ۵۸

۱-۳-۵. برنامه‌های کوتاه‌مدت ----- ۵۸

۲-۳-۵. برنامه‌های میان‌مدت ----- ۵۹

۶. حوزه امنیت ملی و توان دفاعی ----- ۶۱

۱-۶. راهبردهای دفاعی دولت دوازدهم ----- ۶۲

۷. حوزه علم، آموزش و فناوری ----- ۶۵

۱-۷. سیاست‌های اصلی ----- ۶۵

۱-۱-۷. حوزه آموزش: سیاست آموزش یکپارچه، متنوع و عادلانه ----- ۶۵

۲-۱-۷. حوزه پژوهش: سیاست ابرپژوهش‌ها برای پاسخ به ابرچالش‌ها ----- ۶۶

۳-۱-۷. حوزه فناوری: بنگاه‌های بزرگ پیشران توسعه فناوری و نوآوری ----- ۶۷

۴-۱-۷. حوزه نوآوری: تسهیل و نهادسازی نوآوری ----- ۶۷

۵-۱-۷. سیاست همکاری‌های بین‌المللی ----- ۶۸

۶-۱-۷. بازآرایی و بهبود ساختار حکمرانی نظام علم، فناوری و نوآوری کشور ----- ۶۸

۲-۷. برنامه‌های حوزه علم و فناوری ----- ۶۸

۱-۲-۷. تغییر ساختار نظام علم، فناوری و نوآوری کشور ----- ۶۸

۲-۲-۷. توسعه سازوکارهای تأمین مالی پژوهش و فناوری ----- ۶۹

۳-۲-۷. بسته تشویقی نوآوری در بنگاه‌های اقتصادی بزرگ ----- ۶۹

۴-۲-۷. حمایت از شرکت‌های کارآفرینی ----- ۷۰

۵-۲-۷. همکاری با شرکت‌های خارجی پیشرو در توسعه نوآوری ----- ۷۰

۶-۲-۷. همکاری بین‌المللی دانشگاه‌ها ----- ۷۱

۷-۲-۷. راتبه‌های (بورسیه‌های) عدالت آموزشی ----- ۷۱

۸-۲-۷. طرح‌های کلان پژوهش و فناوری کشور ----- ۷۱



۷-۲-۹. توسعه ظرفیت اجتماعی پذیرش نوآوری در سطح جامعه ----- ۷۲

۸. حوزه محیط زیست ----- ۷۳

۸-۱. پیگیری برای تصویب لوایح محیط زیستی در مجلس ----- ۷۴

۸-۲. اصلاح روند تصمیمگیری در کمیته ماده ۲ آییننامه ارزیابی اثرات محیط زیستی ----- ۷۴

۸-۳. ارتقای حکمرانی و بهره‌وری در مصرف منابع آب ----- ۷۴

۸-۴. پیشبرد اقتصاد سبز ----- ۷۶

۸-۵. تداوم جلب مشارکت عمومی ----- ۷۶

مقدمه

انتخابات شکوهمند ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ و حضور حماسی ملت ایران در انتخابات، نمودی از حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش بود؛ مردم در انتخاباتی کاملاً رقابتی و آزاد چارچوب نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی و تدابیر مقام معظم رهبری، اراده جمعی خود را برای بهبود سرنوشت جمعی از طریق اعمال تغییرات به کمک صندوق رأی اعلام کردند. قوه مجریه منتخب ملت وظیفه دارد در کنار سایر قوا، وظایف سنگینی را که در قانون اساسی مقرر شده است، به انجام رساند و دین خویش را به مردم و همه آنها که از هستی خویش برای پاسداری از کشور، و خدمت کردن به مایه گذاشته‌اند، ایفا کند.

موفقیت دولت اعتدال نیازمند شناخت موقعیتی است که در آن دولت تشکیل می‌شود. ما ایرانیان در سال ۱۳۹۷ جشن چهل سالگی انقلاب شکوهمند خود را برگزار می‌کنیم و در سال ۱۴۰۰ پا به قرن جدید شمس می‌گذاریم. انقلاب در چهل سالگی خود به سن پختگی می‌رسد و این یعنی دیگر تکرار اشتباهات و تصمیم‌ها و رفتارهای نامناسب از ما پذیرفته نیست. حال که قرن گذشته (۱۳۰۰-۱۴۰۰) را پشت سر می‌گذاریم باید درس‌های قرن را مرور کنیم چراکه شناخت درس‌های این قرن، بنیان‌های جهت‌گیری دولت دوازدهم (دولت اعتدال) را شکل می‌دهد.

مرور قرن شمس حاضر که فقط چهار سال از آن باقی مانده، نشان می‌دهد ایرانیان علیرغم تلاش‌های ضد استعماری، ضداستبدادی و اصلاحات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هنوز هم با آرمان‌ها و آرزوهای خود فاصله زیادی دارند. مهم‌ترین درس برای ما آن است که جمهوریت، اسلامیت و ایرانیت باید در کنار یکدیگر حفظ شوند و جمهوری اسلامی ایران به معنای هم‌زیستی هر سه هویت است.

ایرانیان به غیر از هویت اسلامی و ایرانی، واقعیت دنیای جدید را هم پذیرفته‌اند. ایرانیان فناوری، اقتصاد، سیاست و فرهنگ مدرن را در گذشته سنتی و هویت دینی خود ترکیب کرده و زندگی و هویت ترکیبی جدیدی خلق کرده‌اند. مردم ما تعارضی میان امروزی زیستن و دین‌دار و ایرانی بودن نمی‌بینند. تلاش برای تحمیل هویتی تک‌پایه بر مردم بی‌ثمر است. مردم ما احساس می‌کنند دین‌دار، اخلاقی، ایرانی و امروزی هستند و می‌توانند همه این‌ها را با هم تجربه کنند و هویتی خلاق و عزتمند داشته باشند.

جامعه ایرانی در آرزوی توسعه، اقتصادی پویا و خلق ثروت از مسیرهای مولد است که در پرتو آن هر ایرانی فرصت داشته باشد با اشتغال و کار شایسته به‌صورت عادلانه به مواهب زندگی دسترسی یابد. ما نیازمند اقتصادی فناورانه، نوآور و سازگار با معیارهای زیست‌محیطی هستیم ولی متأسفانه در یک قرن گذشته قادر نبوده‌ایم به چنین دست‌آوردی برسیم. در بسیاری زمینه‌ها پیشرفت‌هایی داشته‌ایم اما صادقانه آن است که هنوز تا رسیدن به جایگاه یک قدرت اقتصادی منطقه‌ای و اقتصادی مؤثر در سطح جهانی فاصله زیادی داریم. ما نیاز داریم با تکیه بر هویت خود و با پشتوانه علم اقتصاد و دست‌آوردهای علمی بشری و بهره‌گیری از اندیشه و عقلانیت دینی به‌سوی تحقق اهداف اقتصادی خود پیش برویم.

جامعه ایرانی ترکیبی از اقوام، ادیان، مذاهب و گروه‌هایی با تفکرات و سلیقه‌های متفاوت است. زنان و مردان ما به یک شیوه زندگی نمی‌کنند. همه برداشت یکسانی از فرهنگ و هنر و سبک زندگی ندارند. این تفاوت و تنوع را باید به رسمیت شناخت و پاسداشت. اقوام ما همواره ایرانی بوده‌اند و در چارچوب این سرزمین زیسته‌اند و برای حفظ آن تلاش کرده‌اند. کردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها، ترک‌ها، لرها، ترکمن‌ها و سایر اقوام پاره تن ایران هستند. روند توسعه کشور به گونه‌ای بوده که توسعه در مرکز کشور ایجاد شده و استان‌های مرزی کم‌بهره مانده‌اند. توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متوازن و عادلانه باید در همه کشور محقق شود و گروه‌هایی که تاکنون کمتر برخوردار بوده‌اند باید بهره‌مندتر شوند.

زنان نیرویی بزرگ و تأثیرگذار در جامعه ایرانی هستند. زنان در تمام قرن به تدریج برای کسب حقوقشان تلاش کرده‌اند. زنان امروز جایگاه خود را در دانشگاه‌ها به دست آورده‌اند و سهم خود را هم از بازار کار خواهند گرفت. بانوان پرافتخار ما امروز نمایندگان ورزش ما در سراسر جهان شده‌اند و موفقیت‌های علمی و اقتصادی و سیاسی بسیاری کسب کرده‌اند. ما باید توانایی‌های زنان را در چارچوب قانون و آن گونه که هست به رسمیت بشناسیم.

سال‌هاست که نسل‌های قدیمی‌تر از پذیرش ایده‌ها و آرزوهای نسل‌های جوان‌تر طفره رفته‌اند. جوانان مایل‌اند کشورشان با الهام از ایده‌های آن‌ها اداره شود و سهمی مؤثر در تعیین سرنوشت کشور داشته باشند. جوانان مایل نیستند فقط در بالا بردن تولید علمی کشور سهم داشته باشند، بلکه می‌خواهند بر شیوه اداره کشور و مسیری که پیموده می‌شود، اثر تعیین‌کننده داشته باشند.

آزادی از حقوق اساسی بشر است که در اسلام نیز محترم شمرده شده است. آزادی بی‌بند و باری نیست، و مردم اخلاقی و دین‌دار ما خود را لایق زندگی در پرتو فرهنگ آزادی بخش اسلام می‌دانند. آزادی‌خواهی و آزادگی ایرانی نیز برگرفته از روح دینی این مردم است. آزادی سیاسی و اقتصادی و آزادی اندیشه و فرهنگ را باید به رسمیت شناخت و به آن احترام گذارد. آزادی پس از بیان، پس از مشارکت سیاسی، و پس از فعالیت اقتصادی و فرهنگی را هم باید به رسمیت شناخت. محدود کردن آزادی به زیرزمینی شدن هر فعالیت، از موسیقی گرفته تا کار سیاسی می‌انجامد. باید بپذیریم که تحدید آزادی به نام امنیت مخالفت صریح با قانون اساسی است.

عدالت در جامعه ایرانی گاه مغفول بوده و گاه چنان تحریف‌شده که دست آورد سر دادن شعار عدالت برای مردم فقط توزیع پول بدون خلق ثروت بوده‌است. عدالت فراهم کردن فرصت‌های رشد و حمایت برابر و به‌دوراز فساد برای همگان است. عدالت به معنای داشتن نظام حمایت اجتماعی قدرتمند برای حفاظت از افراد ناتوان جامعه در برابر سختی‌های زندگی است. نکته مهم آن است که آزادی بدون عدالت، درخطر قرار می‌گیرد. عدالت به معنای برخورداری از دادرسی عادلانه برای همگان و برابری در مقابل قانون است. حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و مستضعف اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، از مصادیق عدالت است که به آن توجه کافی نشده است.

انقلاب اسلامی به ما استقلال سیاسی بخشید و به مدد تجربه دفاع مقدس و تلاش‌های پس‌از آن قدرتمند شدیم تا استقلال سیاسی خود را حفظ کنیم. اما تندروری‌ها گاه به ما ضربه‌های فراوان زده است. ما خواهان تعامل سازنده و مؤثر با جهان هستیم تا اهداف و منافع ملی خود را دنبال کنیم. این رویکرد آخرین بار به‌صراحت در گفتار هوشمندانه مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری در ۱۲ مرداد ۱۳۹۶ بیان شده است. ایشان جمهوری اسلامی ایران را کشوری خواهان روابط گسترده با جهان توصیف کرده و برقراری روابطی را که متضمن منافع ملی ایران باشد از دولت مطالبه کرده‌اند. بدیهی است که این رویکرد مکمل جهت‌گیری جمهوری اسلامی ایران در خصوص ایستادگی مقتدرانه در برابر زورگویی و زیاده‌خواهی‌ها در سطح بین‌المللی از سوی هر کشور دیگری است.

ما ایرانیان یک قرن برای امنیت تلاش کردیم، اما برداشتمان از امنیت کامل نبوده است. امنیت بیشتر در قالب نظامی-امنیتی دیده‌شده است، حال آنکه امنیت محیط‌زیستی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و انسانی هم به همان اندازه مهم است. اگرچه امروز تروریست‌ها دستشان در این کشور بسته است؛ اما آنچه جان مردم ما



را تهدید می‌کند آلودگی محیط‌زیست (ریزگردها، کمبود آب و ...)، تصادفات جاده‌ای، بیماری‌های فزاینده نظیر سرطان، فقر ناشی از کمبود اشتغال، خشونت در روابط اجتماعی، افسردگی، ایمن نبودن شهرها در برابر زلزله و آتش‌سوزی است.

اعتماد بزرگ‌ترین سرمایه جوامع برای توسعه و پیشرفت، تحمل سختی‌ها و گذر کردن از بحران‌های اجتماعی است. اعتماد در جامعه در حد انتظار نیست و این نتیجه عدم شفافیت کافی است که به فسادها منجر می‌شود. دیگر نمی‌توان از زیر بار شفافیت شانه خالی کرد. ماجرای حقوق‌های نامتعارف و واگذاری املاک در شهرداری نشان داد که باید همه چیز شفاف باشد تا تخلف رخ ندهد. نمی‌شود فقط به تعهد و دین‌داری مسئولان اعتماد کرد و انتظار داشت تخلف نکنند. مالکیت شرکت‌ها، حقوق مسئولان دولتی، درآمدهای کارگزاران نظام، فعالیت اقتصادی همه شرکت‌های بخش دولتی، خصوصی و عمومی غیردولتی، شهرداری‌ها، نیروهای نظامی و ... باید شفاف شود. ما به انقلاب شفافیت نیاز داریم.

تلاش جناح‌های سیاسی برای حذف یکدیگر به سرانجام نرسیده است و در آستانه قرن جدید باید دست از تلاش برای حذف کردن یکدیگر برداریم، بپذیریم که جامعه ایران متکثر است و هیچ گروه قانونی را نمی‌توان حذف کرد. همه باید در چارچوب حقوق شهروندی و با حاکمیت قانون، زندگی کنند، و اجازه مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی داشته باشند. ما باید همه باهم بسازیم و نیروی خود را به‌جای آن‌که صرف حذف کردن یکدیگر کنیم، صرف سازندگی ایران نماییم. این راهبرد را می‌توان در کلام رهبری معظم انقلاب دید که فرموده‌اند آن‌ها که حتی به نظام هم علاقه ندارند برای ایران در انتخابات شرکت کنند.

انقلابی‌گری و افراطی‌گری گاه با یکدیگر اشتباه شده‌اند و این جفایی آشکار در حق انقلابی‌گری است. انقلابی بودن از پایبندی به اصول و آرمان‌ها، درست‌کار کردن و انجام دادن کارهای درست؛ عاقلانه و متعهدانه کار کردن، و زندگی اخلاق‌مدار و دینی ناشی می‌شود، اما افراطی‌گری با هیچ‌کدام از این‌ها سازگار نیست. افراطی‌گری حاصل جهل و تندگویی‌های بی‌موقعی است که منافع ملی و امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند. افراطی‌گری محصول تنگ‌نظری، خودحق‌پنداری و تحمل نکردن سلیقه‌ها و اندیشه‌های متفاوت است.

چهل سالگی وقت پختگی است. پختگی انقلاب در آن است که رویه‌های مبتنی بر سعی و خطا به حداقل تقلیل یابند و سیاست‌گذاری مبتنی بر کارشناسی، عقلانیت علمی و واقع‌بینی فراگیر شود. پختگی انقلاب در این است که مسائل اساسی شناسایی و اولویت‌بندی شده، و تمرکز بر آن‌ها محقق شود؛ از دادن وعده‌های شیرین اما مخرب و خانه‌برانداز اجتناب شود؛ و تصمیم‌های درست اما سختی اتخاذ شود تا جامعه راه صلاح و تعالی بییابد. مردم باید طرف گفت‌وگوی دولت باشند و اعتماد ایشان برای هر اقدامی جلب شود. پختگی یعنی یک آینده معقول، دست‌یافتنی، امیدبخش و سازگار با تجربه بشری به مردم ارائه شود. پختگی یعنی برای مردم آینده‌ای ترسیم شود که در آن خلق ثروت امکان‌پذیر باشد و درعین‌حال چنان شفافیت محقق گردد که حرکت به سمت جامعه عادلانه برای مردم قابل قبول شود. پختگی انقلاب به این است که بین مردم خط‌کشی نشود و همه یکسان دیده شوند. همه زیر چتر قانون زندگی کنند و همه در برابر قانون یکسان باشیم. دولت برای همه باشد و نه حتی دولت اکثریت؛ و هر کس قانون را رعایت می‌کند از فرصت‌های عادلانه نیز برخوردار شود. پختگی انقلاب به این است که درس یک قرن گذشته درک و به کار بسته شود.

مردم ایران می‌خواهند زندگی آرام و بی‌تنش و جامعه‌ای در آرامش داشته باشند، سیاست خارجی آرامش داشته باشد، و آرام و بی‌دغدغه به آینده بنگرند و در کنار فرزندان، نوه‌ها و نسل‌های بعدی زندگی کم‌دغدغه‌ای را تجربه کنند. دولت اعتدال تلاش می‌کند با تحقق «آزادی و امنیت» و در حرکت به سوی «آرامش و پیشرفت»، مجری ساختن ایرانی آباد و آزاد باشد که مردمانش در سایه رحمت اسلامی، اخلاق دینی و احکام متعالی اسلام زندگی می‌کنند.

رئیس‌جمهور و همکاران دولت دوازدهم با توکل به خداوند منان، اتکا بر حمایت و توانمندی‌های ملت رشید و شایسته ایران، در سایه هدایت‌های حکیمانه و شجاعانه مقام معظم رهبری، و با همکاری مردان و زنانی سخت‌کوش؛ موفقیت‌های کسب‌شده در دولت یازدهم را ادامه خواهند داد و بر پایه زمینه‌سازی‌هایی که در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ انجام‌شده است، اهدافی متعالی‌تر و ایجاد چشم‌اندازهای روشن‌تر برای مردم ایران را دنبال خواهند کرد.

کشور و به‌تبع آن دولت دوازدهم با مشکلات اقتصادی در عرصه‌های اشتغال، نابرابری، فضای کسب‌وکار، و نظام بانکی؛ مسائل اجتماعی نظیر اعتیاد، طلاق، و سایر آسیب‌های اجتماعی؛ مشکلات محیط‌زیستی نظیر ریزگردها، تخریب منابع آب‌و‌خاک، خشکی تالاب‌ها و آلودگی هوا؛ مسائل سیاسی نظیر عدم رعایت برخی حقوق اساسی ملت که قانون اساسی آن‌ها را تصریح کرده است؛ مشکلات سیاست خارجی نظیر تنش با کشورهای منطقه، اجرایی کردن برجام، مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری؛ و شماری دیگر از مشکلات مهم مواجه است، اما همان‌گونه که در چهار سال گذشته گام‌های مهمی برای رهایی از مشکلات و استفاده از ظرفیت‌ها برداشته‌شده است، چهار سال آینده نیز شاهد شکوفایی بیشتر ایران و دست آوردهای بسیار برای مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.



۱. اصول و جهت‌گیری‌های بنیادین دولت دوازدهم

دولت دوازدهم تشکیل می‌شود تا با ادامه جهت‌گیری‌ها و رویکردهای اصولی دولت «تدبیر و امید» و اصلاح اشتباهات و کاستی‌های آن، متکی بر شعار «آزادی و امنیت؛ آرامش و پیشرفت» مسیری را که تاکنون با همراهی مردم طی شده است تکمیل نماید. رؤس رویکردها، راهبردها و برنامه‌های دولت برای اداره کشور در این نوشتار خدمت مجلس محترم و ملت شریف ایران، تقدیم شده است. اما پیش از ورود به این بحث، مبنای این برنامه‌ها و عمل دولت در چهار سال آینده در ادامه تشریح می‌شود. مبنای‌ای که در ادامه تشریح شده، روح غالب بر سیاست‌ها، برنامه‌ها، و اقدامات «دولت اعتدال» در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ خواهد بود.

۱-۱. دیانت عقلانی و رحمانی

انقلاب اسلامی بنیانی دینی دارد و بدون اندیشه دینی و معنویت اسلامی، هویت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران از میان می‌رود. اما کم نیستند مسلمانانی در سطح منطقه خاورمیانه، جهان اسلام، و جهان، و دشمنانی در کل جهان، که با همه توان - به‌عمد یا از سر ناآگاهی - چهره‌ای تندخو، غیرعقلانی، ضد انسانی و نامناسب برای مناسبات دنیای جدید از اسلام عرضه می‌کنند. خاورمیانه و بخش‌هایی مهمی از جهان اسلام امروز رنج غلبه چنین قرائت‌هایی از اسلام را تحمل می‌کنند، حال آن‌که پیامبر اسلام، پیامبر رحمت بود و اسلام تعقل در همه مقولات زندگی بشری را به رسمیت شناخته است.

دولت دوازدهم بر خود فرض می‌داند که نماینده دیانت عقلانی و رحمانی و اعتدال اسلامی در سطح جهان باشد، و از این مسیر بر فراهم آوردن زمینه‌های بیشتری برای دین‌داری عالمانه، انسان دوستانه و جاذب افراد و گروه‌ها فراهم آورد. بی‌شک این مهم به معنای انحراف از روح حاکم بر اهداف و ارزش‌های اسلامی، و مغایرت با موازین شرع، یا فاصله گرفتن از عالمان دین نیست، بلکه دولت بر این باور است که در کنه وجودی ارزش‌ها، شارع و روحانیت اسلام، ذخایر گرانبهایی برای تقویت عقلانیت و رحمانی بودن رویه حاکمیت سیاسی و مدیریت کشور وجود دارد.

۱-۲. رفتار، سیاست‌گذاری و عمل به مشی اعتدالی

«اعتدال خواهی» در انتخابات سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ با اقبال مردم مواجه شده و دولت دوازدهم نیز در تداوم دولت یازدهم، خود را متعهد به رعایت رفتار، سیاست‌گذاری و مشی اعتدالی می‌داند. اعتدال وصف رفتار فردی رئیس‌جمهور و دولتمردان، و هم‌چنین وصف سیاست‌ها و اقدامات دارای تأثیرات ساختاری دولت خواهد بود. اعتدال در رفتار شخصی رئیس‌جمهور و دولتمردان به معنای پایبندی به اخلاق اسلامی-انسانی، رعایت ادب، سنجیده سخن گفتن و ملاحظه کردن هزینه‌ها و فواید آن برای ملت ایران، و کاربرد عقلانیت و خرد جمعی در گفتار و کردار است. اعتدال در سطح سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و عمل قوه مجریه، مفهومی پیچیده، وسیع و چندبعدی است. اعتدال، شیوه‌ای از سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجراست که تأمین و تضمین‌کننده رعایت منافع ملت ایران با محوریت منافع ملی، و مبتنی بر خرد جمعی و نظر کارشناسی باشد و به ایجاد توازن‌های ساختاری در عرصه‌های مختلف حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران یاری رساند.

۱-۳. تصمیم‌گیری بر مبنای خرد جمعی

اگرچه کاربرد خرد جمعی در ذیل مفهوم اعتدال وجود دارد، لیکن به دلیل اهمیت آن و خساراتی که کشور در گذشته به دلیل ضعف در پایبند نبودن به خرد جمعی متحمل شده است، دولت دوازدهم بر استفاده از خرد جمعی در همه سطوح و به شکل سازمان‌یافته تأکید دارد. دولت، انتخابات مردم‌سالار را کلان‌ترین عرصه تجلی خرد جمعی می‌داند، لیکن بنا دارد ظرفیت‌ها و سازوکارهای تجلی خرد جمعی در همه سطوح را گسترش دهد. توسعه مدنی و کمک به تشکیل یافته شدن جامعه، و بعداز آن جاری شدن خرد جمعی در چارچوب رویه‌های دموکراتیک حاکم بر اشکال مختلف سازمان‌های مدنی، مجرای مهمی برای تجلی خرد جمعی در همه سطوح است.



دولت دوازدهم که در آخرین چهار سال از قرن شمسی حاضر تشکیل می‌شود با اذعان به این واقعیت که ایران جامعه‌ای متکثر و متشکل از اقشار، قومیت‌ها، مذاهب، سبک‌های زندگی، دیدگاه‌های سیاسی و اندیشه‌های بسیار است، بر این باور بنا می‌شود که تجلی خرد جمعی ایرانیان نیازمند بازنمایی و نمایندگی شدن همه این تکثرها در چارچوب حکمرانی و اداره کشور، در محدوده‌های قانون اساسی است.

۴-۱. محوریت منافع ملی

سیاست ورزی ملی و بین‌المللی، جز با تصمیمگیری و عمل بر مبنای منافع ملی معنا نخواهد داشت. دولت‌ها، مجالس و سایر ارکان نظام باید با برداشتی روشن و مشترک از منافع ملی برای تحقق آن تلاش کنند. نتیجه تصمیمگیری و عمل بر مبنای منافع ملی، افزایش قدرت ملی و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه و به عبارت ساده‌تر، تأمین رفاه مردم به شیوه‌های عادلانه است. دولت خود را موظف میداند در چارچوب‌های صریح و تعریف‌شده با همکاری سایر قوا منافع ملی را دنبال کند تا ارزیابی دستاوردهای اداره کشور برای مردم قابل انجام باشد.

۵-۱. تلاش برای تحقق اصول تدبیر شایسته

تدبیر شایسته، مشتمل بر حاکمیت قانونی، رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی مردم، پاسخ‌گویی در برابر جامعه، شفافیت در مدیریت و عرضه اطلاعات، مبارزه با فساد، کنترل خشونت و مقابله با بی‌ثباتی سیاسی، مداخله مؤثر و کارآمد در جامعه و بازار در عین رعایت حقوق شهروندی، و تضمین مشارکت مؤثر مردم در سرنوشت خویش، آرمانی قابل احترام در جامعه بشری است و ملت بزرگ ایران نیز شایسته بهره‌مندی از این نوع تدبیر شایسته و مطالبه ایشان است. دولت دوازدهم می‌کوشد این مطالبه مردم را در بستر ظرفیت‌های موجود جامعه و ظرفیت‌هایی که با کنشگری و اقدام دولت و مردم ایجاد می‌شود، دنبال کرده و محقق سازد.

۶-۱. واقع‌بینی

انقلاب اسلامی ایران آرمان نگر و معطوف به تحقق ارزش‌هایی متعالی بوده است. اما هر آرمانی بر بستری از واقعیت‌ها امکان تحقق می‌یابد و سیاست ورزی مدبرانه به معنای بررسی شرایط واقعیت تحقق آرمان‌هاست به نحوی که اساس موجودیت آرمان‌خواهان تهدید نشود. تاریخ انقلاب اسلامی نیز نشان می‌دهد آنگاه بیشتر به آرمان‌ها نزدیک شده‌ایم که واقع‌بینتر بوده‌ایم. از این منظر، واقع‌بینی نه در تقابل با آرمان‌گرایی و دنبال کردن ارزش‌ها، بلکه بستر آن است. دولت دوازدهم متعهد به واقع‌بینی برای بسترسازی شرایط تحقق آرمان‌هاست. دولت در چهارچوب امکانات، مقدرات و محدودیت‌ها، میکوشد که حداکثر مطلوبیت را ایجاد نماید اما تبیین درست واقعیت‌ها در درک دستاوردهای ممکن باید در دستور کار قرار گیرد.

۷-۱. تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل

تعامل سازنده و مؤثر با دنیا بر مبنای اصول حکمت، عزت و مصلحت، همواره مورد تأکید نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و آخرین بار مقام معظم رهبری در ۱۲ مردادماه ۱۳۹۶ در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری بر این واقعیت تأکید کردند. منافع کشور را بدون رابطه سازنده با دنیا نمی‌توان تأمین کرد و بالأخص در مقطعی از تاریخ انقلاب اسلامی قرار داریم که بیشترین فشارهای خارجی ظالمانه بر کشور وارد می‌شود. بخشی از تحریم‌های بین‌المللی که در جریان پرونده هسته‌ای بر ایران تحمیل شده بود با اجرایی شدن برجام برداشته شده است اما جمهوری اسلامی ایران کماکان تحت فشارهای تحریم‌ها قرار دارد و رویکرد دولت جدید آمریکا نیز خصمانه‌تر شده و در پی تشدید تحریم‌هاست. تأمین منافع ملی ایران در چنین شرایط خطیری مستلزم تعامل سازنده و بسیار هشیارانه با دنیا و بالأخص سایر کشورهای است که مایل نیستند رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه و تحمیلی بر جهان امروز حاکم باشد.



این تعامل برای کاستن از رنج‌هایی که ملت ایران به ناحق تحمل می‌کند و همچنین ارتقای جایگاه و منزلت ملت بزرگ ایران در عرصه بین‌المللی؛ حراست از منافع ملی؛ دفاع از حقوق ایرانیان در سراسر جهان؛ مقابله مبتنی بر قدرت نرم و هوشمند در برابر فزون‌طلبی بیگانگان؛ و معرفی واقع‌بینانه ایران در عرصه بین‌المللی بر اساس ظرفیتهای فرهنگی علمی، هنری و دینی و بهره‌مند کردن مردم از مواهب چنین مواجهه‌ای با جهان؛ ضرورت دارد. تحقق اقتصاد مقاومتی نیز نیازمند درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصادی ایران است که در سایه تعامل سازنده و مؤثر حاصل خواهد شد.

دولت دوازدهم در سیاست خارجی مرتبط با منطقه غرب آسیا، خاورمیانه و شمال آفریقا، و به‌طور کلی در قبال همسایگان خود که یکی از خطرناک‌ترین دوران‌های تاریخی را از نظر ثبات و امنیت طی می‌کنند، ایده «منطقه قوی» را دنبال خواهد کرد. دکترین «منطقه قوی» مبتنی بر این ایده است که همه کشورهای همسایه و در محیط پیرامونی ایران به جهات مهمی دارای چالش‌ها و تهدیدهای یکسانی هستند. تلاش کشورهای خاص برای تبدیل شدن به قوی‌ترین کشور منطقه، بدون توجه به افزایش هم‌زمان ظرفیت‌های همه کشورهای آن برای فائق آمدن بر مسائلشان، فقط موجب افزایش تنش‌هاست و رؤیایی تعبیر نشدنی و دست نیافتنی است. جذب سرمایه‌گذاری، توسعه تجارت، همکاری‌های گسترده سیاسی، اقتصادی، محیط‌زیستی و فرهنگی در منطقه‌ای که همگان متعهد به امنیت آن باشند و زمینه‌های مساعدی برای تعامل در آن وجود داشته باشد امکان‌پذیر است.

۸-۱. رعایت حقوق شهروندی بر مبنای اجرای منشور حقوق شهروندی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلیتی است که اجرای همه اصول آن باید مدنظر قرار گیرد، از جمله، اجرای اصول مربوط به حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی که در کلی‌ترین معنا بر رعایت حقوق شهروندی دلالت دارد، و پاسخی به مطالبه تاریخی مردم ایران حداقل از زمان انقلاب مشروطه تاکنون است. رئیس‌جمهور دولت یازدهم منشور حقوق شهروندی را بر مبنای آنچه در رقابت‌های انتخاباتی سال ۱۳۹۲ به ملت ایران وعده داده بود، تدوین و رونمایی کرد. دوره دولت دوازدهم زمان مناسبی برای اجرایی شدن منشور حقوق شهروندی و تحقق بخش قابل‌اعتنایی از آرزوهایی است که ملت ایران در یک قرن گذشته به دنبال آن‌ها بوده است.

۹-۱. تعهد به رشد و توسعه همه‌جانبه

قریب یکصد سال است که ایرانیان برای تحقق توسعه تلاش می‌کنند. اندیشه توسعه و گفتمان‌های مرتبط با آن در این یک قرن تغییر کرده‌اند و به تناسب تکامل اندیشه بشری، تقاضای فهم و مطالبات انسان‌ها از توسعه نیز متکامل شده است. در ایران نیز در دوره‌های مختلف بر ابعاد مختلف توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تأکید شده است، لیکن امروز زمان آن است که با رویکردی کل‌نگر، پیشرفت و توسعه متوازن و همه‌جانبه در بستر امکانات و شرایط تاریخی کشور در دستور کار دولت قرار گیرد. پیشرفت و توسعه‌ای که ضمن برآوردن نیازهای نسل حاضر، نسل‌های آتی را نیز لحاظ کرده و عدم توازن‌های ناشی از یک‌جانبه‌نگری سبب بروز مشکلات بیشتر در آینده نشود. عدالت جغرافیایی و توسعه متوازن منطقه‌های مبتنی بر آمایش سرزمینی به‌عنوان یکی از مهمترین اولویتهای توسعه همه‌جانبه، مورد توجه ویژه دولت دوازدهم است.

تعهد به توسعه همه‌جانبه مستلزم پایبندی عمیق به اصول توسعه پایدار و بالأخص صیانت از محیط‌زیست است. کشور چند دهه است با مشکلات محیط‌زیستی جدی روبه‌روست و روند تخریب‌های محیط‌زیستی در دو دهه اخیر شدت یافته و وضعیت خطیری را برای حیات تمدنی ایران ایجاد کرده است. دولت یازدهم که رئیس‌جمهور آن را دولت محیط‌زیست خوانده بود کوشید تا مانع تشدید تخریب‌ها گردد و توجه ویژه‌ای به امر محیط‌زیست معطوف شد، اما هنوز کاستی‌های بسیار وجود دارد و تعهد به رشد و توسعه همه‌جانبه ایران بدون در اولویت قرار گرفتن مسائل محیط‌زیستی، بالأخص مسائل مرتبط با مدیریت منابع آب، ممانعت از فرسایش خاک، مقابله با بیابان‌زایی، جلوگیری از تخریب جنگل‌ها، متوقف کردن کاهش تنوع زیستی و مقابله با آلودگی هوا، ناممکن است. دولت دوازدهم در پی اصلاحات بنیادین در حکمرانی محیط‌زیستی کشور خواهد بود.



۱۰-۱. ارتقای کیفیت زندگی ایرانیان

مردم ایران دارای سابقه تمدنی چند هزارساله و با سهمی مهم در تمدن جهانی که از منابع انسانی، طبیعی، فرهنگی، ژئوپلیتیک و تاریخی عظیمی برخوردارند، شایسته زندگی با کیفیت بالاتری هستند. ما بر این باوریم که وضع فعلی کشور در مقایسه با شایستگی‌های ملت ایران، نامناسب است و خود را متعهد به ارتقای کیفیت زندگی ایرانیان در همه ابعاد می‌دانیم. شایسته است وضعیت اقتصادی، آرامش خاطر و وضع روانی، کیفیت زندگی محیط‌زیستی، منزلت و اقتدار جهانی، امیدواری و نشاط اجتماعی، و در نهایت رضایت ایرانیان از زندگی در همه ابعاد در چارچوب امکانات، محدودیتهای و منابع کشور، به صورتی پایدار بهبود یابد.

دولت دوازدهم در راستای تحقق شعار «آزادی، امنیت؛ آرامش و پیشرفت» برداشتی همه‌جانبه از کیفیت زندگی خواهد داشت و آنرا شامل ابعاد عینی و ذهنی زندگی می‌داند. کیفیت زندگی در این رویکرد توأمان معطوف به بهبود ابعاد مادی زندگی و فراهم آوردن شرایطی مناسب برای زیست معنوی و اخلاقی است.

۱۱-۱. مبارزه با فساد

فساد سبب فرسایش سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد مردم به نظام سیاسی، بالا رفتن هزینه‌های انجام فعالیت‌ها، تخصیص غیربهبینه منابع، نفی شایسته‌سالاری و برهم زدن ساختار عدالت در فرصت‌هاست. مبارزه با فساد بخش مهمی از حکمرانی خوب و مدیریت صحیح جامعه و از مطالبات تاریخی ملت ایران بوده است. دولت یازدهم با اقداماتی نظیر زمینه‌سازی برای رفع تحریم‌های بین‌المللی - که تأثیر زیادی بر بروز فساد داشت - گام‌هایی جدی برای مقابله با فساد برداشت. دولت دوازدهم نیز مصمم است با به‌کارگیری روش‌های علمی و تجربه و دانش بشری، به دور از هیاهو و برخورد شعاری، به مقابله با علل و زمینه‌های بروز فساد بپردازد. شفاف‌سازی اقتصاد ایران و توسعه حقوقی ضروری برای رسیدن به اقتصاد شفاف و سلامت بیشتر در اداره اموال عمومی، رویکرد دولت دوازدهم خواهد بود. بدیهی است به مانند بسیاری از دیگر اهداف مهم، مبارزه با فساد به تعامل تنگاتنگ با سایر قوا نیازمند است و عزم ملی جدی برای این کار باید وجود داشته باشد. تحقق این نوع از مبارزه هماهنگ و همه‌جانبه با فساد می‌تواند آغازگر حرکت به سوی برقراری عدالت و تبعیض‌زدایی واقعی باشد.

نحوه برخورد با فساد بدون توجه به علل ریشه‌های آن باعث بازتولید فساد و از طرفی دیگر باعث از دست رفتن پایه‌های اصلی حقوق مالکیت و ناامنی در فضای فعالیت اقتصادی می‌شود.

۱۲-۱. بهسازی و بازآفرینی ظرفیت نهاد دولت

دولت در همه جهان نیروی مهم و تأثیرگذار بر همه ابعاد زندگی است و در کشوری نظیر ایران که دولت قسمت اعظم حیات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را یا در اختیار و مالکیت دارد یا بر آن تأثیری غیرقابل انکار می‌گذارد، نمی‌توان تلاش برای توسعه و پیشبرد کشور را بدون اصلاحات و بهسازی ظرفیت نهاد دولت پیش برد. بحث بر سر کوچک کردن یا نکردن دولت نیست، بلکه متناسب‌سازی دولت (در همه ابعاد) با مأموریت‌های آن است. دولت باید به ظرفیت لازم برای تصمیم‌گیری، تخصیص منابع، اجرای مناسب و نظارت مناسب دست یابد. این اقدام نیازمند بازآفرینی، ایجاد و اصلاح ظرفیت دولت از جمله احیای نظام تصمیم‌گیری و نهادهای مشورتی دولت است. ظرفیت دولت می‌تواند به کانونی برای بحث و اقدام جهت اصلاح مدیریت و ارتقای توانایی‌های کشورهای کشور بدل شود و دولت یازدهم خود را متعهد به پیشبرد امر تقویت ظرفیت دولت در ایران می‌داند. این بازآفرینی و بهسازی باید منجر به ارتقای کیفیت سیاست‌گذاری، شایسته‌سالاری، کارآمدی و ارتقای اثربخشی دولت شود.

دولت نیازمند بازسازی نهادی در ساختار نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. سوق دادن تصمیمات به سمتی که مبتنی بر داده‌های درست باشند و در جریان فعالیت کارشناسی اخذ شوند، دوری کردن از فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری صرفاً مبتنی بر چانه‌زنی میان ذینفعان دولتی و بوروکراتیک، شفاف‌سازی فرایندهای



تصمیم‌گیری برای همه ذینفعان اعم از دولتی و غیردولتی، و مشارکت دادن آن‌ها در فرایند، ارزیابی تأثیرات حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و فرهنگی تصمیم‌ها، و تصمیم‌گیری بر مبنای پیشرفت‌های حاصل‌شده در دانش سیاست‌گذاری عمومی، اصلی‌ترین رویکرد دولت دوازدهم در بازسازی ظرفیت و بهسازی عملکرد نهاد دولت است.

۱۳-۱. تعامل بر پایه احترام متقابل قوا در عین تفکیک وظائف

دولت یازدهم تلاش کرد تا فضای تقابل میان سه قوه کشور شکل نگیرد و سیاست داخلی به عوارضی که پیش از سال ۱۳۹۲ با آن دست به گریبان شده بود، مبتلا نشود. این رویکرد با آگاهی کامل بر این واقعیت است که بدون همکاری سه قوه و همه ارکان حاکمیت سیاسی از جمله نیروهای مسلح، حرکت به سمت اهداف تعیین‌شده در قانون اساسی و اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران ممکن نیست. تأکید بر تعامل بر پایه احترام و تعامل مثبت میان قوا در شرایطی که کماکان سطح تهدیدهای بیرونی بسیار بالاست و کشور در منطقه‌ای پرتنش قرار دارد و رویکرد دولت جدید آمریکا نیز خصمانه‌تر از گذشته است، بسیار اهمیت دارد. محقق ساختن اهداف اقتصاد مقاومتی، جبران عقب‌ماندگی‌ها از اهداف سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و دستیابی به آنچه در قانون برنامه ششم توسعه تصریح شده است، چنین تعاملی را ضروری می‌سازد.

این واقعیت را نیز باید لحاظ کرد که کشور به دلیل شرایط حساس بسیاری از مسائلی که با آن روبه‌روست و برای اصلاح مسیرهای نادرستی که در گذشته پیموده شده، نیازمند گام نهادن در مسیر تصمیم‌های سخت است. اصلاحات در نظام بانکی، ایجاد نظام رفاه و تأمین اجتماعی چندلایه، مقابله با بحران صندوق‌های بازنشستگی، مقابله با خشونت و افراطی‌گری، داشتن سیاست منطقه‌ای تضمین‌کننده امنیت پایدار، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تعامل گسترده اقتصادی با جهان، همکاری فناورانه، اصلاحات در حکمرانی محیط‌زیست و بالأخص مدیریت مناسب منابع آبی و بسیاری مسائل دیگری بدون اخذ تصمیم‌های سخت و بازگشتن از برخی مسیرهای طی‌شده ناممکن است. تصمیم‌های درست درخصوص چنین مسائلی بی‌گمان با مقاومت برخی صاحبان منافع و گروه‌های اجتماعی مواجه می‌شود. گذر کردن از این شرایط با کمترین هزینه‌ها، نیازمند تعامل همه قوا و اجماع بر سر راهکارهای بهبود وضع موجود است.

دولت دوازدهم با درک عمیق از چنین شرایطی، می‌کوشد تا دورانی از همکاری متقابل، تلاش برای اجماع‌سازی منطقی و عقلانی، تعامل سازنده معطوف به کارآمدی، و قانون‌گرایی در روابط میان قوا را عملی سازد و در عین حال، رئیس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی، حافظ اصل متری تفکیک قوا نیز باشد.

۱۴-۱. پایدارسازی محیط‌زیست

فرایندهای توسعه‌ای در بستر محیط‌زیست رخ می‌دهند. دولت یازدهم با آگاهی از روند فزاینده تخریب محیط‌زیست در ایران شروع به کار کرد و محیط‌زیست را به عنوان یکی از مهمترین اولویت‌های خود اعلام کرد. اقداماتی نظیر تلاش برای احیای دریاچه ارومیه، تالاب هورالعظیم، بهبود وضعیت آلودگی هوای کلانشهرها، تقویت دیپلماسی محیط‌زیستی با همسایگان، جدی شدن ارزیابی محیط‌زیستی طرح‌های عمرانی و بازرگری در برخی سیاست‌های توسعه‌ای نتیجه رویکرد مثبت دولت یازدهم به مسأله محیط‌زیست بوده است. آمارها اما حکایت از آن دارند که تخریب محیط‌زیستی با شدت در حال پیشروی است. مدیریت منابع آب، خاک و تنوع زیستی در شرایط نامناسبی است و با کاهش ظرفیت زیست‌پذیری، کشور در معرض خطر فرسایش تمدنی قرار دارد. بحران‌های متوالی بر اثر تخریب محیط‌زیستی بر کشور عارض شده‌اند و بدون تعهد به ارتقای پایداری زیست‌محیطی، فقدان توسعه اجتماعی ناشی از عدم توازن‌های جغرافیایی، و توسعه نامتوازن تشدید شده و هزینه دولت و جامعه برای مقابله با خطرات و مشکلات محیط‌زیستی به شدت افزایش خواهد یافت.

دولت دوازدهم بر این باور است که سرنوشت آینده ایرانیان در گرو چگونگی رفتار ما با محیط‌زیست و میزان احیای توازن اکولوژیک است، و عمیقاً بر این باور است که بحران‌های زیست‌محیطی در صورتی که مدیریت

نشوند و توازن اکولوژیک کشور احیا نشود، می‌توانند به تهدید امنیت ملی نیز بیانجامند. از این‌رو، دولت اعتدال برنامه توسعه اجتماعی خود را بر محور احیای توازن محیط‌زیستی کشور گسترش خواهد داد. این رویکرد به معنای مانع‌سازی محیط‌زیست در برابر فرایندهای توسعه‌ای و خلق ثروت نیست، بلکه عمیقاً بر این باور بنا شده که رویکرد اقتصاد سبز می‌تواند زمینه‌ای برای توسعه و خلق ثروت، استفاده بهره‌ورتر از منابع طبیعی، و در عین حال بهبود وضعیت محیط‌زیست فراهم سازد. تعامل سازنده و مؤثر اقتصاد و محیط‌زیست، ویژگی این رویکرد است.

۱۵-۱. تکیه بر مردم

تجربه قرن ششمی ۱۴۰۰-۱۳۰۰ که در آخرین سال‌های آن قرار داریم، و تجربه چهار دهه عمر جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که مردم پایبند به آرمانی که در انقلاب مشروطه دنبال می‌کردند یعنی حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش - هستند. بر همین اساس، نظام جمهوری اسلامی نیز بدون هر دو پایه جمهوریت و اسلامیت آن فاقد هویت کارکردی است. وجه جمهوریت نظام سیاسی در ایران دال بر آن است که نظام جمهوری اسلامی بر مردم تکیه دارد و از همین‌رو جمهوریت باید در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محقق شود. تضمین مشارکت مردم در همه عرصه‌ها، در دولت دوازدهم، سرمایه اصلی دولت و تضمین‌کننده اعتدال است. سازمان‌های مردم‌نهاد طرف مشورت دولت و نیرویی عظیم برای پیشبرد امور خواهند بود. تکیه دولت بر مردم بدان معناست که دولت به مطالبات و افکار عمومی و اقدامات جمعی مردم احترام می‌گذارد. هم‌چنین زمینه‌های قانونی و واگذاری امور اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به مردم وجود دارد و دولت دوازدهم بر عملی کردن ظرفیت‌های برآمده از این زمینه‌های قانونی تأکید دارد.

دولت دوازدهم بالأخص برای بهسازی ظرفیت دولت، پیشبرد اقتصاد مقاومتی، افزایش شفافیت و نظارت عمومی که تقویت‌کننده مقابله با فساد است، پیشبرد اهداف توسعه سیاسی، و غلبه بر آسیب‌های اجتماعی به مشارکت فعالانه مردم نیازمند است. سیاست توسعه جامعه مدنی بخشی از رویکرد دولت دوازدهم برای زمینه‌سازی استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای تحقق «آزادی، امنیت؛ آرامش و پیشرفت» است.

۱۶-۱. حمایت از نسل جوان

جامعه ایران دوران پنجره جمعیتی خود را تجربه می‌کند و این بدان معناست که بیشترین تعداد جوانان در سنین اشتغال قرار دارند و برای مشارکت در فرایند توسعه و خلق ثروت آماده‌اند. این جوانان اگر بتوانند شغل مناسب یافته و در مشاغل مولد به کار گرفته شوند، می‌توانند علاوه بر آنکه پشتوانه‌ای برای آینده جامعه ایران فراهم آورند، از بروز یا تشدید آسیب‌های اجتماعی نیز جلوگیری کنند. پنجره جمعیتی جامعه ایران که رو به بسته شدن برود، فرایند سالمندشدن آغاز خواهد شد. فراهم کردن زمینه حمایت اجتماعی از جامعه‌ای سالمند با هزینه‌های مادی و اجتماعی فزاینده، نیازمند توجه جدی به جوانان است.

دولت دوازدهم سه دغدغه اساسی جوانان یعنی اشتغال، مسکن و ازدواج را نیازهای اساسی ایشان دانسته و تلاش خود را در حیطه منابع و امکانات کشور برای کاستن از دغدغه‌ها در این عرصه‌ها به کار خواهد گرفت. دولت در ضمن واقف است که اشتغال در صدر مسائل جوانان است و دو مقوله مسکن و ازدواج نیز به انحاء مختلف متأثر از اشتغال است و از همین‌رو، حل مشکل بیکاری جوانان را در اولویت قرار می‌دهد.

۲. برنامه دولت دوازدهم

برنامه دولت دوازدهم که مبتنی بر شانزده اصل تشریح‌شده در این مقدمه، و شناخت شرایط ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پایانی قرن حاضر ششمی است، در هفت بخش کلی تنظیم و ارائه می‌شود. این برنامه رئوس، کلیات و راهبردهای اساسی دولت دوازدهم در چهار سال آتی (۱۳۹۶-۱۴۰۰) را تشریح می‌کند. بخش‌های مختلف برنامه به شرح زیر است.



۱. حوزه اقتصادی،
۲. حوزه اجتماعی،
۳. حوزه فرهنگی،
۴. حوزه سیاست خارجی،
۵. حوزه سیاست داخلی،
۶. حوزه امنیت ملی و توان دفاعی،
۷. حوزه علم و فناوری
۸. حوزه محیط زیست و توسعه پایدار،

لازم به ذکر است که این حوزهها با یکدیگر تعامل و ارتباط داشته و در اهداف، راهبردها و اولویتهای راهبردی اشتراکاتی دارند اما به خاطر سهولت فهم به صورت تفکیکی ارائه شدهاند.

۱. حوزه اقتصادی

اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ دوران دشواری را پشت سر گذاشت و همه مردم و مسئولان کشور سختی‌های زیادی را تحمل کردند. آثار زخم‌هایی که در نتیجه رکود تورمی بی‌سابقه سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، بحران ارزی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و عدم اشتغال‌زایی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ بر پیکر اقتصاد ایران وارد شده بود، به تدریج از سال ۱۳۹۳ به بعد خود را نمایان ساخت. علاوه بر آن، به محض آنکه تلاش شد تا اقتصاد کشور زیر فشار مشکلات متعدد کمر راست کند، کاهش شدید قیمت نفت ضربه‌ای سنگین به اقتصادی وارد کرد که در دوره وفور، به شدت به واردات وابسته شده بود. کوشش‌های بسیار یک یک ملت عزیز و سختی‌هایی که همگی در کنار یکدیگر تحمل کردیم به موفقیت‌هایی انجامید که عمده آن، خارج کردن اقتصاد از زیر آوار سنگین‌ترین رکود تورمی تاریخ اخیر کشور است. اکنون اگرچه همچنان سختی‌هایی پیش روی ماست اما چشم‌اندازهای امیدوارکننده و فردای روشن نیز نمایان شده است.

رئوس برنامه اقتصادی دولت در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۶ در متن حاضر ارائه شده است. این برنامه با اتکای به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و برنامه ششم اجرا خواهد شد. برنامه‌های دولت دوازدهم بر این مبنا استوار است تا با ادامه دولت «تدبیر و امید» و گفتمان «آزادی و امنیت؛ آرامش و پیشرفت» مسیری را که تاکنون طی شده است کامل کنیم و ایرانی شایسته مردمانش بسازیم و در نیمه‌راه نماییم.

۱-۱. برنامه رشد اقتصادی فراگیر، مستمر، اشتغال‌زا و ضدفقر

برنامه اصلاحات اقتصادی دولت دوازدهم با هدف دستیابی به «رشد اقتصادی فراگیر، مستمر، اشتغال‌زا و ضدفقر»، مشتمل بر اصلاحات اقتصادی مورد نیاز برای دستیابی به این هدف، برای اجرا در نیمه دوم دهه نود (۱۳۹۶-۱۴۰۰) و با در نظر گرفتن اسناد بالادستی در کشور، به ویژه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تدوین شده است. این برنامه، شامل دو بخش توسعه‌ای و حمایتی، به دنبال آن است تا عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری و فقر را از طریق اصلاح سازوکارهای اقتصادی ایجادکننده آن‌ها محقق سازد. با این حال، به دلیل اهمیت این مسائل و با توجه به شرایط کنونی کشور، بسته‌های حمایتی نیز لحاظ شده که فارغ از اهداف نهایی برنامه که به طور طبیعی منجر به کاهش فقر و نابرابری می‌شوند، به صورت مستقیم از گروه‌های که در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند حمایت شود.

برنامه‌های توسعه‌ای این طرح مشتمل بر دو زیر فصل است. زیر فصل اول به دنبال ایجاد اصلاحات اقتصاد کلان، دستیابی و حفظ ثبات اقتصادی و فراهم کردن زمینه رشد پایدار است؛ انتظار می‌رود اجرای آن بتواند ثبات اقتصاد کلان را فراهم و رشد اقتصادی پایدار را ایجاد کند. زیر فصل دوم، شامل بسته‌های سیاستی برون‌گرایی و توسعه بخش خصوصی و اصلاح نظام بنگاهداری است که برای دستیابی به رشد اقتصادی بالا تنظیم شده است. افزایش درون‌زایی اقتصاد (کاهش نوسانات رشد اقتصادی و تجهیز منابع داخلی) از طریق تغییر سازوکار مدیریت

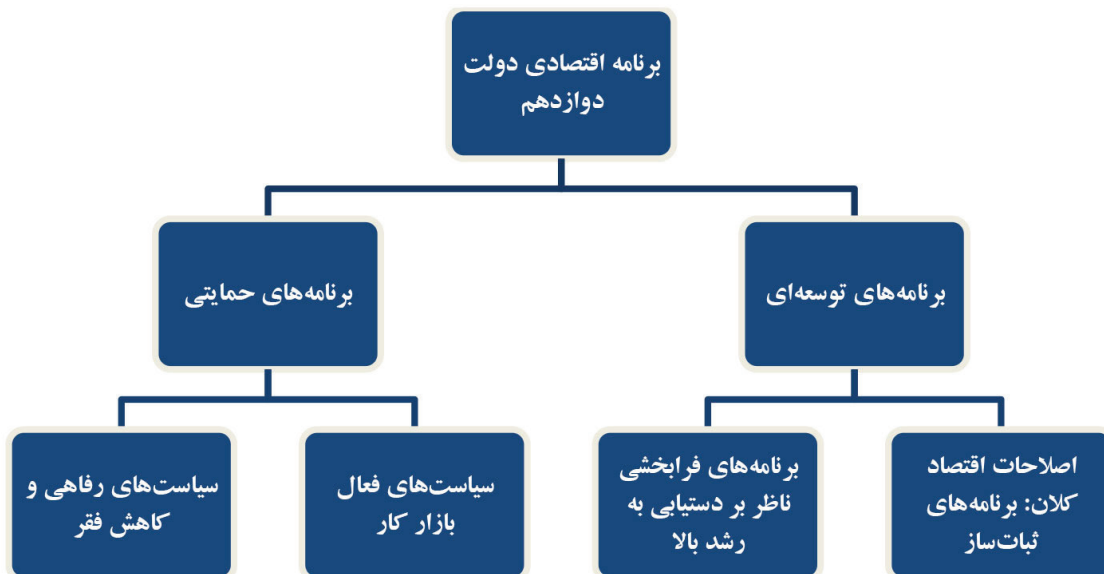


درآمدهای نفتی و اصلاح سیاست‌های پولی، ارزی، مالی و بازارهای مالی و انرژی در کنار افزایش برون‌گرایی و توسعه بخش خصوصی (بهبود محیط کسب‌وکار و اصلاح نظام بنگاه‌داری) می‌تواند شرایط دستیابی به رشد پایداری در محدوده ۸ درصد را فراهم کند.

اگرچه دستیابی به اهداف «رشد اقتصادی فراگیر، مستمر، اشتغال‌زا و ضدفقر» در برنامه حاضر نیازمند اجرای تمامی بندهای این برنامه است، اما هسته اصلی را سیاست‌هایی تشکیل می‌دهد که ذیل بسته قاعده مالی دولت و مدیریت درآمدهای نفتی قرار گرفته‌اند. این بسته شرط لازم برای موفقیت سایر اصلاحات ساختاری و سیاستی است. تنها با اصلاح مدیریت درآمدهای نفتی و رفع عامل اصلی ناترازی بودجه دولت که منشأ اصلی تورم مزمن و شروع سلسله مداخلات مخرب در اقتصاد است، می‌توان به انجام اصلاحاتی در سایر بازارها و بخش‌های مرتبط مبادرت ورزید.

برنامه‌های حمایتی نیز شامل دو زیربخش سیاست‌های فعال بازار کار و سیاست‌های رفاهی و کاهش فقر است. این بدان معناست که از یک‌سو سیاست‌های فعال بازار کار به‌عنوان مکمل برنامه‌های توسعه‌ای توان اشتغال‌زایی اقتصاد ایران را طی سال‌های آتی افزایش خواهند داد و تطابق بهتری بین ویژگی‌های عرضه‌کنندگان نیروی کار با متقاضیان آن فراهم می‌کند و از سوی دیگر برنامه‌های رفاهی سبب خواهد شد تمامی خانوارهای ایرانی از مواهب افزایش رشد اقتصادی بهره‌مند شوند و سطح استاندارد از کیفیت زندگی برای آنان فراهم شود.

اجزای اصلی برنامه اصلاحات اقتصادی دولت دوازدهم



همان‌طور که ذکر شد برنامه‌های توسعه‌ای در دو بخش تدوین شده‌اند. انتظار می‌رود اجرای مجموعه سیاست‌های بخش اول با توجه به محدودیت‌های اقتصاد ایران، سبب ارتقای رشد اقتصادی پایدار و کم‌نوسان اقتصاد، در محدوده ۵ درصد شود. قسمت دوم برنامه‌های توسعه‌ای ناظر بر سیاست‌هایی است که می‌تواند پتانسیل رشد اقتصادی کشور را به بالای ۵ درصد برساند.

۱-۱-۱. برنامه اصلاحات اقتصاد کلان و ثبات‌ساز اقتصادی

در برنامه اصلاحات اقتصاد کلان و ثبات‌ساز اقتصادی، اصلاحات ساختاری در مدیریت منابع کشور بر مبنای ۶ بسته سیاستی طرح می‌شود.



۱-۱-۱-۱. بسته اول: توانمندسازی دولت برای ارائه خدمت بهتر

وضعیت مدیریت درآمدهای نفتی طی چند دهه گذشته و به خصوص در سال‌های نیمه دوم دهه ۸۰ که قیمت نفت به بیشترین حد خود رسید آثار مخرب متعددی از خود بر جا گذاشت. از مهم‌ترین پیامدهای نامطلوب آن می‌توان به تلاطم بودجه‌ای دولت، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، ناکارآمدی سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و انتقال مستقیم تکانه درآمدهای نفتی به تمامی بخش‌های بهره‌مند از نفت اشاره کرد. در شرایطی که بودجه بی‌ثبات و تحت تاثیر قیمت نفت باشد دولت نمی‌تواند برای اهداف میان‌مدت و بلندمدت خود برنامه‌ریزی کند. در نتیجه، بی‌ثباتی در اقتصاد کلان کشور فراگیر می‌شود. به فرآیند قاعده‌مندسازی بودجه سالانه دولت با هدف پایدارسازی میان‌مدت و بلندمدت بودجه، قاعده‌ی مالی ۲ گفته می‌شود.

۱-۱-۱-۱-۱. سیاست‌های قاعده مالی و مدیریت صحیح درآمدهای نفتی

در چارچوب کنونی مدیریت درآمدهای نفتی شوک‌های ناشی از نوسانات درآمدهای نفتی مستقیماً به تمامی بخش‌ها منتقل می‌شود. بیشترین آسیب از نوسانات بودجه از یک‌سو به نهادهایی که مستقیماً از بودجه دولت بهره‌مند هستند و از سوی دیگر به سرمایه‌گذاری‌های دولتی وارد می‌آید. بازنگری در وضعیت فعلی و اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مناسب در زمینه مدیریت درآمدهای نفتی می‌تواند مانع پیدایش چنین اثراتی بر اقتصاد کشور شود.

در این برنامه هدف آن است که نوسانات بزرگ بودجه از طریق ثبات بخشی به میزان ورود درآمدهای نفتی به بودجه مدیریت شود و نوسانات کوچک نیز از طریق استفاده از اوراق بهادار اسلامی در بازه‌های سالانه، بودجه دولت را متوازن سازد. اجرای این بسته یکی از ارکان سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام مالی کشور را نهادینه می‌کند؛ زیرا از طریق مقاوم‌سازی بودجه در برابر نوسانات برون‌زای قیمت نفت، مقاومت و درون‌زایی اقتصاد افزایش می‌یابد.

همچنین بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و زیرساخت‌های کشور از طریق راهکار سرمایه‌گذاری مشترک بین صندوق توسعه ملی، دولت و بانک صورت خواهد گرفت؛ بدین ترتیب که دولت و صندوق توسعه ملی هر یک به میزان معینی در بانک‌های عامل سپرده‌گذاری کنند و از طریق اهرم کردن این منابع از مشارکت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی استفاده نمایند. در ادامه، به تدریج سرمایه‌گذاری عمرانی در کشور از طریق مشارکت عمومی-خصوصی ۳ و به اتکای منابع دولتی و خصوصی صورت پذیرد.

۱-۱-۱-۲. تغییر در نظام دیوانسالاری کشور

به منظور افزایش شفافیت و ایجاد نظام یکپارچه اطلاعاتی لازم است از طریق ارتقای توان مدیریتی و کارشناسی دولت، تغییرات ملموسی در نظام دیوانسالاری کشور ایجاد کرد.

۱. برای ارائه خدمات با کیفیت‌تر لازم است علاوه بر ثبات‌سازی بودجه، توان کارشناسی و مدیریتی دولت نیز طی سال‌های آتی به صورت قابل توجه ارتقا یابد. از آنجا که طی دهه گذشته به دلایل مختلف توان کارشناسی و مدیریتی دولت دچار افول زیادی شده، لازم است جذب متخصصان، کارشناسان و مدیران از اصلی‌ترین برنامه‌های دولت برای افزایش کارایی و کیفیت و کمیت خدمات دولتی باشد.

۲. رویکرد خرید خدمت در فعالیتهای مبتنی بر بودجه عمومی گسترش یابد و بخش خصوصی به‌طور فعال در مدیریت فعالیتهای این حوزه‌ها درگیر شود تا از این طریق کارایی خدمات عمومی دولت افزایش یابد.

۳. با ایجاد نظام یکپارچه اطلاعاتی علاوه بر بهبود در کارایی، امکان ایجاد شفافیت بیشتر فراهم شود.



۲-۱-۱-۱. بسته دوم: سیاست‌های اصلاح نظام مالیاتی

با توجه به تثبیت نقش درآمدهای حاصل از صادرات نفت در بودجه دولت بر اساس قاعده مالی که در بخش قبل ذکر شد، رشد مخارج دولت برای ارتقای کیفیت خدمات دولتی به شرط توازن بودجه تنها با بهبود درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها محقق می‌شود. نکته کلیدی دیگر مورد اشاره در بخش قبل، افزایش درآمدهای مالیاتی به نحوی است که سهم این درآمدها از تولید ناخالص داخلی به ۹ درصد برسد. این در حالی است که لازمه افزایش درآمدهای مالیاتی اجرای اصلاحات زیاد در سیاست‌های مالیاتی است. در صورت تحقق، نظام مالیاتی اصلاح‌شده می‌تواند به توزیع بهتر درآمدی نیز بینجامد. بر این اساس، برنامه جامع اصلاح در نظام مالیاتی در افق کوتاه‌مدت با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی و در افق میان‌مدت با هدف افزایش کارایی نظام مالیاتی و افزایش ظرفیت مالیات‌ستانی دولت به صورت زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. سیاست‌های ناظر بر ابزارهای مختلف مالیاتی

- مالیات بر مشاغل

۱. به منظور افزایش عدالت و کارایی، با تجمیع درآمدها در یک نظام واحد، از مجموع درآمد شخصی مالیات ستانده شود.

۲. با به‌کارگیری اظهارنامه ارزش افزوده، بخشی از فرارهای مالیاتی شناسایی گردد.

۳. طرح صندوق مکانیزه فروش عملیاتی گردد.

۲. مالیات بر شرکتها

- به منظور افزایش ظرفیت تولید و اشتغال و حمایت از بنگاه‌ها، نرخ مالیات بر سود شرکتها کاهش یابد و این نرخ متناسب با شاخص‌های پیش‌نگر چرخه‌های تجاری تعیین گردد؛ به‌گونه‌ای که در دوره رکود مالیات بر سود شرکتها از تخفیف یا معافیت مالیاتی برخوردار باشد.

- با هدف توسعه وضعیت بازرسی از مودیان مالیاتی، نظام حسابرسی هدفمند اجرایی گردد.

- لایحه حمایت از افشاگری مالیاتی تدوین گردد. همچنین با توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی امکان ارتباط بین ابزارهای مختلف مالیاتی با هدف افزایش تمکین و بهبود عدالت مالیاتی ایجاد شود.

۳. مالیات بر زمین و املاک

- جمع‌آوری مالیات بر املاک نیز به عنوان یکی از ابزارهای ایجاد درآمد پایدار که با کمترین اختلال در فرآیند تولید و اشتغال همراه است در دستور کار دولت قرار گیرد. شناسایی واحدها و تعیین این مالیات می‌تواند از طریق ایجاد پایگاه داده مشترک با شهرداری صورت پذیرد.

- این مالیات به صورت سراسری در کل کشور اعمال شود.

۴. مالیات بر ارزش افزوده

- فرآیندهای قانونی به‌گونه‌ای تنظیم شود که دریافت و استرداد مالیات بر ارزش افزوده با کمترین وقفه صورت گیرد.

- سطح پوشش مالیات ارزش افزوده و نرخ آن طی سال‌های برنامه به‌گونه‌ای تنظیم شود که مالیات بر ارزش افزوده در کنار مالیات بر زمین و املاک به تدریج جایگزین کاهش مالیات‌ستانی از بنگاه شود.



۵. مالیات بر حقوق

- نظام یکپارچه مالیاتی بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی حاکم شود.

۶. سیاست‌های بلندمدت ناظر بر ساختار نظام مالیاتی

- به منظور افزایش کارایی نظام مالیاتی و ایجاد ابزارهای جدید شناسایی و وصول مالیات و در نتیجه افزایش ظرفیت مالیات‌ستانی دولت، اصلاح در ساختارهای نظام مالیاتی به گونه‌ای صورت پذیرد که اهداف زیر محقق شوند:

- تغییر ساختار نظام مالیاتی از مالیات بر شرکت‌ها به مالیات بر درآمد افراد

- حذف معافیتها و اولویت دادن به افزایش در پوشش مالیاتی به جای افزایش در نرخ مالیات

- کاهش تکیه بر ابزارهای ناکارآمد و جایگزینی مالیات بر مجموع درآمد با ابزارهای ناکارآمد: مالیات بر واردات و سود شرکتها و مالیات بر مشاغل

- افزایش تدریجی سهم مالیات زمین و املاک

- ایجاد نظام یکپارچه رفاهی - مالیاتی

- استفاده از حسابرسی هدفمند

- بازنگری در نظام انگیزشی مامورین حسابرسان و مودیان مالیاتی

- ایجاد ارتباط میان پایگاه‌های داده‌ای مختلف در دسترس دولت

۳-۱-۱-۱. بسته سوم: سیاستهای پولی و ارزی

گذار به تورم پایین و پایدار مستلزم قاعده‌مند کردن سیاست‌گذاری پولی صحیح توسط بانک مرکزی و اصلاح ساختار بودجه دولت است. لازم است اصلاحات نهادی بانک مرکزی در دو حوزه سیاست پولی و نظارت بانکی صورت پذیرد و قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ناظر بر اصلاحات نهادی شامل موارد زیر باشد:

۱. به رسمیت شناختن شفاف و صریح دو جایگاه متفاوت سیاست‌گذار پولی و قاعده‌گذار و ناظر شبکه بانکی برای بانک مرکزی

۲. با پیش‌فرض برقراری قواعد مالی دولت در این برنامه، چارچوب سیاست‌های پولی و ارزی با هدف استمرار تورم پایین و بهبود نرخ ارز حقیقی به شرح زیر تعیین شود:

- روش هدف‌گذاری تورم به عنوان چارچوب سیاست پولی تعیین و الزامات آن عملیاتی شود.

- انتقال نظام ارزی دوگانه فعلی به نظام ارزی شناور مدیریت‌شده با هدف ارتقای رقابت‌پذیری اقتصاد و کاهش کسری تجاری غیرنفتی انجام گیرد. پیاده‌سازی چارچوب نظام ارزی شناور مدیریت‌شده، شامل تعیین قاعده مدیریت نرخ ارز است به طوری که در کوتاه‌مدت، نرخ ارز با دخالت بانک مرکزی در دامنه از پیش تعیین شده ثبات داشته باشد. در میان‌مدت، نرخ ارز با تورم کاهنده‌ی هدف‌گذاری شده در یک فرایند تدریجی تعدیل شود و در بلندمدت، تعدیل نرخ ارز بر اساس رفتار متغیرهای بنیادی در بازار شکل گیرد.

۳. سازوکار تبدیل اهداف کیفی به اهداف کمی و قابل ارزیابی به صورت شفاف و دقیق تعیین و تصریح شود

و رکن مسئول هر هدف به همراه سازوکارهای رفع تعارض اهداف در آن دیده شود.

۴. سیاست‌های صندوق توسعه ملی از جهت بهره‌گیری از درآمدهای ارزی حاصله برای سرمایه‌گذاری در داخل یا خارج از کشور در چارچوب سیاست ارزی بانک مرکزی و سازگار با آن تدوین شود.

۵. به منظور افزایش شفافیت در عملکرد، بانک مرکزی مکلف به ارائه گزارش‌های شش ماهه به دولت و مجلس و گزارش‌های عمومی سالانه در مورد تصمیمات اتخاذ شده در حوزه اهداف تعیین شده است.

۴-۱-۱-۱. بسته چهارم: اصلاح نظام مالی

وضعیت نظام بانکی از حیث کمیت و کیفیت تسهیلات اعطایی برای پشتیبانی از رشد پایدار مناسب نیست. این در حالی است که در سال‌های گذشته دسترسی بنگاه به منابع مالی جایگزین تسهیلات نیز محدود شده و تامین مالی به عنوان مهم‌ترین محدودیت تولید فرآیند رشد مناسب اقتصادی را کند کرده است. کاهش ثبات مالی رخ داده طی سال‌های اخیر، می‌تواند منجر به توقف کارکردهای نظام بانکی شود و هزینه‌هایی را برای کشور ایجاد کند. به علاوه، استفاده از فرصت‌های برجام نیز در گرو فعالیت سالم بانک‌ها است. واقعیاتی که اصلاح نظام بانکی را به صورت ضرورتی با اولویت بالا تعریف می‌کند. در چارچوب روابط شکل گرفته کنونی میان بانک‌ها، بنگاه‌ها، بانک مرکزی و دولت انتظار نمی‌رود سازوکارهای موجود به خودی خود قادر به تصحیح وضعیت فعلی باشد و ادامه این وضع منجر به تخریب بیشتر سلامت بازارهای مالی می‌شود. بر این اساس:

۱. در بازه زمانی نه تا دوازده ماهه‌ای در قالب بسته «مدیریت وضعیت بانکی» شرایط فعلی نظام بانکی ترمیم شده و سپس با اجرای بسته مقدماتی «اصلاح نظام بانکی» شرایط نظام بانکی بهبود می‌یابد. در بسته «مدیریت وضعیت بانکی» لازم است به کمک مجموعه اقدامات عاجلی طی شش ماه آینده نرخ‌های سود سپرده به کمک ذخیره‌گیری مناسب، ممانعت از تقسیم درآمدهای موهومی، ابزار ضمانت سپرده و عوارض به صورت نظارتی کاهش یابند. با سیاست‌گذاری بانک‌های تحت مدیریت دولت و ساماندهی مانده بدهی دولت (با لحاظ قیود پایداری بدهی) و دسته‌بندی بانک‌ها هماهنگی لازم برای بهبود وضعیت نظام بانکی انجام گیرد. خط اعتباری محدود، مشروط و وثیقه‌دار بانک مرکزی استمرار فعالیت بانک‌ها طی دوره کاهش نرخ سود را ممکن کند.

۲. دولت در چارچوب DSA، بخشی از بدهی‌های خود به پیمانکاران بخش خصوصی، بانک‌های خصوصی شده و دولتی را به اوراق بهادار تبدیل و به این طلبکاران واگذار کند. پرداخت سود این اوراق را در بالاترین اولویت پرداختی قرار دهد.

۳. بانک مرکزی بانک‌ها را بر اساس وضعیت سلامت دسته‌بندی و برنامه تجدید ساختار را طراحی و پیگیری کند. بانک‌ها بر اساس شاخص‌های میزان سلامت و نیز تبعیت از بانک مرکزی (در مواردی چون اجرایی کردن برنامه تجدید ساختار، تبعیت از نرخ‌های سود سپرده، کفایت سرمایه و ذخیره‌گیری) طبق ضوابط از پیش تعیین شده تشویق و تنبیه شوند. ابزارهای انگیزشی مانند نرخ ذخیره قانونی، حق بیمه ضمانت سپرده‌ها، بازخواست و عزل مدیران، نرخ‌های ترجیحی در بازار بین‌بانکی، لغو برخی مجوزها و دسترسی‌های بانک‌ها و استفاده از فرصت‌های پس‌برجام در اختیار بانک مرکزی هستند.

۴. جهت اصلاح ترازنامه و جبران خسارت‌های ناشی از مطالبات غیرجاری، وجوه التزام دریافتی و دیگر دارایی‌های منجمد بانک‌ها، بانک‌های خصوصی از طرف بانک مرکزی و سازمان بورس ملزم به افزایش سرمایه شوند. دولت نیز نسبت به افزایش سرمایه بانک‌های دولتی اقدام کند. در این راستا می‌توان از منابع مالی صندوق توسعه ملی (به صورت سهام ممتاز و وام‌های تبعی)، سرمایه‌گذاران خارجی و فروش سهام دولت در بانک‌های خصوصی شده استفاده کرد.



۵-۱-۱-۱. بسته پنجم: اصلاح بازار انرژی

به منظور افزایش تولید در بخش انرژی و بهبود بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصادی، اصلاحات در بازار انرژی ناظر به سه رکن، اصلاح بازار انرژی، رابطه مالی صنعت انرژی با دولت و سیاست‌های بخش‌های اقتصادی مرتبط با بازار انرژی است.

۵-۱-۱-۱-۱. اصلاح بازار انرژی

اصلاح بازار انرژی باید مبتنی بر برنامه‌های بلندمدت، قاعده‌محور، با اطلاع قبلی آحاد اقتصادی و همسو با دیگر سیاست‌های اقتصاد کلان انجام شود. همچنین باید توجه داشت عامل مهم در موفقیت یک برنامه اصلاحی ایجاد وفاق عمومی مبتنی بر ضرورت اصلاحات از طریق پویای‌های تبلیغاتی و همزمان اجماع میان سیاست‌گذاران در خصوص نحوه اجرا است. تجربه جهانی، اهمیت ایجاد نظام موثر حمایت از فقرا در دوران اصلاح نظام بازار انرژی را برجسته کرده است. برای تعادل و پایداری این طرح نیز باید بازتوزیعی موقتی از گروه‌های منتفع به گروه‌های متضرر انجام شود. البته لازم نیست تصحیح قیمت حامل‌های انرژی مختلف با سرعت‌های یکسان انجام شود و می‌توان اصلاح قیمت برخی حامل‌ها که فقرا به آن اتکای بیشتری دارند را کندتر انجام داد.

بنابراین بسته پیشنهادی اصلاح نظام بازار انرژی شامل اصلاح قیمت‌های انرژی، اصلاح ساختار و قوانین بودجه، مداخلات تسهیل‌کننده اجرا با معذوریت‌های اقتصاد سیاسی، حمایت از فقرا و اطلاع‌رسانی و ایجاد پویای است. کاستی در هر یک از این پنج رکن اساسی می‌تواند میزان توفیق برنامه را کاهش دهد.

۵-۱-۱-۲. رابطه مالی شرکت ملی نفت با دولت

ثبات‌سازی در سهم دلاری شرکت ملی نفت از درآمد حاصل از صادرات نفت که در بسته اول به آن اشاره شد درآمدی پایدار و قابل برنامه‌ریزی برای شرکت ملی نفت ایجاد می‌کند. علاوه بر آن به منظور افزایش انگیزه در شرکت ملی نفت برای افزایش در تولید و صادرات نفت، در صورت افزایش تولید و صادرات نسبت به بیشینه میزان تولید و صادرات در سال ۱۳۹۶ مشوق‌های مالی لازم برای شرکت ملی نفت در نظر گرفته شود و این مشوق‌ها در صورت افزایش برداشت از میادین مشترک و افزایش تولید نفت با تکنولوژی‌های از دیاد برداشت به صورت پله‌ای افزایش یابد.

۵-۱-۱-۳. سیاست‌های بخشی اصلاح بازار انرژی

به منظور توسعه بیشتر در بخش انرژی، نحوه ایجاد تنظیم‌گری^۴ در بازار انرژی بایستی به گونه‌ای تدوین شود که اهداف زیر محقق گردد:

۱. نقش رگولاتور ایجاد بازار (به‌طور خاص بازار گاز و برق) و تعیین محدوده بازار شرکت‌های مختلف باشد.
۲. ایجاد نظام حق دسترسی، تعرفه خطوط انتقال و توزیع بخش‌ها را بر عهده داشته‌باشد.
۳. ساختار بازار را به سمت ایجاد بازار رقابتی سوق داده و اقدامات لازم را برای عقد قراردادهای بلندمدت در بخش پالایش و پتروشیمی را انجام دهد.



۶-۱-۱-۱. بسته ششم: اصلاح در صندوق‌های بازنشستگی

سیستم بازنشستگی ایران در حال حاضر از منظر پایداری مالی^۵، پوشش بیمه‌ای، برابری و عدالت، پیش‌بینی‌پذیری و شفافیت، کفایت^۶ و کارایی اقتصادی معضلات زیادی دارد که ادامه‌ی فعالیت موفق این نهادها را با مشکل جدی مواجه کرده‌است. تقبل کسری‌های پنهان و آشکار ناشی از پرداخت به بازنشستگان و بیمه‌شوندگان از بودجه دولت، در شرایط کنونی که کسری بودجه و روند کاهنده درآمدهای نفتی روند غالب است، می‌تواند به تشدید کسری بودجه و ناپایداری بدهی‌های دولت بینجامد. چارچوب اصلی راهکارهای پیشنهادی برای تخفیف معضل سیستم بازنشستگی در ایران را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. اصلاح قوانین بازنشستگی: در شرایط کنونی، نرخ‌ها و قواعد مربوط به بازنشستگی و بازنشستگی پیش از موعد به گونه‌ای تعیین شده‌اند که فاصله قابل ملاحظه‌ای بین دریافتی‌ها و پرداختی‌های بیمه‌شوندگان ایجاد می‌کنند. بنابراین، به‌منظور تخفیف کسری بودجه این نهادها لازم است این نرخ‌ها و قواعد مورد بازنگری قرار گیرند.

۲. اصلاح ساختار نهادهای بازنشستگی: به منظور کاهش هزینه‌های اجرایی و اداری، افزایش نظارت و اعمال قواعد یکسان بر نیروی کار بخش‌های مختلف لازم است برخی از نهادهای بازنشستگی کنونی ادغام شوند.

۲-۱-۱. برنامه‌های فرابخشی به منظور دستیابی به رشد اقتصادی بالا

انتظار می‌رود ثبات اقتصادی با اجرای برنامه اصلاحات اقتصاد کلان و ثبات‌ساز اقتصادی ایجاد و الزامات دستیابی به رشد اقتصادی بالا مهیا شود. با این حال، دستیابی به این هدف نیازمند تغییر در رویکردها، سیاست‌گذاری‌های تجربه شده و استفاده از تجارب جهانی در زمینه رشدهای بالای اقتصادی است. کشوری در جهان یافت نمی‌شود که در بازه زمانی طولانی رشد اقتصادی بالایی را تجربه کرده باشد، اما این مهم با درون‌گرایی اقتصادی یا دولتی بودن اقتصاد حاصل شده باشد. از این روی فصل حاضر، شامل دو بسته سیاستی برون‌گرایی و سیاست تجاری و همچنین توسعه بخش خصوصی و سرفصل‌های سیاستی مرتبط است.

مفهوم و ماهیت برون‌گرایی در طول چند دهه‌ی گذشته تطور یافته و در هر دوره شکل جدیدی به خود گرفته؛ به همین دلیل بهره‌بردن از آن در هر دوره اقتضائات ویژه‌ای داشته‌است. به دلیل شدت گرفتن رقابت‌های اقتصادی در سطح جهان، شرایط ورود به بازار جهانی هر روز سخت‌تر می‌شود و تاخیر در اتخاذ سیاست‌های برون‌گرایی شرایط اقتصادی کشور را دشوارتر خواهد کرد. از سوی دیگر با توجه به اینکه سهم اصلی تامین منابع رشد را منابع داخلی هر کشور تشکیل می‌دهد برای دستیابی به رشدهای اقتصادی بالا و پایدار نقش سرمایه‌گذاری داخلی بسیار پررنگ است. از این رو، رفع موانع توسعه بخش خصوصی از مهم‌ترین الزامات دستیابی اقتصاد ایران به رشد اقتصادی بالا و پایدار است، زیرا بخش خصوصی موتور رشد اقتصاد است.

۱-۱-۲-۱. بسته اول: برون‌گرایی و سیاست تجاری

سند اقتصاد مقاومتی با تاکید بر بُعد برون‌گرایی در کنار مولفه درون‌زایی اقتصاد، بستر مناسب برای برداشتن گام اول برون‌گرایی یعنی «خواست و اراده‌ی سیاسی حاکمیت» را فراهم نموده است. بر این اساس، لازم است با تعیین متولی اصلی پیشبرد استراتژی برون‌گرایی اقتصاد ایران، ماموریت‌هایی در جهت هدف‌گذاری رشد تجارت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی تعیین و حرکت در این مسیر رصد شود. رئیس ماموریت‌های نهاد متولی برون‌گرایی به شرح زیر خواهد بود:

۱. بررسی و اصلاح تناسب قوانین کار

5. Financial Sustainability

6. Adequacy



۲. بررسی قوانین شفاف‌سازی و ضد فساد

۳. بررسی قوانین انحصار

۴. بهبود فضای کسب و کار در جهت برون‌گرایی

۵. بررسی قوانین تجاری و اصلاح تعرفه‌ها و رفع موانع غیرتعرفه‌ای برای تسهیل تجارت

۶. بررسی قوانین بانکی متناسب با تامین مالی از منابع بین‌المللی و جلوگیری از تخصیص منابع ورودی به حوزه‌های غیرمولد

۷. قوانین مالیاتی متناسب با جذب سرمایه و تسهیل حضور صنایع خارجی به منظور اجتناب از ماریپیچ دستمزد

با توجه به نیاز به هماهنگی و انسجام بین دستگاه‌های مختلف کشور جهت پیش‌برد رویکرد برون‌گرایی در تعامل اقتصادی ایران با سایر کشورها و همین‌طور ضرورت تمرکز فعالیت‌های مختلف مرتبط با موضوع ایجاد ارتباطات اقتصادی با سایر کشورها لازم است مأموریت تحقق برون‌گرایی شامل گام‌های زیر انجام شود:

– با ایجاد هماهنگی در سازمان توسعه تجارت، سازمان سرمایه‌گذاری خارجی و هم‌چنین سازمان مناطق آزاد کشور سیاست‌های هماهنگ و یکپارچه‌ای را در جهت تقویت سرمایه‌گذاری خارجی به منظور توسعه صادرات تدوین و اجرا کند.

– جغرافیای تعامل اقتصادی ایران با کشورهای مختلف را تعیین کند.

– در عین تلاش برای فراهم‌سازی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی از طریق اصلاح سیاست‌های تجاری، به دنبال ایجاد قراردادهای دو یا چند جانبه و اعمال قرارداد تسهیل در تجارت (TFA)، در قرارداد با کشورهای دیگر باشد.

– با شناسایی جایگاه فعلی ایران در زنجیره ارزش جهانی، سیاست‌های لازم را برای ارتقا جایگاه کشور در زنجیره ارزش جهانی تدوین کند.

– شرایط لازم را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با محوریت سرمایه‌گذاری در حوزه صرفه‌جویی انرژی با ایجاد پنجره واحد فراهم کند.

– مناطق آزاد کشور را به مناطقی برای جذب سرمایه خارجی با رویکرد صادرات‌محور تبدیل کند.

– با هماهنگی با صندوق توسعه ملی، منابع صندوق را به شکل اهرمی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فعال کند.

۲-۲-۱-۱. بسته دوم: توسعه بخش خصوصی

پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش انگیزه در بخش خصوصی، اصلاح نظام بنگاهداری موارد زیر را شامل شود:

۱-۱-۲-۲-۱. اصلاح محیط کسب و کار

۱. عدم دخالت دولت در امور بنگاه‌ها: تصویب قانون مستقل «رقابت»، بر اساس رفع کاستی‌ها، نقاط ضعف، تعارضات و تلفیق قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و قانون تعزیرات حکومتی.

۲. ارتقای جایگاه شورای رقابت برای ایفای فعال‌تر نقش تنظیم‌گری.

۳. اصلاح قوانین مرتبط با بازار کار، شامل:

- اصلاح قانون بیمه بیکاری با رعایت توازن بودجه بیمه و پوشش مناسب بیکاران از طریق ترکیب مدل بیمه بیکاری صندوق مشارکت دولت و حساب پس‌انداز اجباری بیمه بیکاری.
- اصلاح ساختار حداقل دستمزد سراسری در کل کشور مبنی بر تعیین حداقل دستمزد به تفکیک جغرافیا و سن و بر اساس بهره‌وری نهایی نیروی کار در هر منطقه و همچنین برداشتن بار حمایتی از روی حداقل دستمزد و سپردن آن به نظام تأمین اجتماعی.
- اصلاح محیط مقرراتی حاکم بر روابط کار از طریق تنقیح قوانین و مقررات و تهیه قانون جامع کار
- ۴. اصلاح قانون ورشکستگی به نحوی که واجد شرایط زیر باشد:
 - حل مسأله عدم پرداخت بدهی‌ها توسط بدهکار
 - حداکثر کردن ارزش فروش اموال بنگاه‌ها
 - تقسیم اموال بین طلبکاران به صورت منصفانه
 - ادامه حیات بنگاه ورشکسته به وسیله مذاکره میان طلبکاران و بنگاه
- ۴. حل مسأله تضاد منافع در میان مدیران دولتی از طریق تعیین دوره ممنوعیت کار در بخش‌های مرتبط با مسئولیت پیشین و ایجاد نهاد مسئول نظارت و مشاوره به مدیران.

۲-۲-۱-۱ اصلاح نظام بنگاهداری

۱. اصلاح ساختار سهام عدالت مطابق با برنامه تهیه شده و تصویب شده در دولت
۲. رد دیون
 - نهایی کردن قیمت واگذاری‌های غیرقطعی باقیمانده از سنوات قبل
 - تعیین تکلیف شرکت‌هایی که متولی مدیریت آنها مشخص نیست.
 - اعاده شرکت‌هایی به دولت که بیش از تعهدات مصوبه‌ای دولت به طلبکاران واگذار شده است.
 - خصوصی‌سازی بنگاه‌های واگذار شده به نهادهای عمومی غیردولتی
۳. موسسات حکومتی غیردولتی: تعریف نقش بنگاه‌های عمومی غیردولتی در فرآیند توسعه
 - تعریف محدوده جغرافیایی فعالیت
 - تعیین حوزه فعالیت
 - افزایش شفافیت
 - اصلاح ساختار مدیریت
 - ارزیابی بر اساس شاخص‌های بهره‌وری
 - کاهش سهم از بازار و تولید طی زمان
۴. خصوصی‌سازی‌های آتی



- گروه‌بندی دقیق شرکت‌های باقیمانده در فهرست واگذاری، بر اساس وضعیت مالی و اقتصادی شرکت‌ها و حوزه فعالیت آنها توسط سازمان خصوصی‌سازی، قبل از هر اقدام.
- استفاده از پتانسیل‌های قانونی در به‌کارگیری روش‌های مختلف واگذاری
- بازسازی ساختاری قبل از واگذاری
- تسریع در فرآیند انحلال شرکت‌های دارای مصوبه انحلال

۳-۲-۱- سیاست‌های رفع موانع توسعه نگاه‌های اقتصادی به تفکیک اندازه

برای تمرکز بر توسعه نگاه‌های اقتصادی و افزایش توامان رشد اقتصادی و اشتغال لازم است علاوه بر سیاست‌های تحرک آفرینی که تمامی نگاه‌های اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهند، به تفکیک دو گروه مجزا از نگاه‌های اقتصادی شامل نگاه‌های خرد (دارای ۱ تا ۹ نفر کارکن) و کوچک (دارای ۱۰ تا ۴۹ کارکن) - که سهم اصلی اشتغال را در اختیار دارند- و نگاه‌های متوسط و بزرگ اقتصادی (دارای ۵۰ کارکن و بیشتر) - که سهم غالب ارزش افزوده را تولید می‌کنند - سیاست‌گذاری‌های لازم صورت گیرد که در ادامه به اهم این سیاست‌ها اشاره می‌شود.

سیاست‌های تحرک‌آفرین نگاه‌های اقتصادی

- تبدیل شهرک‌های موفق صنعتی به عنوان مناطق آزاد برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی
- اصلاح و تسهیل قوانین و مقررات مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی
- کاهش انحصارات و ایجاد فضای رقابتی بجای رویکرد حمایتی غیررقابتی
- مقررات زدایی برای شروع کسب‌وکارها
- تسهیل در تجارت و سرمایه‌گذاری
- اجرای استراتژی صنعتی مبتنی بر مشارکت صادرات محور در زنجیره تولید جهانی
- دگرگونی در نظام خرده فروشی و واسطه‌گری بازرگانی با بهره‌گیری از فعالیت‌های دانش بنیان به منظور کاهش قیمت تمام شده و افزایش تقاضا برای تولیدات صنعتی
- به حداقل رساندن تداخل بین نگاه‌داری خصوصی و غیر خصوصی در مسیر رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی
- حذف قاچاق از مبادلات خارجی

بنگاه‌های خرد و کوچک

- تجهیز بازارهای مالی کشور به منظور دسترسی گسترده بنگاه‌های خرد و کوچک به منابع مالی با تکیه بر نظام بانکی



- بهبود و به‌روزرسانی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از طریق آموزش‌های کوتاه‌مدت و با رویکرد تقاضا محور
- بهبود در توان مذاکره‌ای بنگاه‌های خرد و کوچک از طریق ایجاد واحدهای مشاوره در شهرک‌های صنعتی با هدف بهره‌مندی بنگاه‌ها از منابع و امکانات داخلی و خارجی و ایجاد پیوند بین تولیدکنندگان خرد و عرضه‌کنندگان عمده
- کاهش هزینه شناسایی فرصت‌های مختلف توسعه کسب و کارهای کوچک و کاهش هزینه پیوند تولیدکنندگان خرد و عرضه‌کنندگان عمده از طریق ایجاد بانک‌های اطلاعاتی در سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مربوطه
- اتصال بنگاه‌های کوچک و متوسط به بنگاه‌های بین‌المللی از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت صادرات محور در زنجیره تولید جهانی (GVC)
- اعمال اصلاحات بازار انرژی با گام‌های تدریجی‌تر برای مصرف‌کنندگان خرد صنعتی و تجاری (بنگاه‌های خرد و کوچک)

بنگاه‌های متوسط و بزرگ

بنگاه‌های بزرگ دارای ویژگی‌هایی مشترکی هستند:

- بخش بزرگی از ساختار مالکیت یا مدیریت آن‌ها، دولتی یا وابسته به حاکمیت است.
- بازار فعالیت این بنگاه‌ها نوعاً برخوردار از حمایت‌های تعرفه‌ای و دارای ساختاری انحصاری یا شبه انحصاری است.
- این بنگاه‌ها در برخی حوزه‌ها در رشته فعالیت‌هایی متمرکز هستند که رشد آتی جهانی کمتری خواهند داشت مانند انرژی و فلزات اساسی.
- درخصوص این بنگاه‌ها نیز علاوه بر ثبات اقتصاد کلان و بهبود محیط کسب و کار، موضوعات تامین مالی، اصلاحات ساختار مالی داخلی بنگاه و ایجاد شرایط رقابتی برای افزایش بهره‌وری و ورود بنگاه‌های جدید در اولویت سیاست‌گذاری قرار دارند. بر این اساس رئوس کلی برنامه توسعه بنگاه‌های بزرگ اقتصادی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:
- اصلاح بازار سرمایه برای تامین مالی بنگاه‌های بزرگ از طریق این بازار و اوراق شرکتی و کاستن از بار تأمین مالی بنگاه‌های بزرگ از نظام بانکی
- به‌روزرسانی ترازنامه، اصلاح ساختار مالی داخلی برای مدیریت هزینه‌ها و افزایش شفافیت
- اصلاح مأموریت ساختار بنگاه‌های بزرگ در جهت افزایش بهره‌وری و تقویت ارتباط با بنگاه‌های کوچک و متوسط
- جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه، افزایش بهره‌وری و به‌روزرسانی فناوری در تولید بنگاه‌های بزرگ با تأکید بر صنایع صادراتی و با تکنولوژی بالا
- تکمیل زنجیره ارزش از طریق برقراری ارتباط قراردادی بین بنگاه‌های بزرگ با بنگاه‌های کوچک و



متوسط و همچنین مشارکت بنگاه‌های بزرگ در رنجیره تولید جهانی

- تهیه برنامه ارتقای نظام مدیریتی بنگاه‌های واگذار شده در چارچوب سهام عدالت، اصلاح در واگذاری بنگاه‌های واگذار شده در چارچوب رد دیون
- افزایش بهره‌وری انرژی و اجرای طرح‌های صرفه‌جویی انرژی در بنگاه‌های بزرگ
- اصلاح قانون ورشکستگی جهت مشخص شدن سازوکار مدیریت دارایی و بدهی بنگاه‌های ورشکسته

۴-۲-۱-۱. اصلاح نظام حقوقی

- رفع موقعیت تضاد منافع

پیشنهاد‌های اصلاحی برای مدیریت تعارض منافع در حقوق داخلی در سه بخش ۱- نهادسازی و ایجاد ساختارهای لازم، ۲- وضع قواعد و مقررات مناسب و ۳- ایجاد مکانیزم افشای تعارض قرار دارد. برای وضع قوانین و مقررات مناسب، اصلاح و تکمیل مصادیق موجود در قوانین و همچنین وضع قوانین شفاف و به دور از ابهام و تفسیرپذیر اما با تعریف راهکار حفظ انعطاف‌پذیری در مواقع لزوم، ایجاد نهاد متخصص و مسئول و اطلاع و الزام اشخاص و کارکنان به رعایت ضوابط و اعلان به موقع منافع متعارض در قالب فرم‌های مخصوص، پیشنهاد می‌گردد.

- اصلاح قراردادهای دولتی

قانون مناقصات ایران در کنار مزایایی مثل ایجاد سلامت، بیان تعاریف و رفع اختلاف در موارد تفسیرهای متعدد، طبقه‌بندی انواع مناقصات و حل و فصل اختلافات در هیأت تخصصی، دارای مشکلاتی از جمله عدم تعیین دامنه موضوعی قانون برگزاری مناقصات است. همچنین قانون مناقصات از لحاظ دامنه دستگاه‌های تحت شمول دارای چالش‌های جدی است. عدم تناسب میان قانون و ماهیت فعالیت برخی از دستگاه‌های تحت شمول قانون و عدم شمول برخی اشخاص، عدم تناسب قانون با وضعیت نظام حقوقی ایران، نبود اصول مربوط به تفسیر، پیچیدگی قانون مناقصات، عدم پیش‌بینی سایر روش‌ها برای واگذاری معاملات دولتی و نبود قانون برای خود قرارداد و مدیریت روابط قراردادی یکی دیگر از مشکلات این قانون است. راهکارهای اصلاح این نواقص به تفکیک راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت در برنامه حاضر آمده است.

- ارتقای نظام رقابت در کشور

۱. ایجاد انعطاف بیشتر در حقوق رقابت با گسترش هر چه بیشتر بررسی موردی پرونده‌های ضد رقابتی با توجه به اوضاع و احوال قضیه
۲. افزایش توان شورای رقابت به منظور بررسی پرونده‌های ضد رقابتی در اقصی نقاط کشور
۳. توجه هر چه بیشتر به خاصیت و ویژگی‌های متفاوت مالکیت معنوی در زمینه حقوق رقابت و تدوین قواعد مخصوص برای این فعالیت‌ها

- رفع موانع حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی

- اصلاح حقوق شرکت‌ها

- اصلاح حقوق قراردادهای از منظر هزینه مبادله

۳-۱-۱. برنامه‌های حمایتی

برنامه‌های حمایتی از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول، سیاست‌های فعال بازار کار است که شامل سه بسته سیاست‌های افزایش تطابق سمت عرضه و تقاضای بازار کار، طرح کارورزی و معافیت بیمه‌ای سهم کارفرما است. با توجه به اینکه سهم غالب فقرا را شاغلان تشکیل می‌دهند، سیاست‌های فعال بازار کار می‌تواند از طریق بهبود در مهارت نیروی کار و نیز بهبود در جورشدن^۷ نیروی کار و بنگاه، بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهد. به علاوه اجرای طرح کارورزی و معافیت بیمه‌ای سهم کارفرما، با کاهش در هزینه به‌کارگیری نیروی کار جوان، می‌تواند بخشی از هزینه‌های یادگیری نیروی کار توسط بنگاه را کاهش داده و از این طریق به افزایش انگیزه بنگاه در به‌کارگیری این گروه کمک کند.

بخش دوم، ناظر بر سیاست‌های رفاهی و کاهش فقر است. سیاست‌های رفاهی و کاهش فقر در سه قسمت، ایجاد نظام جامع تامین اجتماعی، توانمندسازی روستائیان و اصلاح ساختار سهام عدالت تنظیم شده است. اجرای مجموعه این سیاست‌ها با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی آن‌ها، می‌تواند بهبود معنادار در وضعیت معیشتی اقشار کم‌درآمد یا ناتوان از کسب درآمد ایجاد کند.

۱-۳-۱-۱. سیاست‌های فعال بازار کار

۱-۳-۱-۱-۱. سیاست‌های افزایش تطابق سمت عرضه و تقاضای بازار کار

به منظور برطرف کردن قیود حاکم بر بازار کار به ویژه قیود اطلاعاتی لازم است تغییرات زیر در نظام اطلاعاتی و آموزشی بازار کار صورت گیرد:

- نظام اطلاعات بازار کار به منظور ایجاد شفافیت اطلاعات عرضه و تقاضای نیروی کار در سطح ملی، دسترسی سریع به درخواست‌های عرضه و تقاضای کار و تسریع فرآیند جورسازی و استفاده از اطلاعات استخراج‌شده برای سیاست‌گذاری در بازار کار با بهره‌گیری از پتانسیل‌های بخش خصوصی و با محوریت آن بخش ایجاد شود. از جمله مهم‌ترین مولفه‌های نظام اطلاعات بازار کار به شرح زیر است:

- دسترسی یکپارچه به اطلاعات پایگاه داده‌های کاربایی‌های خصوصی و دولتی، ثبت کارفرما با کد ثبت شرکت یا کد ملی و ثبت کارجو با کد ملی و عدم منع استفاده بخش غیررسمی از خدمات نظام اطلاعات بازار کار برای گستردگی بیشتر اطلاعات
- با پایش وضعیت بازار کار از نظر مهارت و با کمک بخش خصوصی و نهادهای بین‌المللی نسبت به به‌روزرسانی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از طریق آموزش‌های کوتاه‌مدت و با رویکرد تقاضا محور اقدام شود.
- بهبود در کمیت و کیفیت نظام اعطای گواهی‌نامه‌ها و مدارک حرفه‌ای (گواهی‌نامه‌های مهارت) با مشارکت بخش خصوصی.
- ادغام و سازماندهی پایگاه داده‌های وزارت کار و وزارتخانه‌های متولی آموزش.



- رفع نواقص داده‌های شناسایی ویژگی‌های سمت عرضه نیروی کار شامل داده‌های طرح آمارگیری نیروی کار.
- پیاده‌سازی طرح‌های جدید آمارگیری برای شناخت بخش تقاضای نیروی کار به‌خصوص در مناطق جغرافیایی با هدف ایجاد امکان تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای
- پیاده‌سازی طرح‌های جدید آمارگیری برای شناخت وضعیت کارگاه‌های رشته فعالیت‌های مختلف به تفکیک اندازه از خرد تا بزرگ و با تواترهای کمتر از سالانه
- پیاده‌سازی طرح جدید آمارگیری برای شناخت عرضه و تقاضای مهارت بازار کار

۲-۱-۳-۱. طرح کارورزی

- به منظور کاهش در نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و با هدف افزایش قابلیت جذب و اشتغال دانش‌آموختگان از طریق انتقال مهارت و تجربه در محیط کار برای ورود به بازار کار و فراهم ساختن زمینه انتقال دانش از دانش‌آموخته به بنگاه اقتصاد، دوره آموزشی «آمادگی شغلی» از طریق سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای همراه با اعطای گواهینامه تحت عنوان دوره کارورزی اجرا خواهد شد.
- در سال اول اجرای برنامه مصوبه ۱۳۹۵/۱۱/۵ شورای عالی اشتغال «دستورالعمل اجرایی طرح کارورزی دانش‌آموختگان دانشگاهی» با هدف افزایش مهارت و اشتغال جوانان و ایجاد انگیزه در بنگاه‌های اقتصادی برای جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، با رعایت اولویت‌ها و ملاحظات زیر اجرا شود:
۱. با توجه به محدودیت در منابع مالی، اولویت اجرای این طرح استان‌های مرزی و استان‌هایی است که نرخ بیکاری جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی در آن‌ها از متوسط کشوری بیشتر است.
 ۲. گروه هدف طرح کارورزی، جوانان جویای کار فارغ‌التحصیل دانشگاهی در گروه سنی ۲۳-۳۲ سال و شغل اولی‌ها هستند.
 ۳. طی دوره آموزشی، کمک هزینه دوره آموزشی، معادل یک چهارم حداقل دستمزد از طرف دولت و با تایید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به کارورز پرداخت می‌شود.

۳-۱-۳-۱. معافیت بیمه‌ای سهم کارفرما

برای ترغیب کارفرمایان و کارآفرینان بخش خصوصی و تعاونی به جذب نیروی کار جوان، آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۱ قانون برنامه ششم به منظور پرداخت سهم بیمه کارفرما مربوط به کارگیری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و شغل اولی برای تصویب به هیات وزیران ارائه شود.

۲-۱-۳-۲. سیاست‌های حمایتی و کاهش فقر

۱-۱-۳-۲-۱. ایجاد نظام جامع تامین اجتماعی

برای سالیان متمادی، نسبت سطح درآمد دهک دهم به دهک اول حدوداً ۱۴ بوده است. این نسبت در مقایسه با هنجارهای بین‌المللی عدد نسبتاً بزرگی است. در صورت فراهم شدن امکان تحقق رشد بالای اقتصادی اشتغالزای، این امکان فراهم می‌شود که با اعمال سیاست‌های حمایتی مناسب، نسبت ۱۴ به یک درآمدی را تا پایان دولت دوازدهم، حتی به حدود ۱۰ تقلیل داد. در صورت تحقق این هدف، تحولی بزرگ و پایدار، و نه موقتی مانند سال اول پرداخت یارانه نقدی، محقق می‌شود که به عنوان یک دستاورد نظام جمهوری اسلامی در تحقق عدالت اجتماعی با منشاء خواست و اراده رهبری نظام شناخته شود. لذا به منظور ایجاد نظام جامع تامین اجتماعی



بایستی لایحه مربوطه با رعایت ملاحظات زیر، برای ارائه در هیات وزیران تدوین شود:

۱. سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها و سایر نهادهایی حاکمیتی که با هدف حمایت از اقشار ضعیف و کم درآمد ایجاد شده‌اند، به منظور تجمیع اطلاعاتی (و نه عملکردی)، در ذیل صندوقی به نام صندوق رفاه اجتماعی قرار بگیرند. این صندوق موظف است با همکاری تمامی نهادهای حمایتی، به تجمیع اطلاعات اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر، بازتعریف ماموریت‌های نهادهای حمایتی، تعیین حوزه فعالیت و حوزه جغرافیایی تحت پوشش به منظور ایجاد بیشترین سطح حمایت از اقشار آسیب‌پذیر بپردازد.
۲. آن بخش از منابع سایر نهادهای حکومتی که خارج از حیطه کنترل صندوق رفاه اجتماعی هستند اما در زمینه حمایت از اقشار ضعیف صرف می‌شوند صرفاً در قالب نظام جامع تامین اجتماعی و تحت نظارت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مجاز به تخصیص است.
۳. بخشی از منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی و همین‌طور منابع حاصل از اصلاح نظام مالیاتی و اخذ مالیات از اقشار پردرآمد دیگر منابع ورودی صندوق رفاه اجتماعی خواهند بود.
۴. برنامه اجرایی طرح سه مرحله‌ای کاهش قابل توجه فقر مطلق^۸ با هدف بهبود درآمدی در ۸ تا ۱۰ میلیون نفر از خانوارهای با کمترین سطح درآمد تدوین گردد. این آئین‌نامه بایستی شامل شیوه‌شناسایی خانوارهای تحت پوشش، معیار خروج از طرح پس از توانمندسازی، تعریف جریمه‌ی ارائه اطلاعات نادرست به سازمان‌های مربوطه و تعریف آستانه درآمدی متناسب با مناطق مختلف جغرافیایی جهت حمایت یا توانمندسازی باشد به گونه‌ای که با افزایش آستانه متناسب با رشد اقتصادی، بهبود ۵ برابری در وضعیت درآمدی خانوارهای مشمول تا سال ۱۴۰۰ محقق گردد.
۵. اقدامات لازم جهت انجام اصلاحات در ساختار نظام بیمه‌ای کشور (بیمه سلامت، بیمه بازنشستگی، بیمه بیکاری بیمه از کارافتادگی) را شامل شود.

۲-۲-۳-۱. توانمندسازی روستائیان

سرمایه‌گذاری اهرمی دولت در روستاها با مشارکت روستائیان

به منظور توسعه روستاهای کشور و حمایت از اشتغال و مسکن روستایی، معادل ریالی ۳ میلیارد دلار از منابع ارزی به‌دست آمده در نتیجه افزایش درآمدهای نفتی را طی چهار سال در جهت بهبود شرایط درآمدزایی روستاها و

۸. در این طرح برای اولین بار در کشور مفهومی به عنوان استاندارد زندگی یا حداقل سطح رفاه تعریف شده و درآمد هر فردی که پایین‌تر از آن باشد به سطح استاندارد تعریف شده خواهد رسید. در این طرح فرد یا خانواده‌ای که شرایط درآمدی پایین‌تر از استاندارد تعریف شده دارد، چنانچه توانایی کار کردن داشته باشد منابع صرف افزایش توانمندسازی و پیدا کردن شغل برای آنها خواهد شد و اگر توانایی انجام کار نداشته باشند، مابه‌التفاوت درآمد آنها تا سطح استاندارد را به‌صورت مستمری به آنها پرداخت می‌گردد. مرحله اول از این طرح از ابتدای سال ۱۳۹۶ و در چارچوب قانون بودجه سال ۱۳۹۶ در حال اجراست. در این مرحله میزان مقرری مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی به میزان قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. در گام دوم اجرای این طرح از میانه سال ۱۳۹۶ و در صد روز اول شروع بکار دولت دوازدهم، دولت میزان درآمدی را بعنوان حداقل وضعیت رفاه خانوارها متناسب با مناطق مختلف جغرافیایی تعریف و اعلام خواهد نمود و هر خانوار ایرانی که براساس درآمدی که کسب می‌کند خود را مستحق دریافت مقرری تعیین شده در این طرح می‌داند با مراجعه به سازمان‌های حمایتی ثبت‌نام می‌کند و پس از بررسی و راستی‌آزمایی موارد ثبت‌نام شده، مقرری مربوطه را به میزان مابه‌التفاوت درآمد فرد و سطح زندگی تعریف شده، دریافت خواهد کرد. در مرحله سوم نیز استاندارد زندگی تعریف شده متناسب با رشد اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور افزایش پیدا می‌کند. آهنگ افزایش‌ها به‌گونه‌ای خواهد بود که در پایان سال ۱۴۰۰ سطح متوسط معیشت حدود ۱۰ میلیون نفر از فقیرترین افراد جامعه حداقل به میزان ۵ برابر وضع موجود ارتقا خواهد یافت. این برنامه در چارچوب یک نظام جامع تامین اجتماعی با شناسایی دقیق خانوارهای فقیری که حتی در فرآیند ایجاد رشد اقتصادی نتوانسته‌اند به سطوح بالاتر درآمدی دست یابند، به بهبود وضعیت آنها از طریق منابع عمومی کمک خواهد کرد. منابع محدود فعلی با این روش به شکل کاراتری به سمت خانوارهای فقیر سوق داده خواهد شد و با توانمندسازی آنان، سبب ارتقای کیفیت زندگی آنان در سطوحی استاندارد می‌شود.



شکل‌دهی نواحی صنعتی روستایی با نرخ‌های ترجیحی سرمایه‌گذاری در بودجه سنواتی تخصیص خواهد یافت. بر اساس این طرح لازم است مناطق روستایی و شهرهای کوچک در دو گروه (۱) روستاهای مرزی و محروم و (۲) سایر روستاها و شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر تقسیم شوند. نسبت میزان سرمایه‌گذاری روستائیان به سرمایه‌گذاری دولت در گروه اول یک به سه و در گروه دوم یک به دو است.

کاهش سهم واسطه‌ها از تولید محصولات کشاورزی و افزایش درآمد روستائیان

لازم است در ابتدای کار دولت دوازدهم برنامه به حداقل رساندن سهم واسطه‌ها از فعالیت‌های تولید و توزیع کشاورزی تدوین شود به طوری که سهم اصلی سود به خود کشاورزان بازگردانده شود و اتکای تامین منابع مالی خرید محصولات کشاورزی به بودجه دولت کاهش یابد. در این چارچوب لازم است از شرکت‌های دانش‌بنیان و بهره‌مندی از فناوری‌های جدید در جهت اتصال مستقیم تولیدکنندگان به عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان نهایی حمایت شود و شرایط و زیرساخت‌های رشد و توسعه آن فراهم شود.

ارائه تسهیلات مسکن با نرخ حمایتی

اعطای تسهیلات مسکن با نرخ حمایتی به روستائیان به منظور تسهیل در تامین و تجهیز مسکن روستایی انجام گیرد.

۳-۳-۱. طرح اصلاح ساختار سهام عدالت

مطابق با متن لایحه جدید سهام عدالت، آزادسازی سهام عدالت در یک برنامه زمان‌بندی از سال ۱۳۹۶ آغاز می‌شود.

۲. حوزه اجتماعی

رویکرد دولت دوازدهم نیز به مانند دولت یازدهم، تحقق توسعه اجتماعی در چهار سال آینده خواهد بود. منظور از رویکرد مبتنی بر توسعه اجتماعی آن است که در برنامه‌های دولت، اهداف متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به صورت یکپارچه در نظر گرفته میشوند و فرایند توسعه در ارتباط با ارزشهای فرهنگی، اجتماعی و محیط‌زیستی برنامه‌ریزی و اجرا می‌گردد. دستاوردهای توسعه بر حسب میزان تأمین پایدار نیازهای فردی و گروهی مردم ایران ارزیابی خواهد شد. سعی میشود تا حداکثر مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تأمین منابع، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه تضمین شود و شاخص‌های اجتماعی در مقابل شاخص‌های مرتبط به بازار و دولت به فراموشی سپرده نمیشود. توسعه اجتماعی به میزان افزایش انسجام اجتماعی و هم‌چنین پاسخگو کردن کارگزاران و سازمانهای صاحب قدرت در برابر مردم نیز هست. توسعه اجتماعی در برگیرنده تأمین رفاه افراد و هم‌چنین تداوم پایداری جامعه است. جامعه‌ای در مسیر توسعه اجتماعی است که:

۱. امکان و فرصتی برای جامعه فراهم سازد تا در فعالیت اقتصادی مشارکت جویند و برای تأمین نیازهای خود تلاش کنند؛
۲. دسترسی بدون تبعیض به خدمات اجتماعی و تأمین اجتماعی را برای افراد مهیا سازد؛
۳. فرصتها برای کسب درآمد، دارایی و ارتقای کیفیت زندگی افراد به صورت عادلانه توزیع شود؛
۴. همه گروهها و اقشار جامعه فرصت داشته باشند تا آگاهانه و مسئولانه در امور مختلف نظام اجتماعی مشارکت کنند؛
۵. عدالت اجتماعی و اقتصادی به گونهای محقق گردد که تأمین نیازهای گروه‌ها و اقشار مختلف در سطح رضایت بخشی صورت گیرد؛
۶. توزیع مناسب و عادلانه برخورداری از مواهب و امکانات جامعه برای همگان ایجاد شود؛
۷. کیفیت خدمات بهداشتی، آموزشی و توان اقتصادی در آن دائما بهبود یابد؛
۸. فضای اجتماعی برای بروز خلاقیت، آزادی، و بروز انرژی‌های انسانی بر اساس ارزشها و هنجارهای برآمده از فرهنگ جامعه به صورت مداوم بهتر شود؛
۹. اعتماد و سرمایه اجتماعی جامعه به صورت مدام بهبود یابد؛
۱۰. گروهها، هویتها و منزلتهای قانونی گوناگون به رسمیت شناخته شده و از حق دنبال کردن منافع خود بهره‌مند شوند.



رویکرد دولت دوازدهم تمرکز بر توسعه اجتماعی است و دولت توسعه اجتماعی را با تکیه بر اصول زیر دنبال خواهد کرد.

۱. برداشتی چندبعدی و متکثر از مفهوم توسعه و توجه اساسی به مقوله توسعه اجتماعی همگام با توسعه سایر حوزه‌ها،
۲. فراهم آوردن اسباب و لوازم مشارکت هر چه بیشتر مردم در فرایندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی،
۳. توجه به تبیین، تشریح و نهادینه کردن حقوق شهروندی،
۴. تقویت اعتماد و سرمایه اجتماعی،
۵. ارتقای کیفیت حکمرانی به عنوان اصلی‌ترین عامل ایجاد اعتماد در بین مردم،
۶. شفاف‌سازی عملکردهای دولت و سایر نهادها برای جلب اعتماد مردم،
۷. مقابله با آسیب‌های اجتماعی،
۸. ضرورت تقویت نهاد خانواده و ممانعت از تضعیف این نهاد و اثرگذاری منفی متغیرهای اجتماعی و اقتصادی بر عملکرد درست نهاد خانواده،
۹. باور به ضرورت افزایش مشارکت زنان در اداره همه امور جامعه،
۱۰. تعهد به ارتقای همه‌جانبه کیفیت زندگی ایرانیان به عنوان پیش‌شرط تقویت رضایت و اعتماد اجتماعی،
۱۱. به رسمیت شناختن تکثر قومی، زبانی، دینی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی جامعه ایران و ضرورت برقراری عدالت و رعایت حقوق همه شهروندان،
۱۲. به رسمیت شناختن و احترام نهادن به هر دو هویت ایرانی و اسلامی جامعه ایرانی،
۱۳. ضرورت ارتقای کیفیت حکمرانی و اصلاح عملکرد دولت به منظور افزایش ظرفیت‌های زندگی اخلاقی در جامعه ایرانی،
۱۴. تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی به صورت فردی و از طریق اصلاحاتی که شهروندان را مسئولیت‌پذیر می‌سازد.
۱۵. برنامه‌ریزی و تخصیص اعتبارات با هدف کاستن از تفاوت سطح استان‌ها در میزان توسعه انسانی،
۱۶. ضرورت بازنگری در ساختارهای و فرایندهای نظام آموزشی کشور،
۱۷. ضرورت بازنگری در ساختارها و فرایندهای نظام سلامت کشور،
۱۸. بالا بردن سهم آموزش و بهداشت از بودجه دولتی، در راستای عدالت و ارتقای کیفیت آموزش و بهداشت،
۱۹. ضرورت تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های مردمی،

دولت دوازدهم با اتکا به اصول فوق، در بخش اجتماعی بر چند برنامه اجتماعی مشخص به شرحی که در ادامه تشریح می‌شود متمرکز خواهد شد. این برنامه‌ها توسعه اجتماعی با تمرکز بر اهداف مشخص را دنبال می‌کنند.



۱-۲. برنامه‌های اجتماعی دولت دوازدهم

برنامه‌های اجتماعی اصلی دولت دوازدهم مشتمل بر چهار برنامه در بخش‌های آسیب‌های اجتماعی، بهداشت و درمان، توانمندسازی زنان و حمایت اجتماعی است.

۱-۱-۲. مدیریت آسیب‌های اجتماعی

میزان آسیب‌های اجتماعی به حد نگران‌کننده‌ای رسیده است و اهمیت آن به اندازه‌ای است که از پاییز سال ۱۳۹۴ مقام معظم رهبری شخصاً جلساتی را برای بررسی وضعیت آسیب‌های اجتماعی تشکیل داده و موضوع را پیگیری می‌کنند. تقسیم کار ملی در این زمینه انجام شده و شورای اجتماعی کشور نیز نقش هماهنگ‌کننده در زمینه مقابله با آسیب‌ها را بر عهده گرفته است.

مقابله با آسیب‌های اجتماعی نیازمند اقداماتی است که در گذشته با محوریت فعالیت‌های زیر انجام شده، اما نتایج مطلوب حاصل نشده است.

۱. آموزش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های مقابله با مشکلات و بحران‌ها، آموزش حقوق شهروندی و قانون‌مداری به همه اقشار جامعه علی‌الخصوص افراد در معرض آسیب،
 ۲. پیشگیری اولیه از بروز آسیب‌های اجتماعی از طریق اصلاح برنامه‌های آموزشی و پرورشی در بین دانش‌آموزان و دانشجویان، متناسب با آسیب‌های شایع موجود،
 ۳. تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی، بویژه تشکل‌های مردمی در سطح محله‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، محیط‌های کار و سایر اجتماع‌های محلی،
 ۴. اجرای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی و مقابله با مشکلات، با هدف پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی در مراکز آموزشی و تربیتی رسمی و عالی،
 ۵. توسعه و تقویت مراکز مداخله در بحران‌های فردی، خانودگی، اجتماعی (اوتانس‌های اجتماعی) با هدف حمایت و ارائه خدمات تخصصی و به موقع به افراد با مشکلاتی از قبیل کودک‌آزاری، همسرآزاری، اقدام به خودکشی، فرار از منزل، انحرافات اخلاقی، زنان آسیب‌دیده اجتماعی، زوجین متقاضی طلاق، افراد دارای اختلال هویت جنسی،
 ۶. تقویت و گسترش مراکز مداخلات خانواده درمانی به منظور کاهش طلاق،
 ۷. گسترش خدمات مددکاری اجتماعی و روانشناسی در مراکز نیروی انتظامی و قضایی، با هدف استفاده از نظرات این متخصصان در صدور احکام و تعیین نوع مجازات‌ها و ایجاد مصالحه بین شاکی و متشاکی بویژه در زمینه جرایم جوانان و نوجوانان،
 ۸. شناسایی مناطق و کانون‌های آسیب‌زا و انجام مداخلات اجتماعی، روانی،
 ۹. فراهم کردن زمینه پذیرش افراد آسیب‌دیده اجتماعی در خانواده و جامعه با هدف بازگشت آنها به زندگی مناسب و سالم از طریق اطلاع‌رسانی مناسب و تصویب قوانین مورد نیاز،
 ۱۰. همسویی و تقویت فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی جهت ساماندهی و توانمندسازی آسیب‌دیدگان اجتماعی،
 ۱۱. تقویت نقش وسایل ارتباط جمعی در زمینه پیشگیری از مشکلات، انحرافات و آسیب‌های روانی-اجتماعی،
- همه اقداماتی که در چارچوب ۱۱ محور فوق هستند در سه دهه گذشته کم‌وبیش به کار بسته شده‌اند، اما



آسیب‌های اجتماعی به دو علت باز هم افزایش یافته‌اند. اول، عوامل زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی نظیر عوامل اقتصادی، بیکاری و فقر چنان‌که در بخش برنامه‌های اقتصادی تشریح شد، اثر تشدیدکننده بر آسیب‌ها داشته‌اند. دوم، ایده‌ها و رویه‌های مدیریت آسیب‌های اجتماعی مشکل داشته و باعث کاهش کیفیت سیاست‌گذاری و اجرا در این بخش شده است. «برنامه مدیریت آسیب‌های اجتماعی» در دولت دوازدهم به صورت زیر دنبال خواهد شد.

۱-۱-۱-۲. برنامه مدیریت آسیب‌های اجتماعی

برنامه مدیریت آسیب‌های اجتماعی بر مبنای سه ایده اصلی شکل گرفته است:

۱. ایده کاهش آسیب‌های اجتماعی کفایت نمی‌کند. متمرکز شدن بر کاهش و جلوگیری از بروز آسیب‌ها به دلیل این‌که سطحی از آسیب‌ها همواره وجود خواهد داشت، کافی نیست و باید در کنار تلاش برای کاهش آسیب‌ها، حمایت اجتماعی از قربانیان آسیب‌های اجتماعی را مد نظر داشت.
۲. آسیب‌های اجتماعی را نمی‌توان فقط با سیاست‌گذاری و اقدام ملی رفع کرد، بلکه مداخله محلی لازم است و بنابراین بدون شکل جدیدی از سازماندهی رابطه بین ستاد ملی و استان‌ها مدیریت آسیب‌های اجتماعی ناممکن است.
۳. کاهش آسیب‌ها، مدیریت پی‌آمدهای آسیب‌ها، و عمل بر مبنای هم‌افزایی مؤثر سطح ملی و محلی، نیازمند اطلاعات دقیق است.

۱-۱-۱-۲. مقابله و حمایت اجتماعی توأمان

سطحی از جرم و آسیب‌های اجتماعی در جوامع طبیعی و غیرقابل ریشه‌کن کردن است. بنابراین نظام‌های اجتماعی و حکمرانی باید خود را برای مقابله و حمایت اجتماعی از قربانیان به صورت توأم آماده کنند. تأکید صرف بر مقابله با طلاق، انحرافات، اعتیاد و ... کفایت ندارد. مدیریت آسیب‌های اجتماعی باید معطوف به تقویت توانمندی برای حمایت ضربه‌خوردگان از آسیب‌های اجتماعی باشد. حمایت نکردن از قربانیان آسیب‌های اجتماعی باعث تقویت چرخه تولید آن می‌شود زیرا آسیب‌دیدگان - نظیر فرزندان معتادان، کودکان طلاق و زنان قربانی خشونت - در صورتی که حمایت نشوند، اولین کسانی هستند که زمینه مساعدی برای مبتلا شدن به آسیب در ایشان وجود دارد.

- حمایت از زنان و کودکان بازمانده از طلاق،
- خانواده‌های ضربه‌خورده از اعتیاد،
- قربانیان انحرافات جنسی و خشونت،
- حمایت بیشتر از حاشیه‌نشینان،

برنامه‌ها و فعالیت‌های مقابله با آسیب‌های اجتماعی تاکنون خود فرد آسیب‌دیده را مد نظر داشته‌اند و افراد وابسته با او که در معرض آسیب قرار می‌گیرند تحت پوشش و حمایت قرار نگرفته‌اند و حتی در قالب قوانین مرتبط با سوء‌پیشینه، از بازگشت به زندگی عادی خود آسیب‌دیدگان (نظیر معتادان) نیز جلوگیری شده است.

۱-۱-۱-۲. اجتناب از تقلیل‌گرایی

آسیب‌های اجتماعی علل متفاوتی دارند و برای مثال بازماندن از تحصیل که خود یکی از عوامل ایجاد آسیب اجتماعی نیز هست، تحت تأثیر عوامل متعدد پدید می‌آید و فقط معلول فقر والدین کودکان نیست. این بدان



معناست که هرگونه مقابله با آسیب‌های اجتماعی بر مبنای این فرض که چند علت اصلی محدود - عمدتاً اقتصادی - عامل بروز آسیب‌های اجتماعی هستند، به برنامه مدیریت نامناسب می‌انجامد. ضمن آن که علت‌های شناسایی شده برای آسیب‌ها می‌توانند در برنامه کاهش آسیب‌ها مؤثر واقع شوند اما الزاماً از این عوامل در طراحی برنامه‌های کنترل تأثیرات بر قربانیان آسیب‌های اجتماعی نمی‌توان استفاده کرد. بنابراین تأکید بر چند عامل و عدم توجه به سایر عوامل می‌تواند منشأ تقلیل‌گرایی خطرناکی باشد.

۳-۱-۱-۱-۲. تصمیم‌سازی محلی و پشتیبانی ملی

ایده‌ی تصمیم‌سازی محلی و پشتیبانی ملی بر برداشتی به شرح زیر از موانع تحقق مداخلات قبلی در آسیب‌های اجتماعی استوار است.

۱. اقدامات مقابله با آسیب‌ها تاکنون در سطح ملی و فرااستانی تهیه شده‌اند، لذا با مختصات و ویژگی‌های متفاوت آسیب‌ها در استان‌های مختلف و شرایط زمینه‌ای و روندهای خاص آن تناسبی ندارند.
۲. داده‌های موجود درباره آسیب‌ها به دلیل ضعف مفرط نظام تولید داده‌های اجتماعی در کشور، مداخله‌محور نبوده و قادر به نشان دادن مختصات و ویژگی‌های خاص محیطی آسیب‌های اجتماعی در استان‌های مختلف نیستند و نمی‌توانند در طراحی مداخلات محلی مؤثر واقع شوند. بر مبنای داده‌های موجود می‌توان تصویری کلی از آسیب‌ها داشت و مبنای مداخله نخواهند بود.
۳. منظر دستگاهی و نظام متمرکز مدیریت حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی موجب شده است که نقش، کنشگری، امکانات و دخالت سایر گروه‌های ذی‌مدخل در حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی مانند انجمن‌ها، رسانه‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نخبگان، خانواده‌های آسیب‌دیده و ... مورد غفلت قرار گیرد. این در حالی است که مداخله محلی به کمک سازمان‌های مردم‌نهاد که شناخت محلی از وضعیت در هر منطقه دارند، بیشتر امکان‌پذیر است.
۴. برنامه‌ها در مرکز و با نگاه ستادی تهیه می‌شود و صرفاً اقدامات و تکالیف دستگاهی آن ابلاغ می‌شود در نتیجه از منظر محلی همه آنچه انجام می‌شود اقداماتی است که از مرکز برای سطوح استانی و دستگاهی تکلیف شده و بدین ترتیب بین مسئولیت اجرا و مسئولیت تحقق نتیجه انفکاک ایجاد می‌شود.
۵. نظام پشتیبانی، پایش و کنترل اجرای مداخلات تعریف نشده و حتی زمانی نیز که تعریف شده است ستادی و در مرکز مستقر بوده و منظر دستگاهی و مدیریت بودجه داشته است و برنامه و فرایندهای اجرایی و نتایج و شیوه ارزیابی مد نظر قرار نگرفته است.
۶. به دلیل عدم ایفای نقش نهادها و دستگاه‌های سطح محلی در طراحی مداخلات، عملاً اشرافی به ضرورت و ارتباط بین اقدامات مختلف تعریف شده از سوی مرکز برای دستگاه‌های مختلف وجود ندارد و در نتیجه تأثیرات و تعاملات بلندمدت اقدامات تعریف شده و نیز ضرورت مدیریت ترتب و اولویت و ملاحظات آثار آن‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد.
۷. متناسب با روایی که تاکنون طی شده است، نظام جمع‌آوری داده‌ها و تولید اطلاعات برای مدیریت آسیب‌های اجتماعی نیز مداخله‌محور و متناسب با مقتضیات سطح محلی تدوین نشده است.



۴-۱-۱-۱-۲. الگوی سه مرحله‌ای

بر اساس بازخوانی فوق از وضعیت برنامه‌های مدیریت آسیب‌های اجتماعی، الگوی تصمیم‌سازی محلی و پشتیبانی ملی بر فرایند زیر در طراحی و اجرای مداخله در استان استوار است. این الگو می‌تواند نظام مدیریت آسیب‌های اجتماعی را تغییر دهد.

مرحله اول: طراحی نظام گردآوری اطلاعات مداخله‌محور در استان

۱. طراحی مداخله مطلوب در آسیب اجتماعی مستلزم آن است که در قلمرو اجتماعی به دقت انتخاب‌شده یک آسیب اجتماعی (استان)، اطلاعات کمی و کیفی دقیق، محلی و مداخله‌محور - که امکان مداخله مؤثر را فراهم کنند - با مشارکت همه گروه‌های ذینفع آسیب (نمایندگان دستگاه‌های مسئول، آسیب‌دیدگان، گروه‌های متأثر از افراد آسیب‌دیده، گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال و ...) مختلف گردآوری شود. اطلاعات باید در محورهای ۱) وضعیت موجود آسیب اجتماعی به استناد شاخص‌های دقیق و کمی، ۲) روندهای پیشین و کنونی حاکم بر آسیب اجتماعی، ۳) عوامل مؤلد و نظام قدرت، منافع و روابط مقوم و پایدارکننده آسیب اجتماعی و ۴) کیفیت مداخلات پیشین و تحلیل دقیق عوامل ناکامی آن‌ها گردآوری شود.

۲. کلیه داده‌ها و اطلاعاتی که فعلاً در دستگاه‌های مسئول تولید می‌شود (نظیر داده‌ها در مراکز مشاوره، بهزیستی، نیروی انتظامی، مراکز ترک اعتیاد، و ...) با رویکرد «تولید داده مداخله‌محور» تحلیل شود. این کار نیازمند استفاده از نیروی انسانی متخصص و ظرفیت علوم مرتبط با آسیب‌های اجتماعی است.

مرحله دوم: طراحی برنامه مداخله در استان

طراحی مداخله در آسیب اجتماعی مستلزم اجماع و ائتلاف گروه‌های ذینفع و ذی‌مدخل موضوع درباره روش مطلوب و مؤثر دخالت در وضعیت موجود در درون مرزهای اجتماعی تعیین شده آسیب یعنی استان است. این کار مستلزم آن است که از طریق بحث و گفتگو، بررسی‌های تطبیقی، نظرات متخصصین، استفاده از دانش و تجارب بومی فهرستی از رژیم‌های مداخله استخراج و از بین آن‌ها مناسب‌ترین رژیم مداخله انتخاب شود که در آن به روشنی رویکرد بنیادین، اهداف، روش‌ها، مسئولیت‌ها، لوازم اجرایی، زمانبندی و مرحله‌بندی فعالیت‌ها، روش ارزشیابی اقدامات تعریف شده در رژیم مداخله‌ی مورد توافق، تعیین شده است.

این بدان معناست که روش فعلی (تقسیم کار ملی) که در سطح ستادی مانده و بدون مشارکت سطح محلی تنظیم شده است، در نهایت به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

مرحله سوم: طراحی نظام اجرا، پایش و پیگیری در سطح استانی و ملی

اجرای درست مداخله‌ی طراحی‌شده نیازمند فعالیت منظم و پیگیر تیم راهبری، پایش و پشتیبانی مداخله مستقر در قلمرو اجتماعی آسیب است که از نمایندگان همه‌ی گروه‌های ذی‌مدخل و مؤثر آسیب تشکیل شده است و مسئولیت تصمیم‌گیری و تهیه گزارش‌های دوره‌ای از وضعیت اجرای برنامه، مشکلات اجرای آن و مدیریت آثار و عواقب اقدامات انجام‌گرفته را جهت ارائه به شهروندان برعهده دارد. بدین منظور تیمی در سطح استان متشکل از نمایندگان گروه‌های فعال در طراحی برنامه تشکیل شده و تلاش خواهند کرد لوازم اجرای مؤثر برنامه را از طریق تسهیل اقدامات و لجستیک مورد نیاز و ارتباط با ستاد وزارتخانه‌ها فراهم کنند. حداقل ملزومات عملکرد مؤثر این تیم عبارتند از:



۱. وجود اجماعی درباره اهداف مدیریت آسیب‌ها در استان
۲. داشتن نظامی برای ارزیابی و سنجش نتایج
۳. عملکرد مستمر بدون تحت تأثیر قرار گرفتن از تغییر مدیریت‌ها
۴. وارد شدن به گفت‌وگوی اجتماعی با مردم
۵. گفتمان‌سازی حول محور مدیریت آسیب‌های اجتماعی
۶. ارائه گزارش‌های عمومی و قابل نقد از سوی نخبگان محلی تا امکان بازخوردگیری فراهم شود.

۵-۱-۱-۱-۲. جمع‌بندی

مدیریت آسیب‌های اجتماعی در درون رویکرد و رویه‌های سازمانی فعلی نتیجه مطلوب نخواهد داشت. صرف انرژی و هزینه بیشتر در این چارچوب باعث بهبودهای مورد انتظار نمی‌شود. شورای اجتماعی کشور باید در چارچوب الگوی سه‌مرحله‌ای حرکت کرده و بر انجام اقدامات زیر متمرکز شود:

۱. شناسایی رویه‌ها و نواقص سازمانی، نقص داده‌ها، ارتباطات ناکافی و نادرست سطح ملی و محلی، و سایر مشخصات ساختاری نظام مدیریت آسیب‌های اجتماعی در کشور که باعث ناکارآمدی در مدیریت آسیب‌های اجتماعی شده است.
 ۲. مدیریت دانش موجود متخصصان، افراد، سازمان‌های دولتی، سازمان‌های مردمی و سایر ذینفعان که می‌تواند برای بهبود رویه‌های سازمانی به کار گرفته شود.
 ۳. تنظیم‌گری برای بهبود نظام ارزیابی اقدامات مدیریت آسیب‌های اجتماعی و تأثیرسنجی آن‌ها.
 ۴. تعیین استانداردهای کیفیت داده‌ها، اطلاعات، رویه‌ها و سایر سیاست‌ها و اقدامات در سطح ملی و محلی.
- مدیریت دانش در این وضعیت بسیار مهم است و می‌تواند راهی به سوی اثربخش شدن نظام مدیریت آسیب‌های اجتماعی در کشور باشد. این وظیفه باید در شورای اجتماعی کشور انجام شود و سایر دستگاه‌ها نیز در هماهنگی کامل، نسبت به اجرایی‌شدن الگوی سه‌مرحله‌ای اقدام کنند.

۲-۱-۲. برنامه سلامت، بهداشت و درمان

طرح تحول سلامت به عنوان یکی از دستاوردهای مهم دولت یازدهم از نظر ارتقای کیفیت و کاهش هزینه ارائه خدمات تأثیری غیر قابل انکار بر زندگی مردم و به ویژه گروه‌های کم درآمد داشته است. آنچه برای آینده این طرح اهمیت دارد، پایداری مالی در جهت استمرار تعهدات دولت به جامعه و مهار هزینه‌های آن در آینده برنامه‌های زیر را به اجرا درخواهد آورد:

۱. اجرای برنامه پزشک خانواده که سبب تعریف جایگاه شایسته برای پزشکان عمومی در نظام سلامت کشور، تقویت پیشگیری سطح اول که عمدتاً بر عهده پزشکان عمومی است، و کاهش هزینه‌های نظام سلامت می‌شود.
۲. سطح‌بندی کلیه خدمات تشخیصی و درمانی بر اساس نظام ارجاع مبتنی بر پزشک خانواده و اجازه تجویز این گونه خدمات بر اساس راهنماهای بالینی، طرح ژنریک و نظام دارویی ملی کشور. این کار با اولویت



خدمات درمانی‌ای که بیشترین هزینه را بر نظام سلامت تحمیل می‌کنند آغاز می‌شود.

۳. به‌کارگیری کامل پرونده الکترونیک سلامت و استفاده از آن برای رسیدگی به اسناد پزشکی و پرداخت هزینه آن‌ها به صورت الکترونیکی (برخط)،
۴. تدوین راهنماهای بالینی در زمانبندی مشخص (کمتر از یک سال) برای آن دسته تشخیص‌ها و درمان‌هایی که بیشترین هزینه را بر نظام درمان تحمیل می‌کنند، و سپس برای کلیه تشخیص‌ها و درمان‌ها و به تصویب آن‌ها در شورای عالی بیمه خدمات درمانی،
۵. تدوین آیین‌نامه‌های خرید راهبردی خدمات سلامت در شورای عالی بیمه خدمات درمانی به گونه‌ای که ضامن ارتقای نقش بیمه به ناظر و کنترل‌کننده هزینه سلامت، و نه فقط تأمین‌کننده مالی باشد.
۶. تدوین شیوه‌نامه بررسی و پرداخت اسناد توسط وزارت رفاه به نحوی که در آن نقش سازمان‌های بیمه‌گر در زمینه کنترل هزینه‌ها اعمال شود. این شیوه‌نامه در شورای عالی بیمه بررسی و تصویب شود و پس از آن ابلاغ می‌گردد.
۷. استانداردسازی کتاب ارزش نسبی خدمات پزشکی و تصویب شورای عالی بیمه خدمات درمانی به گونه‌ای که سیاست‌های کلی سلامت (ابلاغی مقام معظم رهبری) اجرایی گشته و در فاز اول، اختلاف تعرفه «جزء حرفه‌ای» میان بخش‌های دولتی و غیردولتی (اعم از خصوصی، عمومی غیردولتی، خیریه و ...) از میان برداشته شود. سهم سود عادلانه (و نه سود سرمایه) و استهلاک در تعرفه‌های مذکور معین و به ازای حجم خدمات خریداری شده توسط سازمان‌های بیمه‌گر از بخش دولتی، به عنوان یارانه دولت (که در حال حاضر به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر سازمان‌های دولتی پرداخت می‌شود) به سازمان‌های بیمه‌گر پرداخت شود تا در قالب قیمت‌های استاندارد (واقعی) میان مراکز درمانی دولتی بازتوزیع شود.
۸. حذف هم‌پوشانی‌های بیمه‌ای سازمان بیمه سلامت و سایر سازمان‌های بیمه‌گر.
۹. کاهش تقاضا برای بستری از طریق کاهش هزینه‌های سرپایی بیمه‌های پایه،
۱۰. کنترل هزینه‌های کاتاستروفیک (خانمان‌سوز) از طریق ثبت داروهای پرهزینه و حذف هزینه‌های OTC،
۱۱. انجام اصلاحات لازم برای ممانعت از انتقال بیمه‌های اجباری به بیمه‌های اختیاری،
۱۲. انجام آزمون‌های وسع و حذف افراد غیرنیازمند از پوشش بیمه سلامت رایگان به‌منظور هدفمند کردن هزینه‌های بهداشت و درمان،
۱۳. اجرای نظام ارجاع افراد نیازمند برای استفاده از خدمات بستری بیمه رایگان،
۱۴. استقرار کامل سامانه پرونده الکترونیک سلامت و مکانیزه نمودن فرایندهای درمان،
۱۵. الزام به تشکیل صندوق بیمه درمان در زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی به‌منظور شفاف‌سازی منابع درمان و هم‌چنین وارد کردن هزینه‌های مربوطه از محل ردیف‌های قانونی به بخش درمان،
۱۶. ارتقای جذابیت‌های نظام درمانی کشور برای توسعه «توریسم سلامت» و هماهنگ‌سازی تلاش‌های دستگاه‌های مسئول برای بالا بردن سطح درآمد نظام سلامت از این محل.



۳-۱-۲. برنامه توانمندسازی زنان و دختران در جامعه دوستدار خانواده

زنان که در حال حاضر نیمی از سرمایه اجتماعی و انسانی کشور را تشکیل می‌دهند، نقشی مؤثر در فرآیند توسعه پایدار کشور ایفا می‌کنند. همچنین استحکام نهاد خانواده که طبق مقدمه قانون اساسی واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسانی است، در افق سند چشم‌انداز از ویژگی‌های جامعه ایرانی در ۱۴۰۴ برشمرده شده است. در دهه اخیر راهبرد عمده مورد تأکید در سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه‌ای کشور «تقویت نهاد خانواده، جایگاه زن در آن و در عرصه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده زنان در خانواده و اجتماع» بوده است. با این همه در دهه چهارم انقلاب اسلامی و به رغم اجرای پنج برنامه توسعه‌ای و در نیمه راه اجرای سند چشم‌انداز بیست ساله نظام، حوزه زنان و خانواده نیز به تبعیت از توسعه نامتوازن حاکم بر کشور، از انواع عدم تعادل‌ها متأثر بوده و زنان در تمام جنبه‌های زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خود به وضوح آثار، تبعات و پیامدهای آن‌را درک و لمس می‌کنند.

از یک سو پیشرفت زنان در عرصه‌های مختلف مانند آموزش و بهداشت و مشارکت اقتصادی و سیاسی به یک میزان نبوده و از سوی دیگر نوعی عدم توازن در دسترسی زنان و مردان به فرصت‌ها و منابع به چشم می‌خورد و زنان بیشتر به فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی و مردان بیشتر و با تفاوت معناداری به فرصت‌ها و منابع اقتصادی و سیاسی دسترسی دارند.

با این نگاه نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زن و مرد، مدیریت‌ها، بازار کار و نیز کار و زندگی زنان نیازمند توازن و تعادلی جنسیتی است، وضعیتی که در آن مشارکت همه‌جانبه زنان و مردان در همه عرصه‌های توسعه کشور محقق شده، برخورداری زنان و مردان از امنیت فردی، خانوادگی و اجتماعی تضمین گشته و تشریک مساعی زنان و مردان در تحقق خانواده سالم و پایدار را برای جامعه ایران به ارمغان آورد و با حفظ کرامت، حرمت و عزت انسانی زنان و دختران در خانواده و جامعه احساس مؤثر بودن، کارآمدی، مسئولیت‌پذیری و تعلق خاطر آنان به کشور را تقویت کرد و زمینه‌های سرخوردگی، یأس، افسردگی و بیهوشی را بویژه در میان نسل جوان که در فرصت طلایی پنجره جمعیتی و در اوج آمادگی برای خدمت به کشور به سر می‌برند، به حداقل ممکن می‌رساند.

به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی و اجتماعی زنان در فرآیند توسعه پایدار و متوازن، تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی آنان در همه عرصه‌ها، برنامه توان‌افزایی همه زنان و دختران در جامعه دوستدار خانواده که مقدمات و ریل‌گذاری‌های لازم آن در دولت یازدهم و قانون برنامه ششم توسعه با لحاظ رویکرد عدالت جنسیتی فراهم شده است، ارائه می‌شود:

۱. بازتعریف نهادی و بازطراحی ساختار معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

- تصویب شرح وظایف مشخص برای دستگاه متولی امور زنان و خانواده در دولت

- تفکیک وظایف مرجع ملی زنان و خانواده با ساختارهای متناظر

- تقویت ساختار، منابع، اختیارات و جایگاه در پیگیری اجرای سیاست‌های کلی ابلاغی

۲. پایش مقایسه‌ای وضعیت زنان و خانواده

- تدوین و ابلاغ شاخص‌های پایش وضعیت زنان و خانواده (مطابق ماده ۱۰۱ قانون برنامه ششم توسعه)

- تدوین گزارش‌های رسمی سالانه ارزیابی وضعیت شاخص‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان و خانواده در ایران،

- پایش سالانه شاخص‌ها به تفکیک استان‌ها (از سال دوم)

۳. تدوین پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی و جنسیتی برای طرح‌های ملی

- مطالعه و تدوین گزارش آثار سیاست‌های کلان کشور بر وضعیت زنان و خانواده
- الزام دستگاه‌های دولتی به تدوین پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی و جنسیتی از منظر بهره‌مندی و آسیب‌پذیری زنان،

۴. تقویت کارکرد خانواده و جایگاه زن در آن

- پیگیری تحقق تقسیم کار ملی اجرای سیاست‌های کلی خانواده
- استقرار نظام جامع و کارآمد آمار و اطلاعات حوزه زنان و خانواده مبتنی بر شاخص‌های مؤثر و مرتبط
- بازپژوهی نظام حقوقی و قوانین و مقررات مرتبط با حقوق خانواده
- تصویب لایحه جامع تامین امنیت زنان در برابر خشونت و عملیاتی نمودن سند ملی امنیت زنان و کودکان در روابط اجتماعی (مطابق ماده ۵۴ منشور حقوق شهروندی)
- راه‌اندازی کلینیک‌های سلامت خانواده با بهره‌گیری از خدمات بهداشتی، پزشکی، حقوقی، روان‌شناسی، طب سالمندی و مشاوره
- ارتقای دانش حقوقی و مهارت‌های ارتباطی اعضای خانواده
- ارزش‌گذاری کارخانگی زنان و لحاظ کردن آن در حساب‌های ملی
- اجرای برنامه ملی توانمندسازی زنان در مدیریت مصرف منابع و انرژی، اصلاح الگوی مصرف و سبک زندگی و حفظ محیط‌زیست
- اجرای برنامه‌های ملی مداخله در فرآیند طلاق
- توسعه شمول بیمه‌های پایه به مشاوره‌های خانواده و کلیه خدمات سلامت‌محور
- اجرای برنامه ملی تاب‌آوری اجتماعی
- تصویب بسته جامع حمایتی زنان شاغل (با هدف توازن بین کار و زندگی)
- رفع مشکلات اجرایی و اعتباری قانون افزایش مرخصی زایمان
- رفع خلاهای اجرایی قانون کاهش ساعت کاری زنان شاغل دارای شرایط خاص

۵. اقدام به اصلاح نظام حقوقی و رویه‌های قضایی مرتبط با زنان و خانواده

- بررسی و ارزیابی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی قوانین موجود بر زنان و خانواده،
- تدوین و ارائه لوایح برای اصلاح و قوانین و رویه‌های قضایی مربوط به زنان و خانواده
- اصلاح مقررات، بخشنامه‌ها، دستورالعمل و آیین‌نامه‌های تبعیض‌آمیز در دستگاه‌های دولتی
- حمایت از راه‌اندازی کلینیک‌ها و مراکز معاضدت قضایی و خدمات مشاوره حقوقی



۶. ارتقاء سلامت و بهداشت زنان

- تمرکز بر پیشگیری از بیماری و کنترل و مدیریت عوامل تهدیدکننده سلامت زنان با تأکید بر عوامل شایع و فراگیر زنان بویژه در مناطق محروم
- ارائه خدمات پیشگیری اولیه و غربالگری بیماری‌ها و سرطان‌های شایع در زنان با پوشش بیمه خدمات درمانی
- پایش، نظارت و ارزشیابی مستمر سلامت زنان و خانواده
- اجرای برنامه‌های سلامت زنان با رویکرد ترویج خودمراقبتی
- اجرای برنامه ملی سلامت زنان در محیط کار و تدوین و اجرای قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با ایمن‌سازی محیط شغلی زنان
- ارتقای آگاهی‌های دختران نوجوان در مدارس نسبت به سلامت جنسی و مسائل دوران بلوغ و ارتقای آگاهی خانواده‌ها درباره خطرات ازدواج و بارداری زودرس دختران
- تهیه اطلس شیوع انواع آسیب‌های روانی و اجتماعی بین دانش‌آموزان دختر به تفکیک مناطق جغرافیایی
- توسعه و تقویت فعالیت‌های ورزشی کارکنان زن با تأکید بر ورزش همگانی و اجباری کردن ورزش در ساعت اداری
- ایجاد نظام جامع اطلاعات بهداشت و سلامت زنان
- برنامه‌ریزی و تخصیص منابع در پیشگیری با نگاه ویژه به گروه‌های در معرض خطر بالا
- ارائه خدمات درمانی سلامت روان زنان و دختران در مراکز درمانی دولتی تحت پوشش
- ارائه برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش، مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در مراحل مختلف زندگی زنان و در شرایط بیماری و فقر یا معلولیت (مطابق مواد ۳ و ۹۰ منشور حقوق شهروندی)
- توسعه فضاها و امکانات ورزشی، آموزشی و تفریحات سالم برای زنان و دختران (مطابق ماده ۸۹ منشور حقوق شهروندی)

۷. ارتقاء سطح و کیفیت آموزش (عدالت آموزشی)

- رصد وضعیت آموزش دختران واجب‌التعلیم و بازمانده از تحصیل (برنامه به صفر رساندن تعداد کودکان دختر بازمانده از تحصیل)
- توسعه کمی و کیفی و استانداردسازی مراکز آموزشی شبانه‌روزی دختران در مناطق محروم
- آموزش خانواده‌ها نسبت به ضرورت باسوادی دختران در مناطق دارای شکاف جنسیتی
- اصلاح و بازنگری قوانین به منظور تأمین آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه برای کلیه افراد لازم‌التعلیم، فاقد تابعیت، فاقد اوراق هویت و اسناد اقامتی.



۸. توانمندسازی اقتصادی و افزایش فرصت‌های شغلی زنان در بازار کار (تعادل جنسیتی در بازار کار)

- تصویب سند سیاستی - اجرایی اشتغال پایدار زنان با تأکید بر زنان سرپرست خانوار و دختران فارغ‌التحصیل در مناطق محروم
- حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و اشتغال مبتنی بر ICT فارغ‌التحصیلان دانشگاهی
- حمایت از تعاونی‌ها و صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی و عشایر
- استانداردسازی تولیدات زنان روستایی در جهت توسعه صادرات، تجاری‌سازی و اشتغال پایدار
- حمایت از بازاریابی تولیدات صنایع دستی زنان سرپرست خانوار
- حمایت از برگزاری نمایشگاه‌های عرضه تولیدات و تقویت زمینه‌های بازاریابی، بازرسانی و بازاریابی محصولات
- تقویت نظارت بر بخش خصوصی و حمایت از زنان شاغل در بخش غیررسمی
- توسعه و گسترش بازارچه‌های مرزی در مراکز عمده تجاری جهت عرضه فرآورده‌ها و تولیدات کوچک خانگی، صنایع دستی و تبدیلی زنان
- ارائه خدمات مشاوره شغلی و کارآفرینی به دانشجویان دختر و اجرای طرح‌های کارورزی خاص دختران جوان تحصیل کرده دانشگاهی
- فراهم آوردن فرصت‌های برابر در اشتغال رسمی و استخدام براساس شایستگی‌ها (مطابق ماده ۸۳ منشور حقوق شهروندی)
- برنامه ملی توسعه کارآفرینی سبز برای زنان و دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی

۹. افزایش سهم زنان از نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و توانمندسازی زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب

- اجرای طرح ملی توانمندسازی اقتصادی خانواده‌های زندانیان و زنان زندانی
- توسعه و تقویت مراکز بازپروری و توان‌بخشی زنان آسیب‌دیده
- توانمندسازی زنان و خانواده‌ها در سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده
- گسترش حمایت‌های اجتماعی از زنان معتاد و بهبودیافته
- حمایت از توسعه تشکلهای خیرین و بهره‌مندی از ظرفیت آنان جهت توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و زنان آسیب‌دیده
- تقویت و توسعه زمینه مهارت‌آموزی به منظور خودکفایی گروه‌های مختلف زنان با تأکید بر مناطق محروم، زنان آسیب‌پذیر و دارای معلولیت
- اجرای برنامه ملی اصلاح و بازاجتماعی نمودن زنان و کودکان بزهکار
- اجرای طرح جامع توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار



– اجرای هدفمند بیمه‌های فراگیر اجتماعی و چندلایه با تأکید بر زنان سرپرست خانوار، زنان و خانواده‌های آسیب‌دیده و نیازمند، زنان روستایی و عشایر و زنان خانه‌دار (تصویب آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۷ قانون برنامه پنجم توسعه)

۱۰. شایسته‌سالاری در مدیریت و اداره جامعه

– برگزاری دوره‌های آموزشی تربیت مدیران زن

– ارتقای جایگاه مدیریتی زنان و افزایش میزان مشارکت زنان در سطوح مدیریتی در برنامه جامع اصلاح نظام اداری کشور

– برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت‌افزایی ویژه مدیران و مشاوران امور زنان و خانواده دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی و ارتقای توان مدیریتی آنان

– بسط و گسترش زمینه‌های حضور مؤثر زنان دانش‌آموخته، نخبه و پژوهشگران در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه

– پیگیری تحقق ماده ۱۱ منشور حقوق شهروندی در برخورداری زنان از فرصت‌های اجتماعی برابر و مشارکت فعال و تاثیرگذار زنان در سیاست‌گذاری، قانونگذاری، مدیریت، اجرا و نظارت.

۴-۱-۲. پایدارسازی صندوق‌های بازنشستگی

مشکل ناپایداری مالی صندوق‌های بازنشستگی ماهیتی اقتصادی - اجتماعی دارد و ده‌ها میلیون نفر را در ایران تحت تأثیر قرار می‌دهد. اهمیت مسأله به اندازه‌ای است که در لایحه قانون برنامه ششم به عنوان یکی از سه مسأله کلیدی کشور مد نظر قرار گرفت. کسری شدید بودجه صندوق‌های بازنشستگی، ضرورت برنامه ریزی برای مدیریت منابع و ساماندهی این صندوق‌ها را بیش از پیش آشکار میکند. حساسیت بالای این موضوع که میتواند، نظام رفاهی و اجتماعی کشور را در سال‌های آینده به شدت متأثر کند، لزوم تدوین و اجرای برنامه‌های عملیاتی دقیق در این زمینه را اجتناب‌ناپذیر نموده است. برنامه پایدارسازی صندوق‌های بازنشستگی اهداف زیر را دنبال می‌کند.

– کاهش نسبت متوسط جایگزینی از ۸۳ درصد به ۸۰ درصد در کلیه صندوقها.

– جلوگیری از کاهش نسبت پشتیبانی کلیه صندوقها،

– کاهش متوسط نسبت مصارف به منابع در کلیه صندوقها

برنامه پایدارسازی صندوق‌های بازنشستگی توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به استناد ماده (۲۷) قانون برنامه پنجم توسعه اجرا می‌شود. این برنامه شامل اقدامات زیر است.

۱. تعمیق تعهدات و جامعیت بخشیدن به خدمات نظام تامین اجتماعی

۲. تقویت و پایدارسازی منابع مالی بیمه‌های پایه

۳. یکسان‌سازی شرایط بازنشستگی در صندوق‌های بازنشستگی

۴. بازنگاری در شرایط مستمری بازماندگان و یکسان‌سازی آنها در صندوق‌های بازنشستگی



۵. اصلاح و تقویت روش‌های وصول حق بیمه و تداوم تأمین منابع مالی سازمان‌های بیمه‌گر
 ۶. تأدیه به موقع دیون و تعهدات قانونی دولت به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر
 ۷. بررسی و ارزیابی راهکار به منظور برقراری عدالت در نظام پرداخت و متناسب‌سازی مستمری‌ها از طریق نظام‌مندسازی و فرموله کردن تعدیل مستمری‌ها در صندوق‌ها
 ۸. اعمال اصلاحات ترکیبی همزمان (پارامتریک، ساختاری، فنی و اجرایی و سیستمی در سطوح مکمل) در نظام بیمه اجتماعی و بازنشستگی
 ۹. سطح‌بندی بیمه‌های اجتماعی در سه سطح پایه، مازاد و مکمل در چارچوب استقرار «نظام جامع تأمین اجتماعی چند لایه» در جهت پوشش کامل جمعیت کشور
 ۱۰. گسترش پوشش بیمه اجتماعی به اقشار مختلف جامعه مانند خویش‌فرمایان، شاغلان پاره‌وقت و فصلی، زنان خانهدار و ...، با اجرای طرح «بیمه اجتماعی فراگیر» برای پوشش بیمه‌ای افرادی که مشمول بیمه‌های اجباری نیستند در سطح پایه و همگانی پایه
 ۱۱. اصلاح مقررات بیمه‌ای در مورد «کارگران واحدهای کوچک صنفی» متناسب با مقتضیات شغلی و درآمدی آنان
 ۱۲. تسهیل در مقررات تأمین اجتماعی در جهت کاهش فشارهای بوروکراتیک بر کارفرمایان و بنگاه‌های تولیدی
 ۱۳. طراحی سازوکارهای الزام‌آور برای استمرار پوشش بیمه‌ای و پرداخت حق بیمه
 ۱۴. تدوین بسته سیاستی بیمه‌های اجتماعی
- زیرساخت‌های لازم برای اجرای این برنامه طی چهار سال گذشته فراهم شده است. این زیرساخت‌ها در قالب قوانین و مصوبات در مجلس و دولت، زمینه اصلاحات بنیادین در صندوق‌ها را فراهم می‌کنند.
۱. بند (ت) ماده (۲) و ماده (۳) احکام دائمی قانون برنامه ششم توسعه
 ۲. بندهای ۴۰ تا ۴۳ سیاست کلی برنامه ششم توسعه
 ۳. تصویب سطح بیمه فراگیر در لایه بیمه اجتماعی در کمیسیون اصلی اجتماعی دولت.

۳. حوزه فرهنگی

بخش فرهنگ از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است و هنوز از پرمناقشه‌ترین عرصه‌های سیاستی است. دولت یازدهم گام‌های مهمی در زمینه کاهش رویکردهای امنیتی به عرصه فرهنگ، تقویت اقتصاد فرهنگ و افزایش مشارکت جامعه فرهنگ و هنر کشور در تصمیم‌سازی‌ها برداشته است. دولت دوازدهم بر مبنای اصولی که در ادامه تشریح می‌شود، چند برنامه مشخص در عرصه فرهنگ را اجرا خواهد کرد.

۱-۳. اصول سیاست و برنامه‌های فرهنگی دولت دوازدهم

برنامه‌های فرهنگی دولت دوازدهم از اصول زیر پیروی خواهد کرد:

- واگذاری اغلب تصدی‌های اجرایی بخش فرهنگ به بخش‌های غیردولتی،
- حذف قوانین و مقررات زائد و ایجاد محیط قانونی تسهیل‌گر،
- اصلاح و گسترش آموزش‌های فرهنگی و هنری رسمی و غیررسمی،
- توسعه فضاهای فرهنگی متناسب با نیازمندی‌های کشور،
- انجام پژوهش‌های بنیادی و کاربردی برای بهبود سیاست‌گذاری فرهنگی،
- توسعه صنایع خلاقه و فرهنگی و تقویت اقتصاد فرهنگ،
- ارائه تسهیلات قانونی، مالی و اعتباری برای تولید، توزیع و صادرات محصولات فرهنگی،
- حمایت از گسترش بنگاه‌های اقتصادی در بخش فرهنگ،
- کاهش عوارض بازرگانی از واردات تجهیزات و مواد اولیه مورد نیاز بخش فرهنگ،
- حذف مالیات از تولیدات فرهنگی،
- حمایت از تأسیس و فعالیت مؤسسات خصوصی فرهنگی و هنری،
- افزایش مشارکت صنوف و تشکل‌های فرهنگی در سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری،



۳-۱-۶. برنامه‌های فرهنگی

برنامه‌های فرهنگی پیشنهادی برای دولت دوازدهم، مبتنی بر اصول تشریح‌شده، به شرح زیر خواهد بود.

۳-۱-۶-۱. مردمی کردن فرهنگ و هنر

سایه قدرت سیاسی بر سر هنرهای مختلف سنگینی می‌کند. تئاتر، سینما و هنرهای تجسمی در صورتی خلاق خواهند بود که هنر سفارشی، گلخانه‌ای و هنر دولت‌ساخته نباشند. هنرمندان مستقل قربانی اصلی هنر تحت فشار قدرت سیاسی هستند. هنر دولت‌ساخته بی‌اعتنا به خواست و اراده مردم است و همه امور اصلی هنر و هنرمند در دست دولت و دولتمردان قرار دارد.

دولت یازدهم تلاش کرد تا سایه دولت بر هنر و فرهنگ را سبک سازد، و برنامه دولت دوازدهم نیز آشتی مردم با هنر و هنرمندان با مردم خواهد بود. رونق بازار کسب‌وکار هنرهای تجسمی و بویژه سینما در دوره نخست دولت تدبیر و امید، آشتی مردم با رشته‌های مختلفی را موجب شده است. این حرکت پرشتاب در دولت دوازدهم ادامه داده می‌شود. دخالت دولت در عرصه فرهنگ و هنر دخالتی حداقلی ولی حمایت‌گرانه خواهد بود تا ضمن کمک به رونق اقتصاد پویای فرهنگ و هنر، بخش‌های غیرتجاری حوزه فرهنگ و هنر که باید با حمایت دولتی از آن‌ها صیانت شود، آسیب نینند.

۳-۱-۶-۲. تمرکززدایی فرهنگی و سهیم کردن مقامات محلی در اداره امور فرهنگی

نظام اداری ایران تمرکزگرا و دولت‌محور است. واگذاری اختیارات اندک به استانداران در دولت گذشته که به نام تمرکز زدایی انجام شد، تنها فرآیندی ناقص برای تراکم‌زدایی (واگذاری اختیارات دولت از تهران به نمایندگان خود دولت در استان‌ها) بوده است. تمرکززدایی فرآیندی است که به موجب آن دولت اختیارات خود را داوطلبانه به نهادهای عمومی غیردولتی و اصناف و بخش خصوصی واگذار می‌کند. زمینه واگذاری اختیارات و تمرکززدایی در دولت یازدهم تا حدودی ایجاد شده است و دولت دوازدهم این برنامه را با شتاب بیشتر ادامه خواهد داد. تمرکززدایی، عدالت فرهنگی را هم در پی خواهد داشت. شعار اصلی این فرآیند آن است که «ایران تنها تهران نیست.»

۳-۱-۶-۳. حمایت از خلاقیت‌ها و آفرینش‌های هنری در رشته‌های مختلف

رابطه دولت و هنر در دولت دوازدهم به جای حمایت ناعادلانه، گزینشی و تبعیض‌آمیز و دولتی کردن هنر، هوشمندانه و به منظور ایجاد زمینه‌های لازم برای خلاقیت و نوآوری در رشته‌های مختلف خواهد بود.

۳-۱-۶-۴. تقویت آموزش‌های هنری و کتابخوانی

دولت دوازدهم با عنایت به نقشی که توسعه هنر می‌تواند در افزایش سلامت اجتماعی، خلاقیت، ارتقای معنویت و فرهیختگی جامعه داشته باشد، از تقویت آموزش‌های هنری و کتابخوانی حمایت می‌کند. آموزش تضمین‌کننده آینده فرهنگی و هنری کشور است.

۳-۱-۶-۵. حمایت از هنرمندان و نام‌آوران عرصه فرهنگ

هنرمندان علی‌رغم ارائه خدمات اجتماعی گسترده کماکان از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند و به دلیل ضعف‌های اقتصاد فرهنگ، به مشکلات اقتصادی و معیشتی دچار هستند و لازم است از ایشان حمایت شود.

۳-۱-۶-۶. ارائه لایحه قانون خط مشی، نحوه اداره و نظارت بر سازمان صدا و سیما

با توجه به گذشت بیش از بیست و دو سال از آخرین تغییرات در ساختار حقوقی نحوه اداره صدا و سیما، و بروز آسیب‌های متعدد و کلان در نحوه اداره سازمان صدا و سیما از جمله، تمرکز وظایف و اختیارات متعارض اجرایی و نظارتی در سازمان، نبود حدود محتوایی روشن برای برنامه‌ها، خلط کارویژه‌های رادیو و تلویزیون‌های عمومی



و تجاری، ابهام در پاسخگویی سازمان و ناکارآمدی شورای نظارت، بلااجرا ماندن برخی وظایف نظارتی شورای سرپرستی و بروز مستمر مسایل و معضلات مرتبط با طولانی شدن روند تعیین تکلیف قطعی وظایف واگذار شده - که ارائه طرح‌های قانونی متعدد، از جمله، ارائه چهار طرح قانونی به مجلس شورای اسلامی در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، مؤید وجود این مسایل و معضلات است - رفع این خلاء قانونی و پاسخ به این مسایل معضلات امری اجتناب‌ناپذیر است.

دولت دوازدهم لایحه «قانون خط مشی، نحوه اداره و نظارت بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران» را به مجلس ارائه و با تمام توان برای تصویب آن تلاش خواهد کرد. این لایحه با بررسی همه‌جانبه و آسیب‌شناسی وضع موجود، و همچنین با توجه به تحولات راهبردی، فناورانه، مدیریتی، سازمانی و ایجاد فضای رقابتی در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای در حوزه اداره رادیو و تلویزیون، تهیه شده است.

این لایحه با توجه به تصریح اصل ۱۷۵ قانون اساسی به اینکه «خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند» هر سه حوزه مذکور را مورد توجه قرار داده است و عنوان آن نیز با توجه به این تصریح قانونی انتخاب شده است. ترسیم خط مشی متناسب با شرایط و نیازهای روز برای سازمان، ارائه راهکارهایی برای حل مشکل تمرکز در سیاست‌گذاری، مدیریت و اجرا و نظارت بر سازمان، رفع انحصار و تک‌صدایی در حوزه پخش‌های رادیو تلویزیونی، رفع خلاء قواعد ناظر بر حدود محتوایی برنامه‌ها، تفکیک بین کارویژه‌های عمومی و تجاری سازمان، پیش‌بینی سازکاری برای تنظیم مقررات انواع پخش‌های رادیو و تلویزیونی، رفع ابهام از نحوه تأمین بودجه و منابع مالی سازمان، رفع ابهام از وظایف و اختیارات شورای نظارت و نهایتاً از پاسخگویی سازمان از مهم‌ترین ویژگی‌های این لایحه است.

۴. حوزه سیاست داخلی

توسعه همه‌جانبه ایران نیازمند توجه هم‌زمان به عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. مشکلات مردم در ابعاد اقتصادی اگرچه سبب شده که محورهای نظیر بیکاری، تورم، هزینه مسکن و درآمدهای ناکافی در صدر اولویت‌های شهروندان قرار گیرد، اما در نگاهی پیچیده‌تر، بخش مهمی از مشکلات اقتصادی برآمده از مسائل سیاسی و عدم حاکمیت قانون در کشور است. مشکلات دیگری نظیر فساد و نارضایتی‌های اجتماعی نیز از نقصان‌های سیاسی و مرتبط با حقوق و آزادی‌های سیاسی شهروندان ناشی می‌شوند. توجه دولت یازدهم به مسائل سیاسی و برنامه ارائه‌شده برای دولت دوازدهم، معطوف به شناخت اهمیت فی‌نفسه عرصه سیاسی و تأثیر عرصه سیاست بر سایر مسائل و بالأخص اقتصاد است. دولت دوازدهم با آگاهی بر تأثیرگذاری عرصه سیاسی بر هر عملکرد دیگر دولت، در سیاست داخلی برنامه‌های خود را با برنامه‌هایی که در ادامه تشریح می‌شود زیر دنبال خواهد کرد.

۱-۴. برنامه سیاست داخلی دولت دوازدهم

۱-۱-۴. اجرای منشور حقوق شهروندی

«منشور حقوق شهروندی» در دولت یازدهم تدوین و ارائه شده است و اکنون زمینه‌های لازم برای اجرای آن فراهم‌تر از گذشته است. اجرای منشور نیازمند تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی، اجرای تکالیف دستگاه‌های دولتی در قبال هر بند منشور، و رایزنی و جلب مشارکت سایر قوا و دستگاه‌های حاکمیت است. پیشرفت در اجرای منشور حقوق شهروندی، مردم ایران را به حقوق خود از جمله حق حیات، تعیین سرنوشت، آزادی بیان و اجتماعات، مالکیت، رشد و سعادت، ایستادگی در برابر ستم و حریم خصوصی و سایر حقوق تصریح‌شده در قانون اساسی نزدیک‌تر می‌کند. توسعه و رفاه بیشتر برای ایرانیان نیز منوط به اجرای حقوق شهروندی ایشان است. در همین راستا لایحه «تشکیل نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی» با هماهنگی نهادهای مسئول تهیه شده و تقدیم مجلس خواهد شد.

۲-۱-۴. اجرای قانون انتشار و دسترسی آزادانه به اطلاعات

«قانون انتشار و دسترسی آزادانه به اطلاعات» یکی از مهم‌ترین قوانین برای شفاف‌سازی امور اداره کشور و مبارزه با فساد است. اجرای این قانون نظارت مردم بر دولت و سایر قوای کشور را افزایش می‌دهد و شفافیت ناشی از آن، عاملی برای مقابله با ضایع شدن حقوق مردم است. کشور باید شفاف اداره شود و تدوین و ابلاغ آیین‌نامه اجرایی این قانون در دولت یازدهم، زمینه را برای اجرای آن فراهم کرده است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متولی اجرای این قانون است و در دولت دوازدهم تلاش می‌شود با اجرای این قانون، بالأخص با توجه به ظرفیت‌هایی که در زمینه توسعه امور فضای مجازی و دسترسی مردم به اطلاعات از طریق ابزارهای اینترنتی ایجاد شده است، این قانون اجرا شود.

۳-۱-۴. تدوین و اجرای قوانین شفافیت همه‌جانبه

بخش مهمی از مشکلات کشور و بالأخص فساد و ناکارآمدی در انجام امور، نتیجه فقدان شفافیت در رویه‌های اقتصادی و اداری است. رویه‌های غیرشفاف انجام امور اقتصادی، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، آشکار نبودن نظام تصمیم‌گیری برای مردم، مخفی‌کاری در طراحی و انعقاد قراردادها، نبودن شفافیت در نظام بانکی، شفاف نبودن عملکرد شرکت‌های دولتی و بالأخص آن دسته شرکت‌ها که به مالکیت دستگاه‌های عمومی غیردولتی درآمده‌اند، ابهام در عملکرد مالی سازمان‌های عمومی غیردولتی (نظیر شهرداری‌ها)، و بسیاری از عدم شفافیت‌های دیگر منشأ فساد و ناکارآمدی در کشور است. مجموعه‌ای از لوایح درباره شفاف‌سازی عملکرد دولت، سازمان‌های عمومی غیردولتی و بخش خصوصی در دست تدوین است که در دولت دوازدهم نسبت به نهایی کردن آن‌ها و ارسال به مجلس در سال اول دولت دوازدهم اقدام خواهد شد.

۴-۱-۴. تداوم تلاش برای تحقق حقوق ملت در قانون اساسی

دولت دوازدهم در ادامه اقدامات اجراشده در دولت یازدهم برای تحقق حقوق ملت، و در چارچوب تلاش برای تحقق شعار «آزادی و امنیت» که سرلوحه اقدامات دولت خواهد بود، کماکان به مانند دولت یازدهم، محورهای زیر را در دستور کار برنامه سیاسی خود خواهد داشت:

- گسترش و تقویت بیشتر نهادهای مدنی مردمی به عنوان بازوی توسعه سیاسی و جلب مشارکت مردم در اداره کشور،
- احترام به حقوق و آزادی‌های قانونی (آزادی اندیشه، بیان، نشر، فکر و قلم...) در سایه اجرای منشور حقوق شهروندی،
- تقویت و گسترش بیشتر احزاب سیاسی و نظام‌مند کردن فعالیت سیاسی در کشور،
- تمرکززدایی و واگذاری امور تصدی دولت در سطح ملی به استان‌ها و در سطح استان‌ها به شهرستان‌ها و تقویت شوراهای شهر و روستا،
- به رسمیت شناختن کلیه نگرش‌های فکری و سیاسی و حمایت از آنان در چارچوب قانون اساسی،
- احترام به حوزه خصوصی زندگی شهروندان و عدم مداخله دولت در امور فردی و خصوصی مردم،
- نهادمندکردن تجمع‌ها و تظاهرات قانونی برای بیان اعتراضات و دیدگاه‌ها توسط احزاب، نهادهای صنفی و آحاد ملت،
- تقویت هویت، همبستگی و انسجام ملی میان کلیه اقوام ایرانی از طریق توزیع عادلانه ثروت، قدرت و منزلت،
- رعایت اصل شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی و توزیع برابر فرصت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی اداری و ... بدون هرگونه تبعیض،
- تقویت نهادهای نظارتی برای پیگیری، کنترل و مقابله با فسادهای اداری و سازمانی،
- اجرای بدون تاخیر قانون بر زمین مانده آزادی اطلاعات،
- حمایت همه‌جانبه از رسانه‌های عمومی و خصوصی،
- افزایش کارآمدی و پاسخگویی دولت و دولتمردان در کلیه عرصه‌ها به منظور تسهیل در مطالبات مردم،



- رعایت ملاحظات امنیت ملی، جمعیت‌شناختی، انسجام، یکپارچگی و وفاق ملی در تقسیمات کشوری،
- اعتقاد و تأکید اساسی به دو وجه جمهوری و اسلامیت نظام بعنوان مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی،
- نظام‌مند نمودن معیارها و شیوه‌های ارتقا و عزل و نصب مدیران بر پایه شایستگی، تعهد، تخصص، تجربه و توان مدیریتی،
- ایجاد بستر مناسب برای حضور برابر و مؤثر زنان در عرصه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری،
- تقویت دولت الکترونیک برای مقابله با فساد و نارسایی‌های اداری،
- ایجاد نظام مشورتی نظام‌مند در کلیه سطوح مدیریتی به منظور استفاده از همه تجارب و توان نخبگان، جوانان و زنان،
- ضابطه‌مند کردن نظارت مستمر بر عملکرد کارکنان و مدیران دستگاه‌های اداری و اجرایی و مقابله جدی با پدیده کم‌کاری و سهل‌انگاری در انجام وظایف،
- نظام‌مند کردن نظارت بر دستگاه‌های اداری و پاسخگویی به انتقادات، شکایات و تظلمات عمومی.

۵-۱-۴. توسعه مشارکت سیاسی

- دولت دوازدهم متعهد می‌شود در راستای شعار «آزادی و امنیت» برای ارتقای مشارکت سیاسی در جامعه ایران گام برداشته و نسبت به اجرایی‌شدن محورهای زیر اهتمام داشته باشد.
- تقویت و توسعه تشکلیابی سیاسی بالأخص در قالب اهتمام به فراهم آوردن زمینه‌های تحزب،
 - تداوم بخشیدن به رویکرد امنیتی‌زدایی از فضای سیاسی و احترام نهادن به همه سلائیق سیاسی متعهد به چارچوب‌های حقوقی و قانونی،
 - گسترش نظم و امنیت عمومی آحاد جامعه استوار بر آزادی‌های اجتماعی و فردی،
 - حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی،
 - مقابله با همه صورت‌های خشونت و افراطی‌گری.

۶-۱-۴. تقویت اعتماد عمومی

- اعتماد مردم به نهادهای حاکمیت سیاسی بزرگ‌ترین سرمایه برای توسعه کشور و ارتقای کیفیت زندگی ایرانیان است. اصلاحات اقتصادی که از بنیادی‌ترین ضروریات جامعه ایران است در سایه تقویت اعتماد عمومی و ارتقای سطح سرمایه اجتماعی امکان‌پذیر است. ارتقای اعتماد و سرمایه اجتماعی نیز بیش از هر چیز تحت تأثیر افزایش کیفیت حکمرانی است. دولت دوازدهم بر همین مبنا، خود را متعهد می‌داند نسبت به انجام موارد زیر اهتمام ورزد.
- اصلاح نظام اداری به نحوی که سبب افزایش کارآمدی عملکرد دولت گردد،
 - ارتقای کیفیت سیاست‌پژوهی و سیاست‌گذاری در دولت،
 - افزایش شفافیت در فرایندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در دولت،

- افزایش نقش نهادهای مدنی (تشکل‌های صنفی، انجمن‌های علمی، و سایر سازمان‌های مدنی تخصصی) در سیاست‌پژوهی و سیاست‌گذاری‌های دولت،
- تقویت نقش نهادهای تنظیم‌گر در سیاست‌گذاری عمومی،
- توسعه مشارکت متخصصان کشور در سیاست‌پژوهی و سیاست‌گذاری فراتر از تهران با محوریت دانشگاه‌ها و مراکز تخصصی کل کشور،
- تدوین و اجرای قوانین توسعه و تعمیق شفافیت در نظام اداری و اجرایی کشور.

۷-۱-۴. افزایش مشارکت اقوام و اقلیت‌ها

دولت دوازدهم همه اقوام ایرانی و اقلیت‌های دینی و مذهبی کشور را سرمایه و بخشی از تنوع فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران تلقی کرده و خود را متعهد می‌داند با تلاش برای تحقق حقوق مصرح ایشان در قانون اساسی، انسجام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایرانی را تقویت کند. این هدف با دنبال کردن محورهای زیر اجرایی خواهد شد.

- احترام گذاردن به اقوام ایرانی و تنوع مذهبی و دینی کشور،
- اجرایی نمودن اصول قانون اساسی در ارتباط با حقوق اقوام،
- تأکید بر توسعه پایدار و اشتغال فراگیر ضدفقر در مناطق قومی کم‌برخوردار و بازتوزیع ثروت ملی با سیاست‌های اقتصادی مولد،
- به‌کارگیری نیروهای سیاسی و اجتماعی برآمده از متن اقوام و مذاهب در سمت‌های سیاسی و اجرایی.

۸-۱-۴. ارتقای شفافیت و مبارزه با فساد

فساد به عارضه نظام اداری و اقتصادی کشور تبدیل شده و ضمن بالا بردن سطح ناکارآمدی، تأثیرات مخربی بر توان اقتصادی، رقابت‌پذیری و فضای کسب و کار، سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی گذاشته است. دولت دوازدهم خود را متعهد می‌داند از طریق سازوکارهای زیر با فساد مبارزه کند.

- اجرای قوانین موجود در زمینه مبارزه با فساد و اصلاح آن‌ها در صورت نیاز،
- ارتقای کیفیت حکمرانی از طریق به‌کارگیری تکنیک‌های بهبود کیفیت نظام اداری،
- کاهش تصدی دولت در اقتصاد و حرکت به سمت دولت توسعه‌گرا،
- ارتقای سطح شفافیت در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دولتی،
- اجرایی کردن طرح سنجش ملی فساد به‌منظور ارزیابی فساد در دستگاه‌های مختلف، سازوکارهای ایجاد فساد، و سنجش اثربخشی راهکارهای ضدفساد بر سلامت نظام اداری و اقتصادی،
- اجرای قانون انتشار و دسترسی آزادانه به اطلاعات،
- ارتقای استانداردهای عملکرد نظام بانکی در زمینه مقابله با پولشویی، و اجرای قانون مبارزه با پولشویی،
- استفاده از ظرفیت‌های دولت الکترونیک برای افزایش شفافیت و مبارزه با فساد،



-
- تدوین قوانین و به‌کارگیری ابزارهای لازم برای افزایش نظارت عمومی بر عملکرد دولت و سایر دستگاه‌های حاکمیتی، از جمله استفاده از ظرفیت رسانه‌های آزاد،
 - اصلاح حاکمیت شرکتی در سطح شرکت‌های دولتی و ارتقای شفافیت در عملکرد مالی آن‌ها،
 - واگذاری امور به گروه‌های مدنی به نحوی که از شدت رانت‌های اطلاعاتی و مالی کاسته شود و جامعه مدنی بخشی از نظام خودتنظیم مبارزه با فساد باشد،
 - استفاده حداکثر از ظرفیت فضای مجازی برای شفاف‌سازی درباره عملکرد دولت.

۵. حوزه سیاست خارجی

سیاست خارجی به دلیل جایگاه ویژه‌ای که پرونده هسته‌ای در سلسله‌مراتب اولویت‌های کشور داشت در کانون توجه دولت یازدهم قرار گرفت و خوشبختانه ترکیب ایستادگی و مقاومت ملت، سیاست حکیمانه «نرمش قهرمانانه» که مقام معظم رهبری توصیه فرمودند، استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک وزارت امور خارجه و تکیه بر توانمندی‌های داخلی سبب استیفای حقوق هسته‌ای ایران و موفقیت در سیاست خارجی در قالب برجام شد. سیاست خارجی اما کماکان در میان مسائل کشور دارای اولویت است. دولت دوازدهم تلاش می‌کند با اتکا به برنامه‌هایی که در ادامه تشریح شده است، امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را در عرصه بین‌المللی صیانت کرده و در تحقق توسعه همه‌جانبه کشور مشارکت جوید.

۱-۵. اهداف و چشم‌انداز

دولت دوازدهم تحت رهبری داهیانه رهبری معظم انقلاب اسلامی، شایستگی و توان آن را دارد که سیاست خارجی خود را در راستای ایران آینده و انقلاب و نظام تکامل‌یافته سوق دهد و مسائل پیش‌گفته را با بسیج اراده و وحدت ملی پشت سر بگذارد. در این رهگذر، اهداف و چشم‌انداز ترسیم‌شده در بندهای ذیل دنبال خواهد شد.

۱. تأمین و تداوم دستاوردهای سیاست خارجی مستلزم آغاز دورانی تازه از «تنظیم سازنده روابط بین‌الملل، ارتقای جایگاه کشور و حضور مؤثر در منطقه و جهان» است و این مهم به‌ویژه در بعد منطقه‌ای باید متکی بر مفاهیم «مسئولیت‌پذیری عقلانی، هشیاری عزت‌افزا و پیشگامی دلیرانه» پیگیری شود. جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق مسئولیت‌های ناشی از رویکرد و «سیاست نوین دوران تکامل و فرهیختگی» خود، با تکیه بر آرمان‌های انسانی و اسلامی انقلاب و در نظر گرفتن منافع ملی، بیش از هر زمان دیگر در برابر سرنوشت مشترک انسانی در منطقه و جهان احساس مسئولیت می‌کند و می‌خواهد پیشگام در جهت ارتقای جایگاه و شاخص‌های منطقه و پیشتاز تلاش برای حل‌وفصل بحران‌ها و نزاع‌ها در سطح منطقه باشد. چنین جایگاه و موقعیتی برآمده از ارزش‌های انقلاب اسلامی و اصول مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و متناسب با شأن و جایگاه والای مردم شریف ایران است.

۲. انسجام و وحدت ملی، تحت رهنمودهای مقام معظم رهبری، در توفیق برجام متبلور شد و زمینه‌ها و بسترهای فراهم‌شده برای ترویج ایران هراسی و منزوی کردن را ناکام و انقلاب و نظام را به‌خوبی به مرحله رشد و تکامل بدرقه کرد. در این مرحله تازه که در آغاز راه پرفرازونشیب آن هستیم، باید شاهد ارتقای جایگاه و تصویر جهانی و منطقه‌ای ایران و تأثیرگذاری مثبت و از سر مسئولیت‌پذیری و تعهد در رابطه با بهبود شرایط و ایجاد ثبات در منطقه باشیم. از این‌رو، ضمن پاسداشت دستاوردهای نظام و ایستادگی بر سر منافع ملی در برابر تهدیدها، هشیارانه به فرصت‌های پیش رو توجه داریم و برای بهره‌برداری متناسب از آن‌ها، سطح روابط با همسایگان و کشورهای منطقه و جهان را ارتقا دهیم و برای رشد جایگاه دیپلماتیک، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران تلاش مجدانه کنیم؛ و با تدوین برنامه‌های پیشنهادی فعالانه در جهت



اعتمادسازی متقابل در منطقه، افزایش سطح همکاری‌های اقتصادی، دستیابی به سازوکارهای همکاری‌های راهبردی امنیتی منطقه‌ای امنیتی، حل‌وفصل نزاع‌های فرساینده و به‌ویژه تلاش برای ایجاد استقرار و امنیت در کشورهای هم‌پیمان همچون سوریه و عراق حرکت خواهیم کرد.

۳. یکی از مهم‌ترین اهداف جمهوری اسلامی ایران در دوران گذار جهانی، جلوگیری از سلطه انحصاری یک کشور بر منابع قدرت و ثروت خلیج‌فارس و آسیای غربی است. این هدف عالی بینش عمیقی به ما نسبت به مخالفت با دخالت قدرت‌های خارجی در این مناطق، ممانعت از گسترش تسلیحات هسته‌ای و حمایت از تحقق ایده «منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای» و همچنین برپایی رژیم کنترل تسلیحات متعارف می‌بخشد. در همین حال، جمهوری اسلامی ایران قصد ندارد تلاشی را به‌منظور چیرگی بر خلیج‌فارس و یا هر منطقه دیگری بکار ببندد.

۴. دستگاه دیپلماسی ما موظف است که کشورهای منطقه را به پذیرش این عقیده هدایت کند که ایران اسلامی را نه به‌مثابه یک دشمن بلکه یک همسایه همکار در ارتقای جایگاه منطقه به‌رغم رقابت‌های طبیعی بنگرند؛ همسایه‌ای که در ایجاد امنیت و ثبات منطقه پیشگام است. از این دیدگاه، منافع ملی ما با به عهده گرفتن بیش‌ازپیش مسئولیت و آشکارتر کردن نقش سازنده کشور، با اعتمادسازی در سطح کشورهای منطقه، کاهش نقش و دخالت قدرت‌های فرا منطقه‌ای، استقرار بیشتر ثبات و امنیت در منطقه و سرانجام برقراری شرایط مناسب‌تری برای همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای هم‌راستا است. لازمه شکل‌گیری چنین شرایطی درک منطقه‌ای این واقعیت است که سازندگی و آبادانی منطقه‌ای با چنین پیوستگی‌های مذهبی و تمدنی و منافع درهم‌تنیده اقتصادی-سیاسی، نیازمند آبادانی همه کشورهای منطقه است و با نگاه جزیره‌ای محقق نخواهد شد و از منازعه و تحریم و فضای تهدید و نگرانی در منطقه، تنها دلالتان اسلحه و سوداگران اقتصادی بهره خواهند گرفت.

۵. منطقه هیچ‌گاه تا به این اندازه نیازمند تنش‌زدایی و همکاری متقابل نبوده و کشورهای منطقه در تعیین مسیر و سرنوشت منطقه خویش مؤثر نبوده‌اند. این همان چیزی است که ما به آن «فرصت تاریخی» می‌گوییم. هرگز تا این اندازه همکاری سازنده، برابر و بر اساس احترام میان همه کشورهای خاورمیانه لازم و مؤثر نبوده است. ما این واقعیت‌ها را می‌بینیم و تلاش خواهیم کرد تا به سایر کشورهای منطقه نیز ایده «همکاری‌های منطقه‌ای حول توسعه و تبادل فرهنگی، تجاری و امنیت مشترک» را استوار بر شانه‌های «منطقه‌ای معتدل و متعادل» در چشم‌انداز قابل‌رویت ارائه دهیم.

۶. جمهوری اسلامی ایران در چنین شرایطی در مقام لنگرگاه صلح و ثبات منطقه، با تکیه بر سرشت الگووار خود و تعمیم بازی با حاصل جمع مثبت به عرصه‌های نوین، می‌تواند راهی تازه برای برون‌رفت از بحران‌ها و نزاع‌ها در منطقه، پیش روی ملت‌های خسته از تنش و منازعه و جنگ‌های برادرکشی قرار دهد. فرایند اعتمادسازی جهانی که موجب انزوای جنگ‌افروزان و صهیونیست‌های مخالف برجام در جهان غرب گردید اکنون می‌تواند به نیروی محرکه صلح‌سازی منطقه‌ای تبدیل شود.

۷. جمهوری اسلامی ایران مصلحت خود را در این می‌داند که فضای منطقه را از تنش و منازعه به آرامش و امنیت و صلح سوق دهد، و در این راستا دست دوستی صادقانه به همه کشورهای منطقه دراز می‌کند. {به فرموده مقام معظم رهبری}، نظام ما به مردم و ملت خود عشق می‌ورزد و از این‌روست که سرمایه بزرگ اعتماد و دوست داشتن از سوی مردم و ملت را داراست. این موهبت الهی را قدر می‌نهیم و با اتکای به لطف خداوند و این سرمایه عظیم ایمان‌داریم که دشمن نمی‌تواند در عزم راسخ ما برای ایجاد منطقه‌ای امن و باثبات خللی وارد کند. سیاست خارجی منطقه‌ای ما بر تقویت ارتباطات با کشورهای منطقه همراه با جلب اعتماد متقابل، ایجاد پیوند و حضور فعالانه در اقتصاد منطقه، فعال‌سازی و تقویت مسیرها و کریدورهای



ارتباطی متنوع با همسایگان، افزایش مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری مشترک و متقابل در منطقه تأکید دارد. این سیاست به افزایش توان تولیدی در داخل و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی منجر شده و ایجاد یک منطقه امن و باثبات، در راستای تقویت بنیان‌های اقتصاد مقاومتی کشور از طریق شبکه‌سازی و پیوند ناگسستنی با اقتصادهای پیرامونی را در سرلوحه خویش قرار می‌دهد.

۸. جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی خود را به‌صورت بهینه به کار گیرد تا «راهبرد جامع ارتقای امنیت و اقتصاد منطقه» را با همکاری کشورهای منطقه و بهره‌گیری از دیپلماسی رسمی و عمومی و فرهنگی طراحی و عملیاتی کند و از این راهبرد به شکوفایی اقتصادی رو به رشد و متکی به توانمندی‌های داخلی یاری رساند. این برنامه، در خدمت دوران رو به آینده کشور ما و انقلاب و نظام بالغ و تکامل‌یافته است و این پاسخ به نیاز بزرگ این دروان انتقالی در منطقه را در قالب تعریف نقش «پیشگام برای ایجاد منطقه قوی‌تر» ارائه می‌دهیم.

۹. جمهوری اسلامی ایران، سازوکارها و ظرفیت‌های متعددی دارد که با فعال‌سازی آن‌ها می‌تواند کشورهای عمده و بسیار مؤثر منطقه را برای همکاری و مشارکت در طراحی و اجرای این برنامه تحول ساز که خیروبرکت همه منطقه را دربردارد، جذب کرده و مشارکت دهد.

۱۰. با توجه به تحولات جهانی و آغاز شکل‌گیری جهان پساغربی و نیز تغییر موازنه‌های منطقه‌ای بازخوانی و بازسازی دیپلماسی عمومی کشور با تکیه‌بر تداوم سیاست پیشگیری از ایران‌هراسی، ارائه تصویر سازنده و مسئول نظام در برابر مسائل و بحران‌های منطقه‌ای، تقویت جنبه‌های گفت‌وگویی و ادبیات تولیدی برای ارتقای جایگاه الگویی جمهوری اسلامی ایران با همت مضاعف ادامه خواهد داشت.

۱۱. تحقق اجماع و عملکرد هماهنگ در حوزه سیاست خارجی با تأکید بر لزوم هشیاری و دلیری هم‌زمان در برابر تهدیدها و نیز فرصت‌های پیش رو امری اجتناب‌ناپذیر است که مستلزم ارتقای قدرت تشخیص و کارشناسی مبتنی بر تدوین راه‌حل‌های جایگزین خواهد بود. دولت آتی باید قادر باشد، گام‌های ناتمام و فعالیت‌های بایسته برای بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های تاریخی پیش رو و اجتناب از خطرات محتمل و ایستادگی بر منافع ملی و میهنی با هشیاری و اقتدار و کارآزمودگی محقق سازد.

۲-۵. راهبردها و الزامات

دستیابی به اهداف و ضرورت‌های فوق مستلزم تثبیت بیشتر موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است و در این مقطع:

۱. حفظ و اجرای برجام و جلوگیری از تخریب بین‌المللی آن

۲. جلوگیری از افتادن در دام تحریک ایران به جنگ‌ها و برخوردهای مختلف از طریق در پیش گرفتن خویشتن‌داری راهبردی

در صدر اولویت‌های دولت دوازدهم در روابط خارجی خواهد بود. در این شرایط خواهیم توانست، محیط بین‌المللی را به مقاصد ذیل مساعد کنیم:

۱. استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های برجام برای گسترش تعاملات کشور و بستن مسیرهای سوءاستفاده و نفوذ کشورها در مسائل داخلی جمهوری اسلامی ایران

۲. بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های پسابرجامی در جهت تحقق برنامه اقتصاد مقاومتی و مصون‌سازی کشور از تکانه‌های اقتصادی و همچنین بالا بردن بازدارندگی کشور در این حوزه‌ها



۳. تلاش جهت جبران ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری تخلیه‌شده از ایران در دوران تحریم‌ها مانند کربدورهای حمل‌ونقل، خطوط انتقال انرژی، مسیرهای هوایی و غیره
 ۴. فراغت از مقابله با فشارهای سیاسی و اقتصادی زائد و آرامش و تمرکز کافی به مقصود پیگیری دیپلماسی مستقل منطقه‌ای با همسایگان و تضعیف ایران هراسی به‌منزله مانعی برای پیشبرد اهداف
- هدف نخست دولت دوازدهم در دیپلماسی منطقه‌ای، بازگرداندن ثبات به منطقه از طریق ایفای نقش فعال در استقرار صلح و حمایت از دولت‌های مستقر و درعین‌حال، حمایت از اصلاحات سیاسی و اجتماعی به‌منظور متوقف کردن رشد خشونت و افراطی‌گری است. بر این اساس راهبرد گام‌به‌گام ما عبارت‌اند از :
۱. تأکید بر ادامه مذاکرات سیاسی در چارچوب پیشرفت‌های دیپلماتیک در ژنو و آستانه پیرامون خاتمه جنگ سوریه
 ۲. آغاز مذاکرات فشرده به هدف اطمینان دادن به آن دسته از کشورهای منطقه که از برهم خوردن تعادل منطقه‌ای و نیات جمهوری اسلامی ایران به نگرانی‌های واهی گرفتار آمده‌اند.
 ۳. بررسی همه احتمالات ممکن درباره پایان دادن به جنگ یمن
 ۴. حمایت و توافق بین‌المللی در بازسازی کشورهای فروپاشیده و بازگرداندن آوارگان و همچنین کمک‌های انسان دوستانه به ساکنان مناطق جنگ‌زده
 ۵. ایجاد مجمع گفتگوهای منطقه‌ای با همسایگان در خلیج فارس و غرب آسیا.
 ۶. ترغیب دولت‌های منطقه به ایجاد نهادها و رژیم‌های منطقه‌ای مبتنی بر تضمین منافع مشترک و توافق‌های و اطمینان‌بخش از جمله در کنترل تسلیحات، فضای سایبری، حفاظت از محیط‌زیست، امنیت انسانی و مبارزه مشترک با تروریسم بر اساس تعریف واحد.
 ۷. بسترسازی برای همکاری و همگرایی‌های تدریجی دو یا چندجانبه اقتصادی در زمینه‌های انرژی، تجارت و ترانزیت کالا.
 ۸. نائل شدن به اهداف جمهوری اسلامی ایران در دنیایی درهم‌پیچیده، نیازمند تقویت هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی در حوزه سیاست خارجی با محوریت دولت و زیرشاخه اجرایی آن، وزارت امور خارجه است. در صورت تحقق این همت و انسجام ملی، برداشتن گام‌های بلند ملت ایران به‌سوی کسب جایگاهی رفیع و برازنده و آینده‌ای روشن‌تر برای کشور، منطقه و جهان دشوار نخواهد بود.

۳-۵. برنامه‌های سیاست خارجی

عطف به تحلیل‌های ارائه‌شده درباره مسائل و تهدیدات، اهداف و چشم‌اندازها، و راهبردهای شایسته سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های زیر در دولت دوازدهم پیگیری خواهد شد. این برنامه‌ها در دو بخش «برنامه کوتاه‌مدت» و «برنامه میان‌مدت» تدوین شده و اجرا می‌شود.

۱-۳-۵. برنامه‌های کوتاه‌مدت

برنامه‌های کوتاه‌مدت در نظر گرفته‌شده به شرح زیر است.



۱. به‌کارگیری دیپلماسی فعال در عرصه جهانی و حضور در عرصه‌های بین‌المللی جهت تبیین مواضع اصولی ایران،
۲. تداوم تنش‌زدایی و تهدیدزدایی با هدف تغییر فضای امنیتی جهانی علیه ایران،
۳. ایجاد شکاف در مواضع قدرت‌های بزرگ و جلوگیری از اجماع آن‌ها علیه ایران،
۴. تلاش جهت خنثی‌سازی اقدامات صهیونیستی-آمریکایی برای ایجاد اجماع بین‌المللی علیه کشور،
۵. تقویت روابط سیاسی-اقتصادی با اروپا،
۶. رفع نگرانی‌های مشترک میان ایران و اروپا،
۷. اجتناب از تصمیمات و حرکات و موضع‌گیری‌های شتابزده که منجر به واکنش‌ها و حساسیت‌های بین‌المللی شود،
۸. تداوم و تقویت همکاری‌های سیاسی-اقتصادی با روسیه و چین در چهارچوب منافع کشور،
۹. مدیریت روابط و تلاش برای کاهش تنش در روابط با ایالات متحده در عین قاطعیت و عدم انفعال در برابر تهدیدات بی‌پایه دولت جدید این کشور،
۱۰. تنش‌زدایی با کشورهای عرب منطقه و مانع شدن از شکل‌گیری ائتلاف عربی-رژیم صهیونیستی،
۱۱. تقویت مناسبات اقتصادی و فرهنگی با آسیای مرکزی و قفقاز،
۱۲. توسعه همه‌جانبه روابط با هند،
۱۳. همکاری منطقه‌ای برای مهار افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی و اختلافات مذهبی در منطقه و تلاش مؤثر برای صلح‌سازی،
۱۴. پیگیری ویژه مشکلات و بحران‌های محیط‌زیستی به ویژه ریزگردها و آلودگی‌های آب و خاک در روابط با همسایگان.

۲-۳-۵. برنامه‌های میان‌مدت

برنامه‌های میان‌مدت در نظر گرفته شده برای سیاست خارجی به شرح زیر است.

۱. گسترش همکاری دوجانبه و چندجانبه سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی درون و فرامنطقه‌ای،
۲. ایجاد سازوکارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای حل بحران‌های محیط‌زیستی در محیط پیرامونی کشور،
۳. گرفتن ابتکار عمل از آمریکا در حوزه‌های مختلف روابط دوجانبه
۴. کاستن تدریجی ظرفیت‌های خصومت‌سازی آمریکا و تبدیل آن به توانایی‌های اثباتی،
۵. تلاش در جهت مذاکرات سازنده با اروپا در موضوعات حقوق بشر، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و نیز مسأله مهاجران،
۶. حذف تدریجی موانع و بازسازی همه‌جانبه روابط با اروپا به ویژه روابط اقتصادی،

۷. تقویت روابط با قدرت‌های جدید و نوظهور،
۸. دو سوپه کردن و همه‌جانبه‌سازی روابط با روسیه، چین و هند،
۹. ایجاد پیوندهای اقتصادی و امنیتی پایدار دوجانبه و چندجانبه در روابط با همسایگان،
۱۰. ایجاد نهادهای منطقه‌ای، به ویژه ترتیبات امنیت و همکاری در خلیج فارس و نیز سازمان همکاری‌های خزر،
۱۱. تلاش برای استقرار رژیم حقوقی دریای خزر بر اساس درک واقع‌گرایانه از منافع همه کشورهای ذینفع در عین تثبیت حقوق قانونی و تاریخی ایران در این دریا،
۱۲. تقویت دیپلماسی عمومی با هدف امکان معرفی بهتر واقعیت‌های کشور به افکار عمومی جهان،
۱۳. توسعه و رونق بخش گردشگری و ارتقاء آمار سالیانه ورود گردشگران به کشور (اعم از گردشگری تفریحی، فرهنگی، مذهبی و پزشکی)،
۱۴. تکمیل کریدور شمال-جنوب و تلاش برای بازسازی و توسعه ناوگان هوایی، ریلی، جاده ای و کشتیرانی کشور،
۱۵. توسعه دیپلماسی علمی میان نهادهای دانشگاهی، پژوهشی و اندیشکده‌ای با سایر کشورها در خدمت اهداف مشترک بین‌المللی و منطقه‌ای.

۶. حوزه امنیت ملی و توان دفاعی

نگاه به روند دفاعی - امنیتی محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران بیانگر ظهور شکل جدیدی از تهدیدات منطقه‌ای و تروریستی، به همراه حضور دشمنان فرامنطقه‌ای است. الزام وضعیت جدید، تحول در مأموریت‌ها و بازآرایی قابلیت‌های دفاعی است که منجر به بروز نیازهای جدید دفاعی شده است. متناسب با چنین تحولاتی، سیاست دفاعی کشور بر «بازدارندگی فعال» استوار گردیده تا ثبات امنیتی را که از ضرورت‌های توسعه و پیشرفت کشور است، تضمین نماید. ایجاد ثبات امنیتی و بازدارندگی فعال دفاعی از الزامات حیات جمهوری اسلامی ایران در محیط پرتنش منطقه غرب آسیا و خاورمیانه است. مهم‌ترین تهدیداتی که در این محیط وجود دارند به شرح زیر است.

۱. تحولات سیاسی - امنیتی در مناطق پیرامونی، به ویژه بروز بحران و بی‌ثباتی در غرب آسیا، به خصوص در کشورهای متحد، همسویا همسایه با ایران (سوریه، عراق، لبنان، یمن، افغانستان و پاکستان)،
۲. تلاش معاندان و بیگانگان برای براندازی و تغییر در نظام از طرق مختلف از جمله ایجاد فتنه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده،
۳. تلاش دشمنان برای تضعیف قدرت، نفوذ و اعتبار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران،
۴. گسترش و سازماندهی تروریسم در منطقه و متعاقباً افزایش ناآرامیها و به مخاطره افتادن منافع و راهبردهای کلان و بلندمدت جمهوری اسلامی ایران در منطقه،
۵. افزایش حجم و پیچیدگی تهدیدات سایبری،
۶. گسترش حمله نیروهای داعش به استان‌های غربی عراق و پیشروی آن‌ها به سمت مرزهای شرقی آن کشور،
۷. گستردگی و تغییرات سریع و روزافزون فناوری‌های مورد استفاده در سامانه‌های دفاعی و امنیتی،
۸. تحریک کشورهای منطقه به خریدهای تسلیحاتی زیاد از طرف قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تبدیل محیط پیرامونی کشور دولت یازدهم توانست به دست‌آوردهای مهمی در عرصه‌های دفاعی و امنیتی دست یابد و زمینه‌سازی برای موفقیت‌های بیشتر در این عرصه نیز صورت گرفته است. سرمایه‌گذاری در زمینه‌های دفاعی و امنیتی هم‌چنین با این آگاهی صورت می‌گیرد که حوزه دفاعی و امنیتی کشور با وجود دارا بودن بالاترین سطح فناوری داخلی و بومی دفاعی در سطح منطقه، علاوه بر تأمین و پشتیبانی قابلیت‌های دفاعی و امنیتی اطمینان‌بخش و پایدار در ارتقاء شاخص‌های حائز اهمیت دیگری در سطح ملی نیز ایفای نقش می‌کند. این عرصه‌ها عبارتند از: افزایش سطح اشتغال، توسعه فناوری‌های راهبردی و مشترک و پشتیبانی

از صنعت ملی، ایجاد بستر مناسب برای به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص و نخبه کشور با توجه به حرکت در حوزه فناوری‌های نو و پیشرفته (مرز دانش و فناوری) و ایفای نقش مؤثر در توسعه و ارتقای توان شرکت‌های دانش بنیان در مقیاس ملی.

۱-۶. راهبردهای دفاعی دولت دوازدهم

دولت دوازدهم برای تقویت توان دفاعی کشور و بالا بردن سطح بازدارندگی و دفاع از کشور برنامه‌های زیر را اجرا خواهد کرد.

۱. طراحی دکترین دفاعی-امنیتی کارآمد متناسب با شرایط و تهدیدهای موجود در سطح محیط امنیتی ایران، و پیش‌بینی تهدیدهای آتی،
۲. تدوین دیپلماسی دفاعی مبتنی بر همکاری‌های امنیتی و نظامی منطقه‌ای، و پایین آوردن سطح تهدیدها بر اساس راهبردهای دیپلماتیک و غیرنظامی،
۳. تدوین و ارائه گزارش‌های واقع‌بینانه از توان تکنولوژی نظامی کشور به بالاترین سطوح مدیریت نظام جمهوری اسلامی ایران،
۴. شفاف‌سازی فضای اقتصادی شرکت‌های تولیدکننده تجهیزات دفاعی و نظامی،
۵. تسریع در تهیه و استقرار سامانه‌های دفاعی روزآمد،
۶. تدوین نقشه راه برای مشارکت‌پذیر کردن جامعه علمی کشور در طراحی و تولید نیازهای دفاعی و امنیتی،
۷. تهیه نقشه راه دیپلماسی دفاعی-امنیتی در فضای پسابرجام،
۸. طراحی نقشه زمانبندی و شیوه‌های ترمیم عدم توازن بین نیروهای سه‌گانه،
۹. اقدام برای کاستن از فاصله تکنولوژیک بین نیروهای نظامی ایران و سایر کشورهای منطقه و سپس قدرت‌های فرامنطقه‌ای،
۱۰. اقتصادی کردن تولید تجهیزات دفاعی و نظامی در قیاس با کیفیت و امکان تحویل آن‌ها از بازارهای بین‌المللی،
۱۱. افزایش هم‌افزایی صنایع دفاعی و نظامی و اقتصاد ملی و توان تکنولوژیک کشور شود،
۱۲. ارتقای سطح سرمایه اجتماعی نیروهای مسلح در بین مردم،
۱۳. افزایش آمادگی رزمی یگان‌های سطحی و زیرسطحی در خلیج فارس و دریای عمان و حضور در آب‌های آزاد،
۱۴. ارتقای توان و خنثی‌سازی و مقابله با جنگ الکترونیک،
۱۵. ارتقای توان جنگ سایبری،
۱۶. تقویت توان مقابله با تهدیدات ناشی از سلاح‌های کشتار جمعی، (ش.م.ه)،
۱۷. تأمین کامل پدافند غیرعامل مراکز اصلی و پیگیری تحقق دفاع غیرعامل در کشور،



-
۱۸. توسعه دیپلماسی دفاعی و امنیتی و افزایش روابط با کشورهای همسایه با نظام ج.ا.ا،
 ۱۹. ارتقاء دانش، مهارت، اندازه‌سازی و بهبود خدمات کارکنان نیروهای مسلح،
 ۲۰. ارتقای ابزار و زیرساخت سامانه فرماندهی و کنترل امن، مستقل و پایدار نیروهای مسلح،
 ۲۱. افزایش آمادگی رزمی یگان‌های سطحی و زیرسطحی در خلیج فارس و دریای عمان و حضور در آب‌های آزاد.

۷. حوزه علم، آموزش و فناوری

علم و فناوری منشأ قدرتمندی، ثروت و رفاه کشورها در دنیای امروز است. نوآوری نیز یکی از اصلی‌ترین موتورهای محرک رقابت‌پذیری در تمامی عرصه‌های زیست بشر در دنیای امروز است. نوآوری در عرصه فناوری منجر به شکل‌گیری رقابت‌پذیرترین کالاها و خدمات می‌شود و در عرصه فرهنگی و هنری بنیاد شکل‌گیری «صنایع خلاق» است. ظرفیت نوآوری از این‌رو اصلی‌ترین دارایی بنگاه‌های بزرگ و پیشروی جهانی است. علم و فناوری در نهایت در قالب نوآوری تبدیل به خروجی‌هایی ملموس برای جامعه می‌شوند. نظام علم، فناوری و نوآوری دارای شش هدف عمده است:

۱. ارتقاء سرمایه انسانی جامعه به عنوان خروجی نظام آموزشی و مهارتی
۲. ایجاد جامعه‌ای نوآور؛ جامعه‌ای با شهروندانی پذیرای نوآوری و ارائه‌دهنده نوآوری،
۳. ارتقاء رفاه و کیفیت زندگی شهروندان بر پایه فناوری‌ها و نوآوری‌ها،
۴. افزایش قدرت نظامی و امنیتی بر پایه فناوری‌های قدرت‌ساز،
۵. خلق ثروت بر پایه فناوری‌ها و نوآوری‌های رقابت‌پذیر و متمایزکننده بنگاه‌های ایرانی در عرصه جهانی،
۶. خلق دانش نوین و مورد استناد جهانی،

برنامه پیشنهادی برای علم و فناوری در دولت دوازدهم بر پایه ضرورت فراهم آوردن ملزومات رسیدن به این اهداف و شناخت‌هایی که از وضعیت علم و فناوری کشور به دست آمده و همچنین توجه به سایر برنامه‌های تنظیم‌شده برای اداره کشور در دولت دوازدهم، تدوین شده است.

۱-۷. سیاست‌های اصلی

دولت دوازدهم رسیدن به اهداف شش‌گانه مذکور را بر اساس سیاست‌هایی که در ادامه تشریح می‌شود دنبال خواهد کرد.

۱-۱-۷. حوزه آموزش: سیاست آموزش یکپارچه، متنوع و عادلانه

پیشرفت علمی و فناورانه در دنیای جدید نیازمند انسجام و یکپارچگی در نظام آموزشی و تنوع در ابعاد دیگری از مقوله آموزش است:

۱. آموزش یکپارچه: یکپارچگی میان آموزش عمومی و عالی، در ابعاد سیاست‌های آموزشی، محتوای آموزشی و ابزارهای آموزشی،



۲. آموزش متنوع: تنوع در نظام آموزشی شامل ابعاد زیر است:

- تنوع در محتوای آموزشی متناسب با ویژگی‌های بومی-منطقه‌ای، تقاضای جامعه و توانمندی‌های ارائه (تنوع در کتب درسی با انتخاب مدارس و سیلابس دانشگاه‌ها با انتخاب هیات‌های امناء)،
- تنوع در شیوه‌های جذب دانشجو و اعضای هیات علمی متناسب با سطح دانشگاه‌ها، تنوع استعدادها و استفاده از ابزارهای مکمل در سنجش و ارزیابی دانشجو (گذار از کنکورگرایی افراطی در نظام آموزشی)،
- تنوع در اهداف آموزشی به منظور پوشش نیازمندی‌ها و تقاضاهای متنوع جامعه (تنوع در تاییدیه‌ها و مدارک آموزشی و افزایش حق انتخاب دانش‌پذیران اعم از دانش‌آموزان و دانشجویان)،
- تنوع در مراکز آموزشی با هدف سطح‌بندی و رتبه‌بندی نظام آموزش عالی و برخورداری از استقلال مدیریت و سیاست‌گذاری متناسب با سطح دانشگاه‌ها
- تنوع در آموزش‌های مهارتی و دانشگاهی با سهم مناسب برای هر یک

۳. آموزش عادلانه: عدالت آموزشی دربردارنده سه جنبه زیر است:

- عدالت در برخورداری: برخورداری از فرصت‌های برابر آموزشی برای تمامی شهروندان و اتخاذ سیاست‌های جبرانی در خصوص شهروندان نابرخوردار یا با برخورداری کمتر از طریق اعطاء رتبه‌ها (بورسیه‌ها) به گروه‌های نابرخوردار،
- عدالت در تناسب ویژگی‌های بومی و آموزش: ایجاد زمینه‌های لازم آموزش بر اساس زبان قومیتی و ویژگی‌های اجتماعی و جغرافیایی مناطق مختلف کشور،
- عدالت در تناسب توانمندی و عرضه دانش: توسعه دیدگاه‌های آموزش برون‌مدرسه‌ای برای آموزش افراد تیزهوش و دارای استعداد درخشان،

۲-۱-۷. حوزه پژوهش: سیاست ابرپژوهش‌ها برای پاسخ به ابرچالش‌ها

کشور دارای برخی ابرچالش‌هاست که پاسخ‌گویی به آن‌ها نیازمند پژوهش‌های بزرگ یا ابرپژوهش‌هاست. این ابرپژوهش‌ها با سیاست‌های زیر دنبال می‌شوند.

۱. ایجاد چارچوبی (پلت‌فرمی) به منظور تعریف پروژه‌های بزرگ پژوهشی در کشور با ویژگی‌های زیر:

- توانمندی تعریف پروژه‌های بزرگ در پاسخ به ابرچالش‌های حال و آینده کشور،
- توانمندی تقسیم پروژه‌های بزرگ به زیرپروژه‌های کوچک و تلفیق و ترکیب نتایج آن‌ها،
- توانمندی همکاری و مشارکت نهادها و دستگاه‌های مختلف پژوهشی و دانشگاهی در کنار بنگاه‌های صنعتی و سازمان‌های دولتی (مارپیچ سه‌گانه (Triple Helix)) به منظور پاسخ به ابرچالش‌ها،
- توانمندی جذب مشارکت‌کننده‌های خارجی در زیرپروژه‌ها، با حفظ ملاحظات امنیتی،
- توانمندی تأمین مالی پروژه‌های بزرگ با توجه به سازوکارهای مختلف جذب سرمایه‌گذاری،
- توانمندی تعریف پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در سطح زیرپروژه‌ها در سطح دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی،



۲. ارتقاء زیرساخت پژوهشی کشور و ادغام، شبکه‌سازی و خوشه‌سازی آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و ایجاد شبکه‌های ملی آزمایشگاهی،

۳. تولید دانش نوین و پیشروی قابل عرضه در سطح جهان؛ برآمده از چالش‌های بومی، راه‌حل‌های بومی و تجربیات بومی،

۳-۱-۷. حوزه فناوری: بنگاه‌های بزرگ پیشران توسعه فناوری و نوآوری

مشکلات اقتصادی کشور عمدتاً با ارجاع به مشکل تامین مالی یا محیط کسب و کار تبیین می‌شوند و کمتر به جنبه عقب‌ماندگی فناورانه توجه می‌شود. عقب‌ماندگی فناورانه نیز باید جبران شود.

۱. نفوذ فناوری در اقتصاد از طریق:

— اتخاذ بسته‌های تشویقی «تحقیق و توسعه بنگاهی» به منظور توسعه نوآوری و تجاری‌سازی،

— توسعه جذب و خرید شرکت‌های نوپای نوآور توسط بنگاه‌های بزرگ،

— توسعه همکاری بنگاه‌های بزرگ ملی (قهرمانان ملی) با شرکت‌های پیش‌روی جهانی در حوزه تحقیق و توسعه با حمایت‌ها و الزامات دولتی،

۲. توسعه زیرساخت‌های تأمین مالی فناوری و نوآوری از طریق ابزارهای زیر:

— عرضه سهام شرکت‌های نوپای دانش‌بنیان و فناوربنیان

— سرمایه‌گذاری جسورانه (VC: Venture Capital) با تأکید بر سرمایه‌گذاری جسورانه شرکتی (CVC) و صندوق‌های تخصصی،

— توسعه سازوکارهای جمع‌سپاری (Crowdfunding)

— ارتقاء وضعیت تنظیم‌گیری صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه، جمع‌سپاری و حمایت از پژوهش و فناوری

۳. توازن میان توسعه فناوری با توسعه بهره‌برداری در میان شرکت‌های بزرگ دولتی و بنگاه‌های بزرگ وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی و افزایش نقش سازمان‌های توسعه‌ای در حوزه تولید و توسعه فناوری و نوآوری.

۴-۱-۷. حوزه نوآوری: تسهیل و نهادسازی نوآوری

نوآوری برای آن که به ظرفیت اقتصادی تبدیل شود نیازمند تسهیل و حمایت است. دولت دوازدهم مسیر تسهیل را با رویه‌های زیر دنبال می‌کند.

۱. تسهیل مسیر رشد و بلوغ شرکت‌های کارآفرینی و نوآور و حمایت مرحله‌ای از آن‌ها به منظور تبدیل از یک شرکت نوپا به یک بنگاه اقتصادی بالغ،

۲. افزایش ظرفیت پذیرش اجتماعی نوآوری در کشور به عنوان اصلی‌ترین مولفه «اکوسیستم نوآوری» و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری «جامعه دانش‌بنیان»



۵-۱-۷. سیاست همکاری‌های بین‌المللی

دولت یازدهم بر سیاست تعامل سازنده تأکید داشته و یکی از ستون‌های تعامل سازنده، همکاری‌های بین‌المللی فنی و علمی است. این سیاست در عرصه علم و فناوری نیز هم‌چون سایر عرصه‌ها در دولت دوازدهم تداوم خواهد داشت.

۱. توسعه بخش آموزش بین‌المللی، با اولویت منطقه غرب و جنوب غرب آسیا، به منظور (۱) تربیت نیروی انسانی ماهر در تراز جهانی و (۲) جذب دانشجو و دانش‌پذیر بین‌المللی در حوزه‌های دانشگاهی و مهارتی
۲. مشارکت در پژوهش‌های بین‌المللی با کشورهای پیشروی جهانی با اولویت اروپا و ژاپن، و کشورهای که در دو دهه آینده جزء پنج اقتصاد بزرگ جهان خواهد بود (هند، چین، اندونزی).
۳. توسعه همکاری‌های بین‌المللی در توسعه فناوری و نوآوری با شرکت‌های پیشروی جهانی از طریق عضویت در پروژه‌های بزرگ تحقیق و توسعه و جذب مراکز تحقیق و توسعه این شرکت‌ها در داخل کشور.
۴. جذب نیروی انسانی نوآور و خلاق در چرخه خدمت به کشور، اعم از ایرانیان مهاجر و مهاجران توانمند به ایران.

۶-۱-۷. بازآرایی و بهبود ساختار حکمرانی نظام علم، فناوری و نوآوری کشور

تجربه تاریخی توسعه در ایران نشان می‌دهد بهترین نیروهای انسانی و بیشترین منابع وقتی در ساختار سازمانی و نهادی ناکارآمد قرار گرفته‌اند نتایج مطلوب به بار نیامده است. ساختار حکمرانی نظام علم، فناوری و نوآوری کشور نیز با همین نقیصه روبه‌روست و ضرورت دارد بازآرایی شود.

۱. سامان‌دهی به تعدد دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های مسوول در حوزه علم، فناوری و نوآوری و حذف تعارضات و هم‌پوشانی‌های مأموریتی این نهادها.
۲. تفکیک مأموریت‌های حوزه آموزش و پژوهش دانشگاهی از مأموریت‌های حوزه فناوری، تجاری‌سازی و نوآوری در سطح دولت مطابق با روندهای جهانی.
۳. ارتقاء جایگاه و ظرفیت‌سازی در نهادهای تنظیم‌گر (تنظیم مقررات) در حوزه‌های تخصصی با اولویت حوزه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، انرژی و بهداشت و درمان.
۴. ارتقاء مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) در حوزه علم، فناوری و نوآوری.

۲-۷. برنامه‌های حوزه علم و فناوری

سیاست‌های تشریح‌شده در حوزه علم و فناوری بر اساس برنامه‌هایی که در ادامه تشریح شده عملیاتی خواهد شد.

۱-۲-۷. تغییر ساختار نظام علم، فناوری و نوآوری کشور

تغییر ساختار نظام علم، فناوری و نوآوری کشور و کارآمدسازی آن مستلزم انجام اقدامات زیر است.

۱. اصلاح ساختار رسمی و تفکیک وظایف میان معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، وزارت علوم،



تحقیقات و فناوری، شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، بنیاد نخبگان، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و تدوین لایحه مرتبط مورد نیاز

۲. تمرکز نوآوری و تجاری سازی در یک نهاد

۳. یکپارچگی در نظام آموزشی و تدوین لایحه مرتبط مورد نیاز

۴. تمرکز در سیاست گذاری علم، فناوری و نوآوری در یک نهاد مستقل

۵. تدوین لایحه سازمان های تنظیم گر در حوزه های فناوری و نوآوری

۶. تدوین لایحه شفافیت و افشاء اطلاعات و نتایج پروژه های تحقیقاتی و پایان نامه ها و رساله های دانشگاه های دولتی که با هزینه دولتی تامین مالی شده اند به صورت آزاد و با رعایت ملاحظات امنیتی

۲-۲-۷. توسعه سازوکارهای تأمین مالی پژوهش و فناوری

تأمین مالی کارآمد، شفاف و اثربخش فعالیت های پژوهش و فناوری مستلزم انجام اقدامات زیر است تا بنیان نهادی مناسبی برای توسعه این بخش ایجاد شود.

۱. تدوین لایحه های جمع سپاری، سرمایه گذاری جسورانه و عرضه سهام شرکت های نوآور و دانش بنیان.

۲. بازتعریف ماموریت های «صندوق نوآوری و شکوفایی» به عنوان راهبر نظام تأمین مالی زیست بوم نوآوری و نهاد تنظیم گر تأمین مالی توسعه فناوری و صندوق های دولتی و خصوصی در حوزه پژوهش و فناوری

۳. تغییر رویکرد دولت از حمایت مستقیم و مالی به حمایت های غیرمستقیم و غیرمالی.

۳-۲-۷. بسته تشویقی نوآوری در بنگاه های اقتصادی بزرگ

نوآوری هزینه بر و مستلزم حمایت است و این حمایت باید به شکل مؤثری توسط دولت صورت گیرد و از سوی محیط کسب و کار پشتیبانی شود. این کار مستلزم انجام اقدامات زیر است.

۱. تدوین لایحه مشوق های مالیاتی و تعرفه ای مربوط به نوآوری و تحقیق و توسعه در بنگاه های بزرگ کشور، با توجه به معیارهای زیر:

- پذیرش بخشی از هزینه تحقیق و توسعه به عنوان هزینه مالیاتی،
- معافیت مالیاتی بر اساس درصدی از هزینه تحقیق و توسعه بنگاه ها تا سقف مشخصی از مالیات،
- استفاده از «سربازان پژوهش و فناوری» در بنگاه ها،
- استفاده از امتیاز خرید دولتی،
- استفاده از معافیت مالیاتی در صورت خرید شرکت های دانش بنیان نوپا و جذب نیروهای این شرکت ها،
- استفاده از تسهیلات با نرخ ترجیحی به شرط مشارکت در طرح های کلان پژوهش و فناوری کشور،

۲. اجرای راهکار اتصال بنگاه های بزرگ به شرکت های کوچک دانش بنیان توسط صندوق نوآوری و شکوفایی به منظور دستیابی بنگاه های بزرگ به فناوری های نوین و پیشرفته و نیز ایجاد بازار برای

شرکت‌های دانش‌بنیان کوچک از یک سو و تبدیل دستاوردهای ملی در عرصه‌های راهبردی مانند فناوری هسته‌ای، فناوری‌های دفاعی و فناوری‌های هوافضا به شرکت‌های دانش‌بنیان به منظور سرریز توانمندی ملی در بازار اقتصادی و فناوری از سوی دیگر.

۴-۲-۷. حمایت از شرکت‌های کارآفرینی

شرکت‌های کارآفرین بالأخص در محیط‌های کسب و کار نامساعد، شرایط رکودی، بدون دسترسی به نظام‌های تأمین مالی مناسب و بسیاری شرایط دیگر که در اقتصاد ایران وجود دارد، نیازمند حمایت مؤثر ولی شفاف دولت هستند. این حمایت با اقدامات زیر عملی می‌شود.

۱. حمایت از شرکت‌هایی که در آغاز فرآیند رشد قرار دارند و امید است تا در مدت دو سال به یک شرکت بالغ تبدیل شوند.

۲. تسهیل ورود و خروج افراد نوآور و کارآفرین و کاهش ریسک ناشی از شکست از طریق تعریف «شرکت‌های کارآفرین» بر اساس تجربیات کشورهای پیشرو در نوآوری و تدوین لایحه مربوطه، بر اساس معیارهای زیر:

- تسهیل تاسیس شرکت با نام «شرکت کارآفرین...» و انحلال آن پس از دو سال به صورت خودکار، به شرط عدم تبدیل به شرکت سهامی خاص یا مسوولیت محدود،
- معافیت مالیاتی برای مدت دو سال به شرط درآمد کمتر از یک میلیارد ریال در سال،
- الزام به تخصیص ۲۵ درصد از سود به سرمایه شرکت،
- تعهد دولت به پرداخت بیمه کارکنان در سطح مشخص سه نفر برای یکسال به شرط تداوم آن در سال دوم توسط شرکت،
- تبدیل شرکت به یک شرکت سهامی خاص یا مسوولیت محدود بعد از دو سال یا پس از درآمد بالاتر از یک میلیارد ریال،

۵-۲-۷. همکاری با شرکت‌های خارجی پیشرو در توسعه نوآوری

همکاری‌های فناورانه ضرورت اقتصاد و جامعه ایران است تا بتوانیم با سرعت مناسب به فناوری‌های برتر برای ارتقای بهره‌وری و تولید کالاهای رقابت‌پذیر دست یابیم. جذابیت‌های اقتصادی و اجتماعی ایران زمینه‌ساز تشویق شرکت‌های بزرگ دارای فناوری برای ورود به این گونه همکاری‌هاست.

۱. الزام بنگاه‌های خارجی دارای بازار بزرگ (بیش از ۳۰۰ میلیون دلار در سال) در ایران به راه‌اندازی مراکز تحقیق و توسعه در ایران،

۲. همکاری با شرکت‌های خارجی در پروژه‌های نوآورانه،

۳. صادرات کسب‌وکارهای دانش‌بنیان در کنار محصولات و خدمات دانش‌بنیان از طریق تسهیل خرید سهام شرکت‌های نوپای دانش‌بنیان توسط شرکت‌های خارجی،

۴. الزام قراردادهای بزرگ خرید خارجی به پیاده‌سازی «پیوست فناوری و نوآوری»،



۵. تدوین آیین‌نامه همکاری شرکت‌های خارجی پیشرو با دانشگاه‌ها و بنگاه‌های ایرانی و بسته تشویقی مرتبط با آن،

۶-۲-۷. همکاری بین‌المللی دانشگاه‌ها

رشد علمی ایران و وجود میلیون‌ها دانشجوی و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به علاوه وجود سیزده دانشگاه ایرانی در بین هزار دانشگاه برتر جهان، زمینه‌ای برای ورود به همکاری‌های بین‌المللی با دانشگاه‌های مطرح جهان فراهم می‌کند. عملی شدن این هدف نیازمند قاعده‌مند کردن و تأسیس شرایط نهادی مناسب است. این هدف با انجام اقدام زیر دنبال خواهد شد.

۱. تدوین آیین‌نامه‌های لازم به منظور تعریف: دوره‌های مشترک خارجی با دانشگاه‌های پیشروی خارجی، جذب دانشجوی، طرح‌های مبادله دانشجوی، عضویت در پلت‌فرم‌های مبادله دانشجوی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مشترک با دانشگاه‌های پیشروی خارجی و استفاده از آزمایشگاه‌ها کتابخانه‌ها و زیرساخت‌های پژوهشی و فناوریانه مشترک.

۷-۲-۷. رتبه‌های (بورسیه‌های) عدالت آموزشی

عدالت آموزشی مستلزم آن است که به غیر از فراهم شدن زمینه آموزش عمومی، استعداد‌های علمی برتر به علت ناتوانی‌های مالی از تحصیل و پیشرفت علمی بازمانند و استعدادیابی نیز به کمک ارائه فرصت‌های مناسب صورت گیرد. این هدف از طریق زیر قابل پیگیری است.

۱. دولت صندوقی با هدف اعطاء رتبه‌های آموزشی به افراد مستعد نابرخوردار تاسیس می‌کند.

۲. طبقات نابرخوردار عبارتند از:

— نابرخوردار اقتصادی: از خانواده‌های دو دهک نابرخوردار کشور باشند (بر اساس بانک اطلاعات وزارت رفاه، کار و امور اجتماعی)،

— نابرخوردار فرهنگی: نخستین فرد یک خانواده دانشگاهی خانواده باشد (بر اساس بانک اطلاعات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)،

۳. دانشجوی مستعد بر اساس ارزیابی تحصیلی دانشجویان

۸-۲-۷. طرح‌های کلان پژوهش و فناوری کشور

بررسی و حل برخی از بزرگ‌ترین چالش‌های کشور که فقط به کمک خلق ظرفیت‌های علمی و فنی بزرگ قابل حل هستند، نیازمند ساماندهی طرح‌های کلان پژوهش و فناوری است. انجام این مهم با اقدامات زیر پیگیری خواهد شد.

۱. تدوین آیین‌نامه طرح‌های کلان پژوهش و فناوری کشور بر اساس مدل‌های پیشروی جهانی با توجه به معیارهای زیر:

— طرح‌ها همراستا با چالش‌های کلیدی کشور و برآمده از برنامه آینده‌نگاری ملی

— الزام به مشارکت حداقل ۵۰ درصدی بخش غیردولتی



- الزام به مشارکت متنوع دانشگاه‌ها، بنگاه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و سمن‌ها در هر پروژه
- الزام به مشارکت‌کننده خارجی با تامین مالی حداقل ۱۰ درصدی (در پروژه‌های غیرامنیتی-نظامی)
- الزام دانشگاه‌های عضو طرح به تعریف حداقل ۱۰ پایان‌نامه و رساله و به ازاء هر ۵ میلیارد ریال مشارکت ۱۰ پایان‌نامه و رساله
- قرارداد در قالب کنسرسیوم‌ها با راهبری بنگاه‌های تجاری

۹-۲-۷. توسعه ظرفیت اجتماعی پذیرش نوآوری در سطح جامعه

جامعه نیز باید ظرفیت تشویق و پذیرش نوآوری را داشته باشد. این هدف با برنامه‌های زیر پیگیری خواهد شد. این هدف از آن جهت بسیار مهم است که جامعه باید از اجرای سیاست‌ها و طرح‌های نو حمایت کند و فرصت لازم برای هزینه کردن اجتماعی و اقتصادی در تولید علم و فناوری ایجاد شود.

۱. آگاه‌سازی و ترویج عمومی در خصوص نوآوری به عنوان اصلی‌ترین مزیت رقابتی در اقتصاد جهانی،
۲. افزایش ریسک‌پذیری بهره‌برداری از نوآوری‌ها از طریق تدوین آیین‌نامه‌های حمایت از طرح‌های نوآورانه و ارائه ضمانت‌نامه‌های پژوهش و فناوری،

۸. حوزه محیط‌زیست

موفقیت‌های دولت یازدهم در زمینه محیط‌زیستی و ارتقای عملکرد محیط‌زیستی ایران بر اساس شاخص‌های بین‌المللی و دست‌آوردهای مشهودی نظیر موفقیت در پیشبرد احیای دریاچه ارومیه، احیای تالاب هورالعظیم و کاهش آلودگی هوای کلانشهرها به علاوه خیزش آگاهی عمومی در زمینه محیط‌زیست نشان می‌دهد رویکردهای دولت یازدهم در زمینه محیط‌زیست باید ادامه یابد. دولت دوازدهم همه راهبردهای ۱۲گانه زیر را که در دولت یازدهم اجرایی شده، ادامه خواهد داد.

۱. ایجاد مدیریت یکپارچه و کارآمد کاهش آلودگی هوای کلان‌شهرها،
۲. اجرای جدی برنامه مدیریت خاک، پسماند و فاضلاب و تکمیل مقررات آن،
۳. ارتقای کارآمدی در حفاظت منابع طبیعی و تنوع زیستی،
۴. احیا و اثربخش کردن شورای عالی محیط زیست و تشکیل و ارتقای اثربخشی صندوق محیط‌زیست،
۵. تقویت و حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی،
۶. آموزش و ترویج سواد، اخلاق، رفتار و عمومی‌سازی فرهنگ محیط زیست،
۷. ارتقای دیپلماسی آب و احیای دیپلماسی محیط زیست با تأکید بر معضل ریزگردها،
۸. توانمندسازی ساختاری و اقتدار محیط زیست در حاکمیت از طریق ارتقای جایگاه سازمان حفاظت محیط‌زیست در برنامه‌ریزی توسعه کشور،
۹. تقویت ارزیابی محیط‌زیستی و اجتماعی اجتماعی در همه طرح‌ها و اعمال معیارهای ناشی از اقتصاد محیط زیست در برنامه‌ریزی توسعه،
۱۰. اتخاذ رویکرد هزینه-فایده محیط‌زیستی در همه برنامه‌ریزی‌ها،
۱۱. اجرای ابزارهای انگیزشی بازارمبنا و توسعه اشتغال سبز،
۱۲. لحاظ کردن آمایش سرزمین با محوریت آب و محیط‌زیست در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه الگوی توسعه کشور.

ضمن ادامه دادن مسیر چهار سال گذشته در قالب محورهای فوق، چهار برنامه که در ادامه تشریح می‌شود، پیگیری و اجرا خواهد شد.

۱-۸. پیگیری برای تصویب لوایح محیط‌زیستی در مجلس

تصویب لوایح مرتبط با حفاظت از محیط‌زیست به دلایل مختلف و از جمله تعارضاتی که رعایت استانداردهای محیط‌زیستی با برخی منافع محلی دارد، بسیار دشوار و زمان‌بر و توأم با مخالفت‌های بسیار است. تدوین زیرساخت حقوقی حفاظت از محیط‌زیست نیز برای تثبیت حقوق محیط‌زیست ضروری است. برنامه جدی برای پیگیری تصویب و اجرایی‌شدن لوایح تدوین‌شده در دولت یازدهم، در دستور کار دولت دوازدهم خواهد بود. پیگیری تصویب چهار لایحه زیر در اولویت خواهد بود.

۱. لایحه هوای پاک
۲. لایحه حفاظت خاک
۳. لایحه ارزیابی محیط‌زیستی
۴. لایحه حفاظت از تالاب‌ها

۲-۸. اصلاح روند تصمیم‌گیری در کمیته ماده ۲ آییننامه ارزیابی اثرات محیط‌زیستی

بخش مهمی از مشکلات محیط‌زیست ناشی از فرایند تصویب و اخذ مجوز اجرای طرح‌های بزرگ نظیر سدها، کارخانجات، جاده‌ها و سایر زیرساخت‌ها بوده است. ارزیابی اثرات محیط‌زیستی باید به صورت کاری تخصصی و با نهایت شفافیت، بدون اعمال قدرت و سلايق ضد محیط‌زیستی حامیان پروژه‌های بزرگ انجام شود. اصلاحات در فرایند کمیسیون ماده ۲ باید متضمن رسیدن به اهداف زیر باشد:

۱. رعایت حداکثر شفافیت و دسترسی متخصصان و عموم فعالان محیط‌زیست به نتایج ارزیابی تأثیر محیط‌زیستی،
۲. مشارکت اجتماعات تحت تأثیر طرح‌ها و پروژه‌ها در ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی،
۳. ارتقای سطح ارزیابی تأثیر محیط‌زیستی به «ارزیابی محیط‌زیستی استراتژیک»
۴. ارتقای جایگاه حقوقی نتایج ارزیابی تأثیر محیط‌زیستی به سطحی که در دادگاه‌ها بتوان به آن‌ها استناد کرد و افراد و گروه‌های تحت تأثیر پروژه‌ها بتوانند از حقوق خود به استناد این گزارش‌ها دفاع کنند،
۵. ناممکن ساختن تصویب، اجرا و تخصیص اعتبارات پروژه‌ها بدون اخذ مجوز محیط‌زیستی در فرایند شفاف کمیسیون ماده ۲.

۳-۸. ارتقای حکمرانی و بهره‌وری در مصرف منابع آب

تعدیل مسأله و بحران آب در ایران از اولویت‌های برنامه ششم توسعه است. دولت دوازدهم باید در زمینه مسأله آب اقدامات جدی انجام دهد که در این راستا برنامه‌ها و اقدامات زیر پیگیری خواهد شد.

۱. تدوین «گزارش ملی آب» با هدف مشخص کردن روندهای توسعه کشور که منجر به بروز بحران آب شده و مشخص ساختن برنامه‌های دقیق اجرایی برای اصلاح مسیر،
۲. اولویت دادن به مدیریت غیرسازه‌ای منابع آب و مدیریت تقاضا،
۳. احیای رودخانه‌ها و رعایت حقابه‌های محیط‌زیستی،



۴. تدوین برنامه‌های توسعه کالبدی مبتنی بر آمایش سرزمین و پتانسیل آب کشور،
۵. توسعه بستر قانونی، اصلاح مقررات و نهایی کردن تدوین قانون جامع آب کشور،
۶. اصلاحات ساختاری، از جمله در نظر گرفتن حوضه‌های آبریز و نه استان‌ها به منزله واحد اصلی مدیریت یکپارچه منابع آب،
۷. بازچرخانی آب و استفاده از پساب تصفیه‌شده در بخش کشاورزی محصولات غیرخوراکی با رعایت ملاحظات بهداشتی و محیط‌زیستی،
۸. تأمین بخشی از آب صنایع از طریق بازچرخانی
۹. تخصیص حقایق محیط‌زیستی رودخانه‌ها، تالاب‌ها، دریاچه‌ها،
۱۰. ادامه بازنگری و تعیین حجم مخازن سدهای در حال طراحی با توجه به تغییرات هیدرولوژیک، توجه اقتصادی و ارزیابی آثار محیط‌زیستی،
۱۱. محدود کردن مصارف آب در بخش‌های مختلف به توان اکولوژیک حوضه آبریز
۱۲. اجرای طرح تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی،
۱۳. ادامه تلاش برای کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی با ارتقای بهره‌وری و کاربرد فناوری‌های جدید کشاورزی و آبیاری،
۱۴. تأمین امنیت غذایی کشور (نه لزوماً خودکفایی در تمام محصولات کشاورزی و دامی) با توجه به تجارت آب مجازی،
۱۵. تأکید بر اقدامات آبخیزداری برای حفاظت از منابع آب و خاک در حوضه آبریز،
۱۶. کاهش درصد و تلفات آب بدون درآمد در شبکه آب شهری و روستایی
۱۷. زمینه‌سازی برای جداسازی شبکه آب شرب و بهداشتی،
۱۸. سرمایه‌گذاری در زمینه استفاده از تکنولوژی‌های بومی و سازگار با اقلیم و بوم‌شناسی کشور (کاریزها، جمع‌آوری آب باران و ...)
۱۹. اهمیت دادن به ارزش اقتصادی آب در تمامی مصارف و ایجاد بازار آب،
۲۰. اصلاح نظام تعرفه‌ها و قیمت گذاری واقعی آب، متناسب با پوشش هزینه‌ها
۲۱. احداث تصفیه‌خانه‌های فاضلاب و تکمیل شبکه‌های آبیاری و زهکشی همزمان با اتمام سدها،
۲۲. تقویت سیستم پایش برای کاهش آسیب‌پذیری منابع آب سطحی و زیرزمینی
۲۳. استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد برای صیانت آب،
۲۴. مشارکت تشکل‌های بهره‌برداران آب در مدیریت تأسیسات آبی و تقویت ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد،

۲۵. آگاهی‌رسانی و جلب مشارکت عمومی،

۲۶. همکاری علمی و تبادل تجربیات با نهادهای بین‌المللی آب.

۴-۸. پیشبرد اقتصاد سبز

دسترسی به انرژی ارزان از منابع سوخت فسیلی سبب افزایش شدت مصرف انرژی در کشور شده است. این مصرف با عقب‌ماندگی فناورانه و نظام‌های قیمت‌گذاری ناکارآمد انرژی تلفیق شده و در نهایت وضعیت نامساعدی از نظر اقتصادی و محیط‌زیستی برای مصرف انرژی در ایران رقم زده است. بهبود این وضعیت مستلزم پیگیری برنامه‌های زیر است.

۱. حمایت از تولید انرژی‌های تجدیدپذیر از منابع باد و خورشید از طریق اصلاح نظام‌های قیمت‌گذاری انرژی، همکاری فناورانه با کشورهای پیشرو و اعمال استانداردهای محیط‌زیستی سختگیرانه،
۲. تدوین نظام جامع مدیریت پسماند پایدار با تأکید بر: تفکیک زباله‌های جامد از مبدأ، تقویت صنعت بازیافت پسماندهای جامد، تقویت بازارهای تولید و فروش محصولات بازیافتی، و روش‌های پایدار دفع پسماندهای شهری (از جمله تبدیل پسماندها به کمپوست و انرژی)، و تخصیص اعتبارات لازم برای اجرای برنامه‌های پیشنهادی این نظام جامع،
۳. حمایت از بازیافت زباله و تولید کمپوست برای جلوگیری از آلودگی خاک توسط زباله‌ها، و کمک به احیای کیفیت خاک‌های ایران از طریق مصرف کمپوست،
۴. حمایت از تولید و انتقال فناوری در زمینه وسایل مصرف‌کننده انرژی با استانداردهای مصرف انرژی بهتر،
۵. حمایت از تولید محصولات ارگانیک کشاورزی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تولید کشاورزی با کود و سم کمتر، تخصیص اعتبارات و اولویت به ساخت مجتمع‌های تولید کودهای ارگانیک برای توسعه کشاورزی پایدار.
۶. اعمال تعرفه‌های مالیاتی و جریمه‌های زیست‌محیطی بر محصولاتی که با استانداردهای زیست‌محیطی پایین تولید می‌شوند.
۷. حمایت از توسعه تکنولوژی بومی سازگار با محیط‌زیست، و دادن تسهیلات برای وارد کردن تکنولوژی‌هایی که آلودگی‌زدایی کمتری دارند.
۸. ادامه سیاست‌ها و برنامه‌های ملی تدوین‌شده برای مقابله با تغییر اقلیم و کاهش گازهای گلخانه‌ای.
۹. حمایت از گردشگری محیط‌زیستی با رعایت استانداردهای حفظ محیط‌زیست.

۵-۸. تداوم جلب مشارکت عمومی

بهبود وضعیت محیط‌زیست ایران نیازمند مشارکت و نظارت عمومی، و همچنین ارتقای آگاهی عموم جامعه درباره ضرورت حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از تداوم روندهای مخرب است. این مهم هم‌چنین نیازمند آموزش عمومی گسترده درباره محیط‌زیست است. چنین کاری به کمک سمن‌ها و مشارکت مردمی امکان‌پذیر است. برنامه‌های زیر در دولت دوازدهم پیگیری خواهد شد.

۱. گسترش آموزش فراگیر، از پیش‌دبستانی تا دانشگاه - آموزش منتهی به تغییر رفتار،



-
۲. توسعه ارتباطات راهبردی در حوزه محیط زیست از طریق همکاری با هنرمندان، دانشگاه‌ها، بخش خصوصی، فعالان محیط زیست و شهروندان،
۳. توسعه سامانه‌های جلب مشارکت و نظارت مردمی در حفظ محیط زیست در فضای مجازی و توانمندسازی مردم برای نظارت محیط زیستی از طریق ارائه اطلاعات درباره محیط زیست ایران و عوامل مخرب آن به مردم،

